

گزارش سیاسی کمیته اجرایی به کنفرانس هفدهم سازمان

گزارش برگزاری هفدهمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت)



در صفحه ۳

باگذشت دو سال از کنفرانس شانزدهم سازمان فدائیان (اقلیت)، کنفرانس هفدهم در موعد مقرر در اساسنامه سازمان، در ۲۵ مردادماه ۹۸ برگزار شد. کنفرانس‌های سازمان که بالاترین ارگان سازمانی ما محسوب می‌شوند و از قدرت تصمیم‌گیری یک کنگره برخوردارند، هر دو سال یکبار تشکیل می‌شوند. این کنفرانس‌ها، عملکرد سیاسی و تشکیلاتی سازمان و وظائف کمیته اجرایی که رهبری تشکیلات را در فاصله دو کنفرانس بر عهده دارد، مورد ارزیابی قرار می‌دهند و وظائف سیاسی و تشکیلاتی و تاکتیک‌های سازمان را در دوره دو سال آینده تعیین و کمیته اجرایی جدیدی را انتخاب می‌کنند. بر طبق اساسنامه سازمان ما، کمیته اجرایی سه ماه پیش از برگزاری هر کنفرانس، گزارش سیاسی و تشکیلاتی و قطعنامه‌های پیشنهادی خود را که قرار است به کنفرانس ارائه شود، در اختیار تشکیلات قرار می‌دهد تا بحث کافی پیرامون آن‌ها صورت گیرد و چنانچه نقد و اصلاحی در مورد آن‌ها وجود دارد به بحث گذاشته شود تا شرکت‌کنندگان در کنفرانس با آمادگی لازم در این اجلاس عالی سازمان،

در صفحه ۲

پیام هفدهمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت) به :

۲۲ کارگران و زحمتکشان، زنان و جوانان

به زندانیان سیاسی، خانواده‌های زندانیان سیاسی و

۱۳ خانواده‌های جان‌باختگان سازمان

۱۴ به رفقای هوادار و فعالان سازمان در داخل کشور

۱۶ پیام جمعی از "فعالان کارگری جنوب"
به کنفرانس هفدهم سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۸ پیام فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) - داخل کشور
به کنفرانس هفدهم سازمان فدائیان (اقلیت)

پیام فعالین و هواداران سازمان فدائیان (اقلیت) - داخل کشور
به رفقای شرکت‌کننده در کنفرانس هفدهم سازمان فدائیان (اقلیت) ۱۹

۱۹ پیام هسته امیر پرویز پویان
به کنفرانس هفدهم سازمان فدائیان (اقلیت)

پیام حزب کمونیست ایران به
کنفرانس هفدهم سازمان
فدائیان (اقلیت) ۱۵

پیام کمیته مرکزی سازمان راه
کارگر به
کنفرانس هفدهم سازمان
فدائیان-اقلیت ۱۵

پیام هسته اقلیت به
هفدهمین کنفرانس سازمان
فدائیان (اقلیت) ۱۷

خلاصه ای از
اطلاعیه های سازمان ۲

گزارش برگزاری هفدهمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت)

خلاصه ای از اطلاعیه های سازمان

"محاکمات فرمایشی، کارگران مبارز شرکت نیشکر هفت تپه را مرعوب نخواهد کرد" عنوان اطلاعیه‌ای است که سازمان ما در ۲۳ مردادماه ۱۳۹۸ در مورد محاکمه و محکومیت کارگران مبارز شرکت نیشکر هفت تپه انتشار داد. در این اطلاعیه آمده است:

"رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی که وظیفه‌های جز پاسداری از نظم ستمگرانه سرمایه‌داری و حمایت از سرمایه‌داران استثمارگر، دزدان و غارتگران ندارد، سرکوب و فشار بر کارگران را افزایش داده است. رسوایی این رژیم به‌جایی رسیده که گروه، گروه، کارگران را در بیدانگاه‌های خود به محاکمه می‌کشد و به حبس و شلاق محکوم می‌کند.

درحالی‌که دادگاه فرمایشی اسماعیل بخشی و علی نجاتی از رهبران کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه به همراه اعضای تحریریه نشریه گام در جریان است، یک دادگاه فرمایشی دیگر درشوش تعداد دیگری از کارگران نیشکر هفت‌تپه را به جرم دفاع از خواست‌های برحق خود به محاکمه کشیده است. چند روز پیش ۸ تن از کارگران نیشکر هفت‌تپه که در تجمع ۱۹ اردیبهشت‌ماه امسال، شرکت کرده بودند، در بی دادگاه شوش محاکمه شدند و در ۲۱ مرداد حکم ارتجاعی و ضد انسانی این به‌اصطلاح دادگاه اعلام شد. کارگران به هشت ماه حبس تعلیقی و تحمل ۳۰ ضربه شلاق محکوم شدند."

اطلاعیه سپس با اشاره به محاکمه گروهی دیگر از کارگران این مجتمع در ۲۳ مرداد به اتهام "تجمع غیرقانونی برای تغییر مدیریت و آزادی اسماعیل بخشی" می‌افزاید:

"جمهوری اسلامی بر این پندار است که با این محاکمات فرمایشی و محکوم کردن کارگران به حبس و شلاق می‌تواند، کارگران را مرعوب و سیل خروشان جنبش کارگری را که برای برافکندن نظم ارتجاعی حاکم بر ایران به حرکت درآمده است، مهار کند. اما این جنبش، دیگر مهار شدنی نیست. میلیون‌ها کارگری که تحت شدیدترین استثمار، در فقر، گرسنگی و بی حقوقی به سر می‌برند، چیزی برای دست دادن ندارند.

سازمان فدائیان (اقلیت) محکمه و محکوم کردن کارگران مبارزه شرکت نیشکر هفت‌تپه را شدیداً محکوم کند و از کارگران سراسر ایران می‌خواهد این محاکمات فرمایشی و ضد انسانی رژیم را محکوم کنند و خواستار آزادی بی‌قیدوشرط تمام کارگران زندانی شوند."

کرد و این سند به رأی گذاشته شد. گزارش سیاسی با صد درصد آراء به تصویب رسید.

کنفرانس هفدهم سازمان همچنین پیام‌هایی خطاب به کارگران و زحمتکشان، زنان و جوانان، خطاب به خانواده‌های جان‌فشان سازمان و زندانیان سیاسی و خطاب به فعالان و هواداران سازمان را تصویب نمود، که در همین شماره نشریه کار انتشار می‌یابند. در کنفرانس هفدهم سازمان یک کمیته اجرائی جدید نیز انتخاب شد که عهده‌دار رهبری سازمان تا کنفرانس هیجدهم خواهد بود. کنفرانس هفدهم سازمان، روز ۲۷ مرداد با موفقیت، همراه با سرود انترناسیونال به کار خود پایان داد.

موافق، ۱۷ درصد ممتنع و ۵ درصد مخالف تصویب شد.

دستور کار بعدی اجلاس، بررسی گزارش سیاسی کمیته اجرائی پیشین به کنفرانس هفدهم سازمان بود. در این بخش، علاوه بر اعضا، تعدادی از فعالان و هواداران سازمان و میهمانانی که از آن‌ها برای شرکت در کنفرانس دعوت‌شده بود، حضور داشتند. کمیته اجرائی سازمان همچنین از سازمان‌هایی که در پروژه همکاری مشترک با سازمان ما قرار دارند، اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمیت، سازمان راه کارگر و هسته اقلیت دعوت کرده بود که در کنفرانس سازمان ما حضور یابند. از هر سازمان دو نماینده در این اجلاس حضور یافتند.

هیئت‌رئیس، پس از خوش‌آمدگویی به رفقای مهمان کنفرانس، نخست از کمیته اجرائی خواست که پیرامون گزارش سیاسی و تغییراتی که در آن صورت گرفته است به کنفرانس گزارش بدهد. یکی از اعضای کمیته اجرائی قبل از هر چیز، برای اطلاع رفقای که به‌عنوان مهمان در کنفرانس حضور داشتند، توضیحاتی در مورد روند بحث‌های پیش از کنفرانس و روال کار سازمان ما برای تهیه گزارش سیاسی ارائه داد. سپس با مروری کلی بر برخی تحلیل‌های گزارش، در مورد اوضاع سیاسی ایران و جهان، افزود: در جریان بحث‌های پیش از کنفرانس، پیشنهادهایی از جانب اعضای سازمان، در مورد افزودن موارد جدیدی بر گزارش یا توضیح بیشتری پیرامون چشم‌انداز تحول اوضاع سیاسی و تاکتیک‌های طبقه حاکم در ایران مطرح‌شده بودند که برخی از پیشنهادهای تاجاتی که نظر عمومی تشکیلات بود به گزارش افزوده شد. این افزوده‌ها به اطلاع شرکت‌کنندگان در کنفرانس رسید. اصل این گزارش از قبل در اختیار تمام شرکت‌کنندگان در کنفرانس قرار گرفته بود. پس‌از این توضیحات، اجلاس وارد بحث گزارش شد. بحث فعالی پیرامون گزارش سیاسی صورت گرفت. اغلب حاضرین در اجلاس، از جمله رفقای که به‌عنوان میهمان حضور یافته بودند، فعلاً در بحث‌ها شرکت کردند و نظرات خود را ارائه دادند. نمایندگان احزاب و سازمان‌های شرکت‌کننده در این اجلاس نیز ضمن قرائت پیام‌های سازمان‌های خود به کنفرانس هفدهم سازمان ما که در همین شماره نشریه کار درج‌شده است، فعلاً در گفتگوها شرکت داشتند، نظرات خود را مطرح کردند و به پرچار شدن مباحث یاری رساندند. در جریان بحث‌هایی که صورت گرفت، تمرکز بحث‌ها بر روی دو نکته قرار گرفت. یکی مسئله اتحادها، موانع و مشکلات و تلاش برای تقویت اتحاد و همکاری شش جریان و نکته دیگر، بحث بر سر بدیل‌های بورژوازی و تاکتیک‌های رژیم در برابر جنبش توده‌ای و جنبش طبقاتی کارگران بود. در فواصل مباحث، پیام‌هایی که رفقای داخل کشور برای کنفرانس ارسال کرده بودند، توسط یکی از اعضای کمیته اجرائی سابق، قرائت شد که مورد توجه شرکت‌کنندگان در کنفرانس قرار گرفت. چهار پیام رفقای داخل کشور در همین شماره نشریه درج‌شده است. پس از دو دور بحث پیرامون گزارش سیاسی، هیئت‌رئیس، کفایت بحث را اعلام

حضور یابند. در این فاصله سه‌ماهه اعضای سازمان چنانچه پیشنهاد و یا قطعنامه‌ای در مورد تغییرات برنامه‌ای، اساسنامه‌ای یا مسائل سیاسی و تشکیلاتی دارند، برای بحث به تشکیلات ارائه می‌دهند و در کنفرانس پیرامون آن‌ها تصمیم‌گیری می‌شود.

بنابراین، کنفرانس هفدهم سازمان پس از مباحثات دوره سه‌ماهه، با تدارک سیاسی و تشکیلاتی لازم برگزار شد. کمیته اجرائی منتخب کنفرانس شانزدهم، ضمن خوش‌آمدگویی به رفقای شرکت‌کننده در کنفرانس هفدهم، از آن‌ها خواست، هیئتی را برای ریاست جلسه انتخاب کنند و وظایف خود را پایان‌یافته اعلام کرد. رفقای که در کنفرانس حضور یافته بودند، یک هیئت‌رئیس سه‌نفره را انتخاب کردند. پس از انتخاب هیئت‌رئیس، کنفرانس رسماً کار خود را با یک دقیقه سکوت به پاس بزرگداشت جان‌فشانان سازمان و همه جان‌باختگان راه آزادی و سوسیالیسم آغاز کرد. هیئت‌رئیس، سپس آئین‌نامه اجلاس و روال کار آن را که از قبل آماده‌شده بود، به بحث گذاشت که به اتفاق آراء تصویب شد. بخش نخست کنفرانس هفدهم به بررسی گزارش تشکیلاتی کمیته اجرائی و عملکرد کمیته‌ها و ارگان‌های سازمانی ما اختصاص یافت.

هیئت‌رئیس اجلاس از کمیته اجرائی سابق خواست که در مورد رفقای شرکت‌کننده در کنفرانس توضیح دهد و به سوالات اجلاس پیرامون گزارش تشکیلاتی پاسخ دهد. یکی از رفقای کمیته اجرائی در مورد رفقای که به کنفرانس دعوت‌شده بودند و رفقای که به علل مختلف نتوانستند در کنفرانس حضور پیدا کنند توضیحاتی ارائه داد و به برخی سوالات پاسخ داد. پس‌از آن، رفقای شرکت‌کننده در این اجلاس، نظرات، پیشنهادهای و انتقادات خود را در مورد گزارش تشکیلاتی کمیته اجرائی و عملکرد کمیته‌های تشکیلاتی ابراز داشتند. بحث ارزیابی گزارش تشکیلاتی و مسائل مختلف سازمانی، یک روز ادامه یافت. بر طبق آئین‌نامه مصوب، پس از دو دور بحث و گفتگو، هیئت‌رئیس کفایت بحث را اعلام کرد و گزارش تشکیلاتی به رأی گذاشته شد که با ۸۳ درصد آرای موافق و ۱۷ درصد ممتنع تصویب شد. در این بخش از اجلاس، همچنین قطعنامه پیشنهادی یکی از رفقا در مورد تغییر یکی از بندهای برنامه در دستور کار قرار گرفت. در بخش مطالبات مشخص کارگری برنامه فوری سازمان در یکی از بندهای مربوط به زنان کارگر آمده بود: "ممنوعیت کار زنان در رشته‌هایی که برای سلامتی آن‌ها زیان‌آور باشد." از آنجایی که در این بند، این ابهام پیش می‌آمد که گویا زنان نمی‌توانند یا نباید در برخی رشته‌ها کار کنند، پیشنهادشده بود که این بند به شکل زیر تغییر کند. "ممنوعیت کار زنان در مواردی که برای سلامتی آن‌ها زیان‌آور باشد." هیئت‌رئیس از رفیقی که قطعنامه تغییر بند برنامه‌ای را پیشنهاد کرده بود، خواست که به مدت ده دقیقه از قطعنامه خود دفاع کند. سپس رفقای موافق و مخالف بر سر این قطعنامه وارد بحث شدند. گرچه سخنران‌ها عموماً بر این نظر تأکید داشتند که واژه رشته‌ها باید حذف شود، اما برخی رفقا واژه "موارد" را نیز جایگزین مناسبی نمی‌دانستند. سرانجام پس از دو دور بحث، رأی‌گیری شد و این قطعنامه نیز با ۷۸ درصد آرای

گزارش سیاسی کمیته اجرایی به کنفرانس هفدهم سازمان



سرمایه‌داری به درجه‌ای رشد کرده که بحران، دیگر نمی‌تواند رامحل لحظه‌ای این تضادها باشد. انباشت سرمایه به درجه‌ای رشد کرده که راهی برای به جریان افتادن ندارد. بورس‌بازی مفری برای این سرمایه‌ها شده و مزاد تولید به پدیده‌ای همیشگی تبدیل شده است. به قول مارکس:

"این واقعیت که تولید بورژوازی به‌حسب قوانین ذاتی خود ناگزیر است از سویی نیروهای تولیدی را چنان توسعه دهد که گویی تولید بر یک بنیاد اجتماعی تنگ و محدود قرار نگرفته و حال آنکه از سوی دیگر، این نیروهای تولیدی را تنها در درون این محدوده‌های تنگ می‌تواند توسعه دهد، ژرف‌ترین و پنهانی‌ترین علت بحران و تضادهای فاحشی است که تولید بورژوازی در درون آن انجام می‌گیرد و با نظری اجمالی، آن را تنها به‌عنوان یک‌شکل گذرای تاریخی، نمایان می‌سازد." (تئوری‌های ارزش اضافی؛ جلد ۳۲؛ کلیات آثار مارکس - انگلس)

اکنون قدرت مولد سرمایه‌داری از محدوده‌های بازار بسیار فراتر رفته است. بسط بازار برای سرمایه‌گذاری‌های جدید وجود ندارد. قدرت خرید مدام محدودتر شده و پیوسته مزاد تولید رخ می‌دهد. با بحران ۲۰۰۷ برای جبران بدهی‌های بانک‌ها و دولت‌ها، دوران ریاضت آغاز شد. این خود عاملی دیگر برای محدودیت قدرت خرید بود. تا مدتی بسط بازار و سرمایه‌گذاری در کشورهایی از نمونه کره جنوبی، برزیل، ترکیه، هند، چین، اروپای شرقی یا فناوری‌های جدید، محرکی برای گسترش بازار بود، اکنون اما همه این کشورها در سرآشویی قرار گرفته‌اند. وضعیت برخی از نمونه ترکیه، برزیل آرژانتین به‌شدت وخیم است و در رکودی جدی به سر می‌برند. حتی کاهش نرخ رشد در کره جنوبی که پیشرفته‌تر از همه آن‌هاست، هم‌اکنون به ۰ / ۳ درصد رسیده است. در نتیجه رکود مداوم، نرخ‌های بیکاری حتی در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری همچنان بالاست.

سازمان بین‌المللی کار می‌گوید: در سال ۲۰۱۸ بیش از ۱۷۲ میلیون بیکار بودند و ادعا می‌کند که حدود دو میلیون کاهش یافته است. اما آمارهای سازمان بین‌المللی کار هرگز نمی‌تواند تعداد واقعی بیکاران جهان را منعکس سازد. نه صرفاً از آن‌رو که معیار یک ساعت کار در هفته معیاری غیرواقعی برای شاغل بودن محسوب می‌شود، بلکه به این دلیل ساده که این آمار از منابع قلبی دولتهایی از نمونه جمهوری اسلامی ایران گرفته می‌شود. باین‌وجود حتی در منطقه یورو نرخ بیکاری در تعدادی از کشورها بالاست. کمیسیون اروپایی نرخ بیکاری سال ۲۰۱۸ را در منطقه یورو ۲ / ۸ درصد اعلام کرده است. اما این نرخ بیکاری در اسپانیا ۱۴ / ۱ درصد، در یونان ۱۸ / ۵ درصد، در ایتالیا ۱۰ / ۵ درصد و در فرانسه ۹ درصد است. نرخ بیکاری جوانان در فرانسه، ۲۱ / ۵ درصد، در اسپانیا و ایتالیا ۳۳ درصد، در یونان حدود ۴۰ درصد است. تنها موردی در میان کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری که می‌توان گفت نرخ بیکاری در آن به نحو قابل‌ملاحظه‌ای کاهش یافته، آمریکاست که در سال ۲۰۱۸ به چهار درصد رسید.

در نتیجه بحران اقتصادی، بیکاری، تورم، سیاست اقتصادی نئولیبرال و ریاضت اقتصادی، کاهش واقعی دستمزدها و محدود شدن روزافزون

رفقا! جهان سرمایه‌داری هرگز نمی‌تواند از چنگال تضادها و بحران‌های علاج‌ناپذیر رهایی یابد. در سراسر جهان سرمایه‌داری از اروپا، تا آسیا، از آفریقا تا قاره آمریکا، بحران‌های متعددی این نظم را فراگرفته است. سال‌هاست که بحران جهانی اقتصادی سرمایه‌داری به یک بحران مزمن و ساختاری حل‌ناپذیر تبدیل شده است. از سال ۲۰۰۷ که بحران عمیق سراسر جهان سرمایه‌داری را فراگرفت، این بحران نتوانسته حتی در همان محدوده تعدیل سال‌های پیش از آن، روی بهبود به خود ببیند. در طول این چند سال، دوره‌های بهبود در سیکل اقتصادی، چنان کوتاه شده که همچون یک لحظه‌ی گذراست. بدون این‌که بهبود به مرحله رونق نسبی برسد، به کساد و رکود بازگشته است.

بورژوازی و نظریه‌پردازان آن در این سال‌ها، مکرر از غلبه بر بحران سخن به میان آوردند و حتی آمارهایی از بهبود اوضاع اقتصادی ارائه دادند. اما همواره ناگزیر به پذیرش بازگشت رکود شدند.

بر طبق گزارش بخش امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل، در سال ۲۰۱۶ نرخ رشد تولید ناخالص جهانی به پایین‌ترین سطح خود از هنگام بحران مالی جهانی رسید. یک سال بعد، ادعا شد که در سال ۲۰۱۷ رشد تولید ناخالص داخلی جهان به ۳ / ۱ درصد رسیده که سریع‌ترین سرعت رشد از سال ۲۰۱۱ است. در پی این بهبود نسبی، اقتصاددان‌های جهان سرمایه‌داری ادعا کردند که سرانجام، سرمایه‌داری از رکود بزرگ بیرون آمده است.

اما این نیز یک‌لحظه گذرا بیش نبود. یک سال بعد، در نیمه دوم سال ۲۰۱۸ اعلام شد که رشد اقتصادی جهان کاهش یافت. برآوردهای رشد صنعتی و تجاری جهانی نشان از وخامت اوضاع بود. رشد تولیدات صنعتی جهان که در سال ۲۰۱۷، ۳ / ۵ درصد اعلام شده بود در ۲۰۱۸، به ۲ / ۲ درصد کاهش یافت. رشد تجارت جهانی نیز که در سال ۲۰۱۷، ۴ / ۶ درصد بود، تا اواسط سال ۲۰۱۸ به ۳ / ۱ درصد تنزل کرد.

صندوق بین‌المللی در گزارش آوریل سال ۲۰۱۹ گفت: پس از رشد نیرومند سال ۲۰۱۷ و اوایل ۲۰۱۸ فعالیت اقتصادی جهانی به نحو قابل‌ملاحظه‌ای در نیمه دوم سال ۲۰۱۸ کاهش یافت. رشد چین زیر فشار جنگ تجاری و کنترل بانکی، کاهش یافت. اقتصاد منطقه یورو تحرکش را از دست داد. سرمایه‌گذاری در ایتالیا و تقاضای کالا از آسیا کاهش یافت. وضعیت اقتصادی ژاپن مناسب نیست. جنگ تجاری تأثیرات نامطلوبی بر جای نهاده و در هم‌جا بی‌اطمینانی پدید آورده است و بازارهای مالی بدتر شده است. پیامد آن نیز سقوط‌ها و بی‌ثباتی‌های بورس بود که در طول سال گذشته مکرر رخ داد.

ارزیابی صندوق بین‌المللی از اوضاع اقتصادی جهان حاکی است که رشد تولید ناخالص داخلی کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری که در سال ۲۰۱۸ به ۲ / ۲ درصد کاهش یافته بود، در سال ۲۰۱۹ به ۱ / ۸ درصد، اتحادیه اروپا از ۱ / ۸ به ۱ / ۳ درصد و ایالات‌متحده که وضعیت اقتصادی آن بهتر از کشورهای دیگر است نیز از ۲ / ۹ به ۲ / ۳ درصد کاهش خواهد یافت. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی ژاپن که در سال ۲۰۱۷، ۱ / ۹ درصد بود به یک درصد کاهش می‌یابد. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی چین که در سال ۲۰۰۷ بیش از ۱۴ درصد بود، اکنون به حدود ۶ / ۵ درصد کاهش یافته است.

قروض کشورهای جهان یکبار دیگر ابعاد وسیعی به خود گرفته است. بر طبق گزارش کنفرانس توسعه و تجارت سازمان ملل، بدهی جهانی، اکنون یک‌سوم، بالاتر از ۲۰۰۸ و بیش از سه برابر تولید ناخالص داخلی جهان است. این بدهی‌ها در سال ۲۰۱۷ به ۱۹۳ تریلیون دلار رسید که معادل ۳۱۸ درصد تولید ناخالص داخلی جهان است. گزارش می‌افزاید: این بدهی کلان کشورهای جهان، نه‌فقط یک ریسک مالی بزرگ است، بلکه سرمنشأ آسیب‌پذیری جدی به هنگام نزول اقتصادی است. افزایش نرخ‌های بالای بهره و افزایش ناگهانی در هزینه‌های مالی برای ثبات مالی و قروض، یک ریسک دیگر است. رقم غیررسمی بدهی چین نسبت به تولید ناخالص داخلی این کشور ۳۰۰ درصد، ایالات‌متحده ۱۰۵ درصد و ژاپن به ۲۵۰ درصد، رسیده است.

این‌که اقتصاد سرمایه‌داری به‌ویژه پس از بحران بزرگی که از ۲۰۰۷، آغاز شد، هرگز نتوانسته یک دوره رونق نسبی را به خود ببیند و دوره‌های بهبود یک، تا دو ساله بدون طی کردن مرحله رونق در سیکل اقتصادی به مرحله رکود بازگشته‌اند، بارزترین دلیل است بر این‌که تضادهای شیوه تولید

گزارش سیاسی کمیته اجرایی به کنفرانس هفدهم سازمان

امکانات اجتماعی طبقه کارگر، توده‌های کارگر و زحمتکش در مقیاسی جهانی مدام فقیرتر و سرمایه‌داران ثروتمندتر شده‌اند.

اساساً، نظام سرمایه‌داری پیوسته فقر و ثروت را در دو قطب جامعه انباشت می‌کند. در طول دو سال گذشته نیز شکاف فقر و ثروت عمیق‌تر شده است.

گزارش ژانویه ۲۰۱۹ آکسفام، به‌وضوح عمیق‌تر شدن این شکاف را نشان می‌دهد. بر طبق این گزارش در سال گذشته ثروت میلیاردی‌های جهان، ۱۲ درصد، یا روزی ۵ / ۲ میلیارد دلار افزایش یافت، درحالی‌که ثروت ۸ / ۳ میلیارد جمعیت که نیمه فقیرترین مردم را تشکیل می‌دهند، ۱۱ درصد کاهش یافت. این فقر در برخی مناطق چنان گسترده است که هرروز ده‌ها هزار نفر به علت عدم دسترسی به امکانات بهداشتی مناسب جان خود را از دست می‌دهند.

این انباشت ثروت در دست گروهی اندک به درجه‌ای است که ثروت ۸۰ ثروتمند، معادل ثروت نیمی از جمعیت جهان است.

به گفته مدیر تحقیق سازمان بین‌المللی کار ۷۰۰ میلیون نفر در جهان به‌رغم داشتن کار در فقر شدید یا ملایم زندگی می‌کنند.

درحالی‌که در هند ۱۰ درصد ثروتمند جمعیت، ۵۵ درصد تمام درآمد را در سال ۲۰۱۶ دریافت کرد، ۲۱۸ میلیون نفر با کمتر از ۹۰ / ۱ دلار درآمد روزانه، در فقر شدید به سر می‌برند.

سازمان بین‌المللی کار همچنین می‌گوید که ۵۴ درصد جوانان کارگر در جنوب آسیا با روزی ۱۰ / ۳ دلار در فقر زندگی می‌کنند. ۲۰ درصد آن‌ها با روزی ۹۰ / ۱ دلار در فقر شدید قرار دارند.

اطلاعات جدید جمع‌آوری‌شده برای اشتغال جهانی و چشم‌انداز اجتماعی، حاکی است که در سال ۲۰۱۸، اکثریت ۳ / ۳ میلیارد جمعیت شاغل جهان، از امنیت اقتصادی و رفاه مادی لازم برخوردار نبودند. بیش از دو میلیارد از جمعیت شاغل یعنی ۶۱ درصد نیروی کار جهان، اشتغال غیررسمی دارند.

بانک جهانی نیز می‌گوید بیش از ۹ / ۱ میلیارد از جمعیت جهان در سال ۲۰۱۵ با کمتر از ۲۰ / ۳ دلار در روز زندگی می‌کردند.

بر طبق گزارش سایت تحقیقی نابرابری جهانی وابسته به مدرسه اقتصادی پاریس، بالاترین نابرابری منطقه‌ای جهان در خاورمیانه قرار دارد که سهم ۱۰ درصد بالائی جامعه از کل درآمد ملی ۶۱ درصد است. این رقم برای هند و برزیل ۵۵ درصد، آمریکا و کانادا، ۴۷ درصد، روسیه ۴۶ درصد، چین ۴۱ درصد و اروپا، ۳۷ درصد ذکر شده است.

با ادامه بحران اقتصادی، سیاست اقتصادی نئولیبرال و ریاضت اقتصادی، فقر، بیکاری و عمیق‌تر شدن نابرابری و شکاف طبقاتی، مبارزه طبقاتی کارگران تشدید شده است. در دو سال گذشته هزاران مورد اعتراض کارگران و کارمندان بخش‌های خصوصی و دولتی در سراسر جهان رخ داده است. اعتصاب کارگران راه‌آهن آلمان در ماه دسامبر، اعتصابات کارکنان فرودگاه‌ها در اغلب کشورهای اروپایی، اعتصابات کارگران بلژیک، هلند، یونان، اعتصاب کارگران کره جنوبی، اعتصابات عمومی آرژانتین، تظاهرات و اعتصابات متعدد در اروپای شرقی، از جمله در لهستان، تظاهرات ده‌ها هزار تن در مجارستان، تنها نمونه‌هایی از این اعتراضات است.

آمار اعتراضات کارگری سال گذشته در ایالات‌متحده، برای اولین بار در مقایسه با سه دهه پیش، افزایش یافته است.

بر طبق گزارش مرکز آمار اداره کار ایالات‌متحده آمریکا، حدود نیم میلیون نفر در اعتصابات عمده در ۲۰۱۸ شرکت داشتند که از سال ۱۹۸۶ بالاترین رقم است. اعتصاب کارگران فولاد، هتل و معلمان این کشور، چندین روز به طول انجامید. اما مهمترین اعتصابات جهان در فاصله دو کنفرانس سازمان، در فرانسه و هند به وقوع پیوسته است.

در ۲۰۱۸ موجی از اعتصابات و تظاهرات، فرانسه را فراگرفت. ده‌ها هزار کارگر و کارمند بخش عمومی فرانسه به اعتصاب و تظاهرات متوسل شدند. ماکرون رئیس‌جمهوری کنونی فرانسه از همان آغاز به قدرت رسیدن، یکی از وظایف خود را واگذاری حتی بخش‌های خدمات عمومی به سرمایه‌داران خصوصی و یورش به دست‌آوردهای کارگران فرانسوی قرار داد. در سال ۲۰۱۸ به‌رغم اعتراضات و تظاهرات وسیع، طی چند فرمان برخی برنامه‌های ارتجاعی خود را علیه کارگران و تحصیلات عالی به مرحله اجرا گذاشت.

کارگران شبکه ریلی دولتی فرانسه "مجمع ملی راه‌آهن فرانسه"، تاکنون به خاطر شرایط دشوار کار از امنیت و تضمین شغلی، برخوردار بوده‌اند. ماکرون، تلاش نمود در استخدام‌های جدید، اشتغال تضمین‌شده، مزایای بازنشستگی، از جمله بازنشستگی زود هنگام و دیگر دست‌آوردهای کارگران را از قراردادهای کار حذف کند و این بخش را به سرمایه‌داران خصوصی واگذار کند.

بنابراین، چهار سندی‌کای مهم فرانسه تصمیم گرفتند که در مقابل این تعرض بورژوازی که در عین حال حمله‌ای به دست‌آوردهای عموم کارگران فرانسوی بود، بایستند. آن‌ها از ۷۴ هزار کارگران مجمع ملی راه‌آهن فرانسه خواستند که به مدت سه ماه از هر ۵ روز، دو روز را در مخالفت با برنامه دولت دست از کار بکشند. به‌رغم تمام تشبیهات بورژوازی و بلندگوهای تبلیغاتی آن، این اعتصاب چنان موفق بود که فرانسه را به‌کلی فلج کرد و ماکرون را وادار به عقب‌نشینی کرد.

علاوه بر اعتصابات کارگران خطوط ریلی، ده‌ها هزار تن از معلمان، کارکنان بخش‌های درمان، کارگران نظافتچی، کارگران برق، خطوط هوایی و دانشجویان به اعتصاب و تظاهرات روی آوردند.

دانشجویان در جریان این مبارزه، تعدادی از دانشگاه‌ها را اشغال کردند. پیش‌از این نیز، در ۲۲ مارس ده‌ها هزار معلم، پرستار و کارمند بخش‌های دیگر این کشور در مخالفت با برنامه اقتصادی ماکرون به اعتصاب و تظاهرات متوسل شده بودند.

کارکنان شرکت هواپیمایی ایرفرانس نیز برای افزایش حقوق، چندین اعتصاب برپا کردند.

پی آمد این مبارزات کارگران و زحمتکشان فرانسوی، شکل‌گیری جنبشی سرا سری در اواخر سال ۲۰۱۸ به نام جنبش جلیقه زردها بود. این جنبش، در آغاز در اعتراض به افزایش قیمت سوخت شکل گرفت. روز ۱۷ نوامبر ۲۸۰ هزار نفر در سراسر فرانسه، با مسدود کردن بزرگراه‌ها و خیابان‌ها، به این جنبش سرا سری شکل دادند. این جنبش که در آغاز ترکیب نامتجانسی داشت، تدریجاً خصلت طبقاتی کارگری در آن برجسته شد و برخی اتحادیه‌های کارگری نیز به آن پیوستند. تظاهرات هفتگی جلیقه زردها، ماکرون را ناگزیر به عقب‌نشینی از افزایش بهای سوخت و دادن برخی امتیازات کرد. اما جنبش ادامه یافت و جلیقه زردها خواستار رفاندوم و برکناری ماکرون شدند.

در ژانویه سال ۲۰۱۹ با فراخوان ۱۰ اتحادیه مرکزی هند، بزرگترین اعتصاب تاریخ جنبش کارگری جهان در این کشور شکل گرفت. بیش از ۱۸۰ میلیون کارگر بخش عمومی و خصوصی، تولیدی و خدماتی، یک اعتصاب دو روزه سرا سری را به همراه تجمعات و تظاهرات برای مقابله با سیاست‌های نئولیبرال مودی، نخست‌وزیر این کشور و تعرض به حقوق کارگران برپا کردند.

افزایش حداقل دستمزد به ۱۸۰۰۰ روپیه در ماه، کاهش قیمت کالاهای اساسی، مخالفت با خصوصی‌سازی مؤسسات بخش عمومی، وسایل نقلیه عمومی، بانک و بیمه، مخالفت با تغییر قانون کار، پرداخت حقوق بازنشستگی به‌تمامی رشته‌های اقتصاد، قرار گرفتن کلیه کارگران از جمله کارگران کشاورزی تحت پوشش قانون کار و بیمه شدن آن‌ها، استخدام رسمی کارگران قراردادی، دستمزد برابر زنان با مردان کارگر در ازای کار برابر، تعدادی از مطالبات کارگران در این اعتصاب بزرگ بود.

در فاصله دو کنفرانس سازمان، یکی دیگر از تضادهای جهان سرمایه‌داری که تشدید شده است، تضاد میان قدرت‌های امپریالیست است. این واقعیت بر همگان آشکار است که از هنگام به قدرت رسیدن ترامپ در آمریکا، اختلاف و نزاع امپریالیسم آمریکا با مهمترین قدرت‌های امپریالیست رقیب به نحو روزافزونی حادث شده است. دولت آمریکا تلاش کرده است با انداختن بار هزینه‌های بحران اقتصادی بر دوش دولت‌های دیگر، اوضاع اقتصادی را در آمریکا بهبود بخشد. بنابراین تعرفه‌های سنگینی بر واردات مهمترین کشورهای سرمایه‌داری وضع کرد. اختلاف دولت آمریکا با اتحادیه اروپا، نزدیکترین متحد این کشور بر سر تعرفه‌ها و هزینه‌های ناتو حتی به جدال‌های تند و عنی انجامید. از آن‌پس، رابطه آمریکا و اروپا همچنان تیره است. همکاری‌های سیاسی و نظامی میان این دو قدرت جهانی در برخورد با بحران‌های بین‌المللی به حداقل ممکن کاهش یافته است. برجام تنها یک نمونه بود. منازعات خاورمیانه نمونه دیگری است. نزاع دولت آمریکا با چین نیز به یک درگیری حاد تجاری انجامیده است. به‌رغم این‌که چین آماده دادن امتیازات متعددی به آمریکا است، اما این رقابت و نزاع همچنان ادامه یافته و دولت چین نیز تعرفه‌ها و تحریم‌های جدیدی علیه کالاهای آمریکایی

گزارش سیاسی کمیته اجرایی به کنفرانس هفدهم سازمان

وضع کرده است. دولت آمریکا حتی برخی قراردادهای نظامی با روسیه را یکجانبه فسخ کرد و از برخی قراردادهای بین‌المللی و حتی مؤسسات وابسته به سازمان ملل کنار کشیده است. از سوی دیگر، چین و روسیه نیز در حال شکل دادن به یک بلوک جداگانه در مقابل اروپا و آمریکا هستند. برکسیت نیز که نتیجه تضاد درونی قدرت‌های اروپایی است، همچنان با کشمکش ادامه دارد. در همین حال، تضاد قدرت‌های منطقه‌ای به‌ویژه در خاورمیانه، شبه‌قاره هند، آمریکای لاتین نیز تشدید شده است.

در شرایطی که تضادهای قدرت‌های امپریالیست و دولت‌های منطقه‌ای تشدید شده است، خطر درگیری‌های نظامی افزایش یافته و دولت‌های جهان در حال تولید و انبار کردن هرچه بیشتر سلاح‌های پیشرفته‌اند. بنابراین، هزینه‌های نظامی قدرت‌های امپریالیست و دولت‌های منطقه‌ای متحد و وابسته به این قدرت‌ها، به‌شدت افزایش یافته است.

گزارش آوریل ۲۰۱۹ موسسه تحقیقات بین‌المللی صلح استکهلم نشان می‌دهد که هزینه‌های نظامی جهان در سال ۲۰۱۸ به رقم ۱۸۲۲ میلیارد دلار (۸ / ۱ تریلیون دلار) رسید که ۶ / ۲ درصد نسبت به سال ۲۰۱۷ افزایش یافته است. این رقم معادل ۱ / ۲ درصد تولید داخلی ناخالص جهان است. این هزینه نظامی کلان، بالاترین سطح هزینه‌ها از سال ۱۹۸۸ است. آمریکا و چین نیمی از این هزینه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. در این میان ۶۰ درصد این هزینه‌ها به آمریکا، چین، عربستان، هند و فرانسه، تعلق دارد. مخارج نظامی دولت آمریکا ۶۴۹ میلیارد دلار، مخارج چین ۲۵۰ میلیارد دلار، هند ۶۶ / ۵ میلیارد دلار، روسیه ۶۱ / ۴ میلیارد دلار و مجموع هزینه نظامی ۲۹ عضو ناتو ۹۶۳ میلیارد دلار است که دربرگیرنده ۵۲ درصد مخارج نظامی جهان است.

توأم با افزایش هزینه‌های نظامی، حجم نقل‌وانتقال سلاح نیز در جهان افزایش یافته است. گزارش ماه مارس موسسه تحقیقات صلح بین‌المللی حاکی است که حجم نقل‌وانتقال سلاح‌های عمده، در فاصله سال‌های ۲۰۱۸ - ۲۰۱۴، ۸ / ۷ درصد بیشتر از ۲۰۱۳ - ۲۰۰۹ بود. آمریکا، روسیه، فرانسه، آلمان و چین بزرگترین صادرکنندگان سلاح در جهان‌اند و مجموعاً از کل صادرات، ۷۵ درصد حجم آن را در اختیار داشتند. مقصد ۳۵ درصد صادرات سلاح در فاصله ۲۰۱۴ - ۲۰۱۳ خاورمیانه بود.

در طول دو سال گذشته، دنیای سرمایه‌داری با بحران‌های سیاسی متعددی مواجه بود. خاورمیانه همچنان یکی از کانون‌های بحران جهان سرمایه‌داری است. منازعه جمهوری اسلامی با اغلب دولت‌های عربی منطقه تشدید شد. نزاع دولت آمریکا با جمهوری اسلامی بر سر هژمونی منطقه‌ای به جنگ اقتصادی انجامید. در سوریه گرچه جنگ داخلی ظاهراً فروکش کرده، اما بحران حل‌نشده باقی‌مانده است و هر بخش این کشور در دست یکی از طرفین نزاع است. در یمن، جنگ داخلی تشدید شده است و رژیم‌های عربستان و جمهوری اسلامی مدام بر آتش این جنگ می‌دمند. جنگ داخلی در افغانستان ادامه دارد و هم‌روزه گروهی از مردم این کشور به قتل می‌رسند. در طول این دو سال، در نتیجه‌ی به قدرت رسیدن ترامپ در آمریکا و تغییرات سیاسی در اوضاع منطقه که در نتیجه آن رژیم‌های ارتجاعی عرب برای مقابله با جمهوری اسلامی مناسبات خود را با اسرائیل بهبود بخشیده‌اند، رژیم اسرائیل با استفاده از این شرایط، اقدامات تجاوزکارانه خود را تحت حمایت و پشتیبانی دولت آمریکا علیه مردم فلسطین تشدید کرد. گروهی از مردم فلسطین را به قتل رساند و بخش‌هایی از سرزمین‌های اشغالی فلسطین را رسماً به خاک خود ضمیمه کرد. در نتیجه شرایط سیاسی وخیم منطقه و جهان و نیز به علت سلطه گروه‌های ارتجاعی اسلام‌گرا و نقش منفی و خرابکارانه جمهوری اسلامی در جنبش مردم فلسطین، نتوانست واکنشی جدی از سوی مردم فلسطین و جنبش‌های مترقی جهان در قبال این اقدامات تجاوزکارانه دولت اسرائیل صورت بگیرد. متأسفانه در اوضاع کنونی، چشم‌انداز حل مسئله فلسطین و تشکیل یک دولت فلسطینی، تیرمتر از هر زمان دیگر در گذشته است.

در شمال آفریقا، کشورهای سودان و الجزایر با بحران سیاسی مواجه‌اند و مبارزات مردم به سرنگونی دارو دسته‌های حاکم انجامیده است. جنگ داخلی در لیبی میان دو دارو دسته مرتجع اسلام‌گرا که هر یک توسط قدرت‌های امپریالیست و منطقه‌ای حمایت می‌شوند، تشدید شده است.

در آمریکای لاتین وضعیت اغلب کشورهای این منطقه بحرانی است. جناح راست بورژوازی در اغلب این کشورها در رأس قدرت قرار گرفته است. در

ونزوئلا نزاع میان جناح‌های چپ و راست بورژوازی به مداخلات علنی قدرت‌های امپریالیست به‌ویژه امپریالیسم آمریکا انجامیده است.

اتحادیه اروپا از درون با بحران‌های جدی مواجه است. خروج انگلیس از اتحادیه اروپا که فروردین آن در ۲۰۱۶ صورت گرفت، برای انگلیس و اتحادیه اروپا به یک بحران تبدیل شده است. نارضایتی مردم از سیاست‌های اتحادیه اروپا که مدام شرایط معیشتی کارگران و زحمتکشان را وخیم‌تر ساخته، افزایش یافته است. بی‌اعتمادی مردم به احزاب جناح چپ و راست سنتی بورژوازی که اساساً تفاوتی با یکدیگر ندارند، افزایش یافته است. احزاب موسوم به سوسیال‌دموکرات در میان کارگران و زحمتکشان رسوا و بی‌اعتبار شده‌اند. ادامه بحران اقتصادی بر بی‌ثباتی سیاسی در کشورهای اروپایی افزوده و گرایش‌های شدیداً ناسیونالیستی، نژادپرستانه و نفوفاشیستی را تقویت کرده است. فقر، گرسنگی و بیکاری در قاره آفریقا، موج مهاجرت به اروپا را افزایش داده است. جناح راست و نژادپرست بورژوازی این مهاجرت را دست‌آویز و مستمسکی برای بسیج توده‌های فقیر، بیکار و مردمی که زیر فشار بحران، سیاست نئولیبرال و ریاضت اقتصادی و محدودتر شدن روزافزون امکانات اجتماعی، سطح زندگی‌شان مدام تنزل می‌یابد، قرار داده است. تحت چنین شرایطی در غیاب احزاب انقلابی کمونیست، راست‌ترین جناح‌های بورژوازی کوشیده‌اند از این اوضاع بهره‌برداری کنند و توده‌های ناراضی را به دنبال خود بکشند. در اغلب موارد، مردمی که در انتخابات شرکت می‌کنند به احزاب سنتی جناح راست و چپ بورژوازی رأی نمی‌دهند. یکی از نمونه‌های بارز آن به قدرت رسیدن مکرون در فرانسه است. در همین حال، احزاب راست افراطی و نفوفاشیست قدرت گرفته‌اند که بازتابی از بحران سیاسی در اتحادیه اروپا است. در ایتالیا، اتریش، مجارستان و ... هم‌اکنون قدرت در دست احزاب راست افراطی است. در دیگر نقاط جهان، بحران‌های سیاسی نظم سرمایه‌داری به اشکال دیگری نمود یافته‌اند.

در این میان یکی از کانون‌های بحران نظام سرمایه‌داری، ایران است. طبقه حاکم بر ایران با حادثترین بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی روبه‌روست. نارضایتی کارگران و زحمتکشان به اوج خود رسیده و اوضاع از جهات مختلف برای برپایی یک انقلاب اجتماعی مساعد است.

رفقا! گزارش سیاسی کنفرانس شانزدهم، دو سال پیش، چشم‌انداز اوضاع سیاسی را چنین تصویر نمود: "تمام شواهد موجود نشان می‌دهند که همراه با تشدید تضادها و بحران‌های رژیم، مبارزات، اعتدالی‌بازم بیشتری خواهد یافت، جناح‌های رژیم، رسواتر و مفتضح‌تر و موقعیت رژیم متزلزل‌تر و ضعیف‌تر خواهد شد. توازن قوا هر چه بیشتر به نفع طبقه کارگر و متحدان آن تغییر خواهد کرد و شرایط برای سرنگونی رژیم بیش از هر زمان دیگر فراهم خواهد شد." این‌یک ارزیابی دقیق از چشم‌انداز تحول اوضاع سیاسی در ایران بود.

تنها چهار ماه از کنفرانس شانزدهم گذشته بود که یک بحران سیاسی عمیق در جامعه ایران شکل گرفت. توده‌های مردمی که سال‌ها فشارهای سنگین اقتصادی و سیاسی، ستمگری و بی حقوقی را تحمل کرده بودند، به پا خاستند. جنبش مبارزاتی توده‌های کارگر و زحمتکش مرحله قانونی را پشت سر گذاشت، و وارد مرحله نوینی از مبارزه انقلابی و تعرضی شد. اما چگونه این روند رخ داد؟ نشریه کار یک هفته پیش از آغاز جنبش دهم‌ماه نوشت:

"اعتراضات اجتماعی و سیاسی ماه‌ها و هفته‌های اخیر و تغییراتی که در صفت‌بندی‌های سیاسی جامعه ایران رخ داده است، مرحله جدیدی را در تغییر توازن قوای طبقاتی و سیاسی دوتیروی نافی و پاسدار نظم موجود گشوده است.

تردیدی نیست که نارضایتی عمومی از وضع موجود، پدیده جدیدی نیست. این نارضایتی و اعتراض، سال‌هاست که وجود دارد و به اشکال مختلف خود را نشان داده است. اما آنچه به‌رغم تمام مبارزات طبقه کارگر، معلمان و جنبش‌های توده‌ای پراکنده، پیشرفت سیاسی جنبش انقلابی توده‌های کارگر و زحمتکش را کند و به تأخیر انداخت، آن توازن سیاسی بود که ضدانقلاب حاکم بر ایران، توانست با جلب حمایت خردهبورژوازی، به‌ویژه لایه‌های وسیعی از خردهبورژوازی مدرن، به آن شکل بدهد....

اما در طول چند ماه اخیر دو اتفاق مهم، سرآغاز در هم شکستن این توازن و تغییر آن به نفع طبقه انقلابی مخالف نظم موجود، شده است. نخست این‌که در نتیجه رشد و ارتقای سطح آگاهی، همبستگی و سازمان‌یافتگی در صفوف طبقه کارگر، مبارزه این طبقه به مرحله جدیدی از رشد کمی و کیفی رسیده است... عامل مهم دیگری که در تغییر توازن قوای سیاسی نقش ایفا نموده،

گزارش سیاسی کمیته اجرایی به کنفرانس هفدهم سازمان



رویگردانی لایه‌هایی از خردبوروژوازی مدرن از جمهوری اسلامی است... این برهم خوردن توازن سیاسی قوای طبقاتی و تغییراتی که در صفت‌بندی‌های سیاسی در حال رخ دادن است، به این معناست که جامعه ایران بیش از هر زمان دیگر به مرحله‌ای که با یک بحران انقلابی مواجه شود، نزدیک شده است. با به‌عبارت‌دیگر تحولات کمی و رشد تضادها به آن مرحله رسیده است که از میان تمام مبارزات و اتفاقات سیاسی که مدام در اینجا و آنجا رخ می‌دهد، سرانجام یکی از آن‌ها به جنبشی بزرگ تبدیل گردد و تحولی کیفی رخ دهد... و نتیجه گرفت:

"ویژگی اوضاع سیاسی لحظه کنونی در ایران، از هم‌اکنون چشم‌انداز تحول اوضاع سیاسی در جهتی که راه را بر یک انقلاب اجتماعی کارگری هموار سازد، گشوده است."

بنابراین، مقدمات جنبش دی‌ماه از قبل فراهم‌شده بود. مبارزات کارگران از مدت‌ها پیش دامنه وسیع‌تر و اشکال رادیکال‌تری به خود گرفته بود. به‌ویژه از نیمه دوم دهه هشتاد، کارگران در هر سال صدها اعتصاب، تجمع و راهپیمایی برپا کرده بودند که نشان‌دهنده رشد آگاهی و سازمان‌یافتگی و روحیه تعرضی و انقلابی طبقه کارگر ایران بود. در سراسر سال ۹۶ کارگران رشته‌های مختلف در صدها مورد به اعتصاب، تجمع و راهپیمایی روی آورده بودند. در آخرین روزهای شهریورماه سال ۹۶ اعتلا و رادیکالیسم جنبش کارگری خود را در اعتصابات و تظاهرات خیابانی گسترده و تعرضی کارگران آذربایجان و هپکو در اراک نشان داده بود. مبارزاتی که به درگیری با نیروهای سرکوبگر رژیم حاکم انجامید و ۲۰ تن از فعالین این اعتراضات به دادگاه فراخوانده شدند.

اعتصابات و تجمعات اعتراضی کارگران هفت‌تپه در آذرماه نیز ادامه اعتصابات و اعتراضات پیشین آن‌ها بود. این اعتصاب از ۱۱ آذر آغاز شد و تا ۲۰ آذر به اوج خود رسیده بود.

در همین حال تظاهرات گسترده در خوزستان علیه بیکاری و آلودگی محیط‌زیست، اعتراضات بازنشستگان و مالباختگان در جریان بود که در این اعتراضات، علیه سران رژیم شعار سر داده شد. بنابراین، روشن است که جنبش دی‌ماه، نتیجه منطقی تشدید تضادها و مبارزات رادیکال پیش از آن بود.

در دی‌ماه ۹۶ در متجاوز از ۱۰۰ شهر، توده‌های کارگر و زحمتکش، تهیدستان و جوانان بیکار به مبارزه‌ای مستقیم و آشکار علیه نظم موجود و رژیم حاکم روی آوردند. در نخستین روزهای دی‌ماه، فریاد "مرگ برگرانی" در خیابان‌های مشهد طنین افکند. این اعتراض به‌سرعت به سراسر ایران گسترش یافت. ترکیب طبقاتی جنبشی که از اعماق جامعه جوشید و شعارهای رادیکال آن، به‌وضوح خصلت و مضمون انقلابی این جنبش را بازتاب می‌داد. تظاهرات توده‌ای، ده روز در سراسر ایران ادامه یافت. در برخی شهرها، توده‌های زحمتکش مردم، جوانان فقیر و بیکار با یورش به مراکز ستم و سرکوب نظامی، بانک‌ها، مساجد و به آتش کشیدن عکس‌های سران رژیم، خشم و انزجار خود را از نظم موجود به نمایش گذاشتند. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، ده‌ها هزار تن از مزدوران مسلح خود را به مقابله با توده‌های مردم، گسیل داشت. در جریان یورش‌های وحشیانه نیروهای سرکوب به مردم معترض، لااقل ۳۰ نفر کشته و بیش از ۵ هزار تن دستگیر شدند. شعارهای توده مردم در جنبش دی‌ماه، علیه گرانی و بیکاری، شعار "کار، نان، آزادی"، "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر خامنه‌ای"، "مرگ بر روحانی"، و شعار "اصلاح‌طلب، اصول‌گرا دیگه توموه ماجرا" بود. سرانجام، این اعتراضات سرا سری عمومی به علت سرکوب‌های خشن رژیم و نیز خصلت خودجوش جنبش، فروکش کردند، اما در اشکالی دیگر ادامه یافتند.

این جنبش از نظر سیاسی حامل پیامی روشن بود. دوران رکود سیاسی به پایان رسیده و دورانی جدید، دورانی انقلابی در زندگی سیاسی و مبارزاتی توده‌های مردم آغاز شده است. در بطن این جنبش و تحت تأثیر اوضاع سیاسی جدید، مبارزات زنان علیه رژیم نیز وارد مرحله نوینی شد. زنانی که از بند توهمات اسارت‌بار اصلاح‌طلبی و گروه‌های لیبرال-رفرمیست، رها شده بودند، فعالانه در خیابان‌ها به مبارزه‌ای علنی علیه رژیم حاکم روی آوردند. اعتراض به حجاب اجباری شکل جدیدی به خود گرفت و گروهی از زنان با الهام از دختر خیابان انقلاب، در چندین شهر، روسری‌ها را برداشتند. در ۸

مارس ۹۶ و ۹۷ گروهی از زنان بدون روسری در مراکز عمومی و مترو حضور یافتند، سرود خواندند، سخنرانی کردند و زنان را به مبارزه برای دستیابی به حقوق پایمال‌شده خود تشویق نمودند. بیش از ۳۰ نفر از زنان در جریان این مبارزات دستگیر و محکوم شدند.

در پی جنبش دی‌ماه، جنبش کارگری به رشد و اعتلای خود ادامه داد و وارد مرحله جدیدی از آگاهی، سازمان‌یابی، همبستگی و رادیکالیسم شد.

کارگران مجتمع نیشکر هفت‌تپه روز ۱۱ بهمن برای چندمین بار در سال ۹۶ به اعتصاب روی آوردند. طبقه حاکم برای مقابله با کارگران، نیروهای سرکوب را گسیل کرد. در پنجمین روز اعتصاب (۵ بهمن) نیروهای گارد ویژه و مزدوران وزارت اطلاعات، به‌زور علیه کارگران متوسل شدند. کارگران را مورد ضرب و شتم قرار دادند و ۳۴ تن از جمله چند تن از نمایندگان کارگران را بازداشت کردند. بازداشت‌شدگان پس از سپردن "تعهد" آزاد شدند. اما این اقدامات وحشیانه رژیم نتوانست خللی در عزم و اراده کارگران به مبارزه ایجاد کند. روز ۱۶ بهمن، کارگران تمام قسمت‌های مجتمع نیشکر هفت‌تپه متحد و یکپارچه دست به اعتصاب زدند و کارگران بازنیسته نیز به اعتصاب پیوستند.

در حالی که کارگران نیشکر هفت‌تپه در اعتصاب بودند، کارگران کارخانه هپکو نیز بار دیگر در ۱۶ بهمن به اعتصاب، تجمع و تظاهرات خیابانی روی آوردند. راه‌آهن شمال و جنوب را مسدود کردند. خواستار پرداخت فوری و کامل مطالبات معوقه خود شدند. آن‌ها مخالفت خود را با خصوصی‌سازی هپکو اعلام کردند و خواهان دخالت و مشارکت در امور کارخانه شدند. این مبارزات ۴ روز ادامه یافت.

سال ۹۷ به لحاظ تعدد و تنوع مبارزات، کمیت مردمی که در این مبارزات شرکت کردند، رادیکالیسم جنبش، آگاهی و همبستگی در صفوف کارگران، پس از سال ۶۰ بی‌نظیر بود.

از همان نخستین روزهای سال جدید، کارگران مبارز مجتمع نیشکر هفت‌تپه برای تحقق مطالبات خود به راهپیمایی و تظاهرات روی آوردند. مردم عرب خوزستان، در اعتراض به سیاست شوونیستی طبقه حاکم، در اهواز، ماهشهر، آبادان و خرمشهر، چندین روز تجمع و تظاهرات برپا کردند. پلیس به سرکوب و بازداشت گسترده معترضین روی آورد و گروهی را دستگیر نمود.

دور جدیدی از اعتصابات و تجمعات کارگران مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه از ۲۷ مرداد آغاز شد و پس از ۱۵ روز با پذیرش برخی از مطالبات کارگران، این مبارزه با پیروزی کارگران این شرکت به پایان رسید. در جریان تمام این مبارزات، سندیکای نیشکر هفت‌تپه نقش مهم و برجسته‌ای بر عهده داشت.

از آنجایی که دولت و کارفرما به وعده‌های خود عمل نکردند، بار دیگر کارگران مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه، روز ۱۴ آبان یکپارچه وارد اعتصاب شدند. خواست اصلی کارگران خلع ید از کارفرمای بخش خصوصی، بازگرداندن مجتمع به دولت و پرداخت مطالبات معوقه بود. پس از یک هفته اعتصاب و بی‌توجهی دولت، کارگران برای پیگیری مطالبات خود، از ۲۲ آبان در مقابل فرمانداری شوش دست به تجمع زدند و از ۲۳ آبان راهپیمایی در خیابان‌های شهر شوش را آغاز کردند. با حضور

گزارش سیاسی کمیته اجرایی به کنفرانس هفدهم سازمان

بود، سطح بالای سازمان‌یافتگی و آگاهی را در درون کارگران به‌خوبی نشان داد.

سندیکای کارگران شرکت واحد در این دوره نیز به‌رغم فشارهای متعدد رژیم به فعالیت‌های خود از جمله برگزاری تجمعات اعتراضی مکرر بر سر مسکن کارگران شرکت واحد، تجمعات برای آزادی کارگران زندانی از جمله رضا شهبایی، فراخوان به رانندگان شرکت واحد به روشن کردن چراغ به‌عنوان اقدام اعتراضی به عدم تحقق مطالبات کارگران، صدور بیانیه‌ها و اطلاعیه‌ها، از جمله در حمایت و همبستگی با کارگران نیشکر هفت‌تپه و فولاد، افزایش دستمزد، تلاش برای کسب حمایت بین‌المللی از کارگران ایران و برپایی مراسم‌های اول ماه مه بود. سندیکای شرکت واحد امسال فراخوان برگزاری علنی مراسم اول ماه مه را صادر کرد که صدها نفر در پاسخ به این فراخوان در گرد هم‌آیی بهارستان شرکت کردند و مراسم اول ماه مه علنی برگزار شد. در این گرد هم‌آیی شعارهایی در مورد اتحاد و همبستگی کارگران، آزادی تشکل و شعار "نان، کار، آزادی" سر داده شد. در قطعنامه مشترک سندیکای کارگران شرکت واحد، سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه، گروه اتحاد بازنشستگان و کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری به مناسبت اول ماه مه، از جمله، آزادی تشکل، تحزب، اعتصاب، راهپیمایی، آزادی بیان و عقیده، آزادی بی‌قیدوشرط زندانیان سیاسی، به رسمیت شناخته شدن اول ماه مه به‌عنوان یک روز تعطیل رسمی، آزادی برگزاری مراسم اول ماه مه، افزایش حداقل دستمزد به بالای خط فقر، لغو قراردادهای سفید امضا، به‌عنوان مطالبات فوری کارگران، خواسته‌شده بود. گردهمایی اول ماه مه مورد یورش نیروهای سرکوب رژیم قرار گرفت. ده‌ها تن بازداشت و زندانی شدند.

اعتصابات و تجمعات سرا سری کارگران و کارکنان نگهداری خط و ابنیه فنی راه‌آهن، تجمعات اعتراضی سرا سری کارگران و کارکنان مخابرات روستایی و برق فشارقوی علیه قراردادهای موقت و سختی شرایط کار، اعتصاب هم‌زمان کارگران معادن زغال‌سنگ در کرمان و صدها اعتصاب تک‌واحدی در کارخانه‌ها و مؤسسات خدماتی در اعتراض به عقب افتادن پرداخت دستمزد و مزایای کارگران، مبارزه برای افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار، در همین فاصله رخ داده است.

رانندگان کامیون نیز در سال گذشته چندین اعتصاب سرتاسری برپا کردند. رانندگان ناوگان باری که تعداد آن‌ها ۵۹۰ هزار نفر اعلام‌شده است، نخستین اعتصاب خود را در خردادماه ۹۷ در اعتراض به پایین بودن نرخ کرایه حمل‌ونقل، افزایش قیمت لاستیک و سایر وسایل پدکی، واسطه‌گری در پایانه‌های بار در شرکت‌های حمل‌ونقل و دریافت "کمسیون"‌های سنگین از رانندگان، افزایش حق بیمه رانندگان به میزان دو تا سه برابر، بالا بودن عوارض جاده‌ها، برپا کردند. بخشی از این رانندگان مالک کامیون و بخشی دیگر کارگر مزدبگیر هستند. واکنش دولت به این مطالبات افزایش ۲۰ درصد نرخ حمل‌ونقل و وعده رسیدگی به دیگر خواسته‌ها بود. اما از آنجایی‌که این وعده‌ها عملی نشد، اعتصاب سرتاسری دوم در مردادماه، برپا شد. رژیم به تهدید و سرکوب متوسل شد. بیش از ۱۸۰ تن از فعالان اعتصاب بازداشت و روانه زندان شدند. باین‌وجود، اعتصاب سه هفته ادامه یافت. بی‌پاسخ ماندن خواسته‌ها به اعتصاب سوم از اول مهرماه انجامید. این اعتصاب به بیش از ۲۷۰ شهر گسترش یافت و رانندگان شرکت‌های مسافرتی نیز به این اعتصاب پیوستند.

افزایش دستمزد رانندگان، افزایش حقوق بازنشستگی، افزایش ۷۰ درصدی نرخ کرایه، حق سختی کار، کسر حق پرداختی بیمه رانندگان، کاهش قیمت قطعات پدکی و توزیع لاستیک با نرخ دولتی، از جمله مهم‌ترین خواسته‌های اعتصابیون در اعتصاب سوم بود. مطالبات رانندگان مگر در موارد جزئی تحقق نیافت.

در مورد مبارزات کارگران در دو سال پس از کنفرانس شانزدهم سازمان باید گفت، در این دوره نه‌فقط تعداد اعتراضات کارگری و کمیت کارگرانی که در این مبارزات شرکت داشتند، بسیار افزایش یافت، بلکه مهم‌تر از آن، جهشی کیفی در مبارزات کارگران رخ داد که نمونه‌های برجسته آن را در مبارزات کارگران مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه، فولاد اهواز و هپکو دیدیم. در این دوره، سطح تشکل و آگاهی، اتحاد و همبستگی در صفوف کارگران وسیعاً رشد کرد. نشان داده شد که یک قشر قابل‌ملاحظه از کارگران آگاه و پیشرو در هر کارخانه و موسسه تولیدی شکل‌گرفته که قادر است مبارزه کارگران را در اعتصابات و اعتراضاتی که گاه بیش از یک ماه ادامه می‌یابد، سازمان‌دهی و رهبری کند. مبارزات کارگران در این دو سال به شکل کاملاً آشکاری سیاسی شد. مطالبات سیاسی در تعدادی از

خانواده‌های کارگران در اعتراضات خیابانی روزهای ۲۵ و ۲۶ آبان، دامنه اعتراضات گسترده‌تر شد. گروه‌هایی از مردم شهر به اعتراضات پیوستند و یا از کارگران حمایت کردند. شورای کارگران نیشکر هفت‌تپه، رهبری این اعتراضات را بر عهده داشت. جمهوری اسلامی بار دیگر روز ۲۷ آبان نیروهای مسلح یگان ویژه را به محل اعزام کرد و خروجی‌های شرکت توسط نیروی ضد شورش، مسدود شد. کارگران با برپایی و سخنرانی، اقدامات رژیم را محکوم کردند. کارگران مجتمع نیشکر هفت‌تپه، قهرمانانه ایستادند، از مطالبات خود دفاع کردند و فراتر از آن شعار "نان- کار- آزادی- اداره شورایی" را سر دادند که اوج رادیکالیسم جنبش کارگری ایران بود. این شعار انعکاس وسیعی در سراسر ایران پیدا کرد. سریعاً همه‌گیر شد و در مبارزات بازنشستگان، معلمان، دانشجویان تکرار شد. برای نخستین بار از هنگام به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی، طبقه کارگر در هفت‌تپه، بدیل خود را در برابر نظم موجود، با صدای بلند اعلام کرد. وحشت، مرتجعین را فراگرفت. دستگاه‌های امنیتی و سرکوب، یورش گسترده‌تری را علیه کارگران سازمان دادند.

۱۸ تن از کارگران و نمایندگان آن‌ها و یک زن خبرنگار بازداشت شدند. ۲۸ آبان بخش زیادی از بازداشت‌شدگان آزاد شدند. تنها اسماعیل بخشی یکی از نمایندگان شجاع کارگران هفت‌تپه و سپیده قلیان خبرنگار و فعال سیاسی چپ، در بازداشت ماندند. تظاهرات خیابانی اما تا چند روز بعد از این یورش سرکوبگرانه با شعار "کارگر زندانی آزاد باید گردد" "زندانی هفت‌تپه آزاد باید گردد"، "مرگ بر ستمگر، درود بر کارگر" ادامه یافت. رژیم بازور سرنیزه و پذیرش برخی مطالبات جزئی کارگران، به اعتصاب خاتمه داد. اما پیروزی کارگران بسیار فراتر از مطالبات مشخصی بود که برای تحقق آن‌ها به نبرد برخاسته بودند. کارگران مجتمع نیشکر هفت‌تپه پرچم آلترناتیو شورایی و سوسیالیستی طبقه کارگر را به اهتزاز درآوردند. جمهوری اسلامی برای جبران این ضربه سنگین، به شیوه‌های منسوخ و رسوای اعتراف‌گیری و برپایی شوی تلویزیونی متوسل شد. نتیجه اما خلاف خواسته رژیم از کار درآمد. بر محبوبیت کارگران مبارز نیشکر هفت‌تپه و رهبر برجسته آن‌ها، اسماعیل بخشی در میان کارگران و زحمتکشان سراسر ایران، افزوده شد.

هم‌زمان با اعتصابات و تظاهرات کارگران مجتمع نیشکر هفت‌تپه، دور جدید اعتصاب قهرمانانه کارگران "گروه ملی صنعتی فولاد اهواز" همراه با تجمعات، تظاهرات و راهپیمایی‌های خیابانی، یکی دیگر از مبارزات مهم و برجسته سال ۹۷ بود. اعتراض کارگران فولاد که در ماه‌های پایانی سال ۹۶ بیش از ۳۰ روز ادامه داشت، از نیمه دوم خرداد سال ۹۷ حول پرداخت دستمزدهای معوقه، پرداخت حق بیمه، تعیین تکلیف نهایی وضعیت تملک شرکت و ادامه کاری آن، از سر گرفته شد و بیش از دو هفته ادامه یافت. دور جدید اعتراضات کارگران فولاد اهواز از ۲۰ آبان آغاز شد. با جدی شدن خطر تعطیل کارخانه، اعتراضات کارگران، گسترده‌تر و شعارها، رادیکال‌تر شد. این اعتراضات که روزهای متوالی خیابان‌های شهر اهواز را به لرزه انداخت، با آگاه‌گری و سخنرانی کارگران پیشرو همراه بود. در جریان این مبارزات، تعدادی از کارگران بازداشت و روانه زندان شدند. اما خللی در مبارزه کارگران رخ نداد. برعکس، شعارها رادیکال‌تر شد. شعار "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "نه تهدید نه زندان دیگر اثر ندارد"، "کارگر زندانی حمایت می‌کنیم"، "مرگ بر این دولت مردم‌فریب"، "بی‌کاری و تورم - بالای جان مردم" و "ما کارگران فولاد - علیه ظلم و بیاد - می‌جنگیم می‌جنگیم" به شعارها افزوده شد. در جریان مبارزات کارگران نیشکر هفت‌تپه و فولاد، کارگران این دو واحد ضمن حمایت از مبارزات یکدیگر، ناب‌ترین احساسات رفیقانه و همبستگی را در شعارهای خود ابراز داشتند. "فولاد، هفت‌تپه، کارگران متحد"، "فولاد، هفت‌تپه پیوندتان مبارک"، "کارگر هفت‌تپه حمایت می‌کنیم" از این نمونه شعارها بود. با ادامه تظاهرات کارگران فولاد، گروه‌هایی از زنان و مردم اهواز نیز به تظاهرات آن‌ها پیوستند. این مبارزات نیز همانند مبارزات کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه مورد حمایت بازنشستگان، معلمان، دانشجویان و تعداد زیادی از کارگران کارخانه‌های دیگر قرار گرفت که همبستگی خود را خواه از طریق اعتراضات عملی و یا از طریق پیام و بیانیه اعلام کردند. اعتصاب ۲۷ روزه کارگران فولاد، که همراه با تجمعات و تظاهرات مداوم

گزارش سیاسی کمیته اجرایی به کنفرانس هفدهم سازمان

کارخانه‌ها برجسته بود و طبقه کارگر به‌عنوان یک طبقه مدعی کسب قدرت سیاسی، با ارائه بدیل طبقاتی خود، ظاهر گردید. طبقه کارگر در جریان این مبارزات، صلاحیت و شایستگی خود را برای رهبری انقلاب توده‌های زحمتکش مردم ایران نشان داد و توانست اعتماد توده‌های وسیع مردم زحمتکش، معلمان، بازنشستگان، گروه‌هایی از دانشجویان و زنان و همه ستمدیدگان را به دست آورد. این قدرت طبقاتی لرزه بر اندام تمام مرتجعین انداخت. رژیم به شدیدترین تهدیدها و سرکوب‌ها علیه کارگران متوسل گردید. صدها کارگر، دستگیر، تهدید و اخراج شدند. گروهی با قرار وثیقه‌های چندمیلیونی موقتاً از حبس رهایی یافتند و تعدادی به حبس و شلاق محکوم شدند. در تجمع اعتراضی اول ماه مه متجاوز از ۵۰ تن بازداشت شدند که هنوز سه تن از زنان مبارز در بازداشت به سر می‌برند. تاکنون ده‌ها تن از کارگران مجتمع نیشکر از جمله علی نجاتی عضو سندیکا به جرم دفاع از مطالبات خود به محاکمه کشیده شده‌اند. جمهوری اسلامی در ادامه سرکوبگری‌های خود علیه کارگران، شدیدترین سرکوب و فشار را بر اسماعیل بخشی و اعضای تحریریه نشریه گام که از مبارزات کارگران دفاع و حمایت کردند، متمرکز ساخته است که پس از ۷ ماه مقاومت و ایستادگی در اسارت در شکنجه‌گاه‌های قرون وسطایی رژیم در یک دادگاه فرمایشی به محاکمه کشیده شده‌اند. اما تمام این اقدامات سرکوبگرانه نتوانست، رشد و اعتلای جنبش کارگری را سد کند. رژیم به اقدامات سرکوبگرانه اکتفا نکرد. تلاش نمود، در صفوف کارگران و تشکلهای آن‌ها شکاف ایجاد کند و از طریق گرایش راست درون جنبش کارگری، تشکلهای موازی دست‌ساز خود را ایجاد نماید. این تلاش نیز به شکست انجامید.

اما در این دو سال، علاوه بر جنبش طبقاتی کارگران، شاهد اعتلای جنبش‌های اجتماعی دیگر و اعتراضات متعدد نیز بوده‌ایم.

در خردادماه سال ۹۷ موجی از مبارزه و اعتراض به گرانی و بیکاری ایران را فراگرفت. ۹ خرداد در منطقه شاپور جدید در اصفهان گروهی از مردم با شعار "مرگ برگرانی، مرگ بر بیکاری" به تظاهرات روی آوردند. همان روز، در گوهردشت کرج نیز مردم به خیابان‌ها آمدند. در فاصله پنج روز، این اعتراضات به چندین شهر و استان از جمله تهران، رشت، شیراز، کرج، ساری، اراک، اهواز، مشهد، کرمانشاه، قهدریجان و قزوین گسترش یافت. یک جوان ۲۷ ساله در جریان تظاهرات گوهردشت کرج، با گلوله مزدوران سرکوبگر رژیم به قتل رسید.

در تیرماه، مردم شهرهای خوزستان در ادامه مبارزات چند ماه گذشته در اعتراض به آلودگی و ناپیمنی محیط‌زیست، اعتراض به بیکاری و گرانی، اعتراض به نبود آب و برق، به تظاهرات روی آوردند.

در خرمشهر، واحدهای پلیس ضد شورش، به سرکوب گسترده و وحشیانه مردم روی آوردند. مردم خرمشهر نیز با شعار "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر خامنه‌ای و روحانی" با برافروختن آتش در خیابان‌ها، سنگ‌رندی کردند و به مقاومت علیه مزدوران سرکوبگر حکومت اسلامی ادامه دادند. رژیم، وحشیگری را به اوج رساند و مردم خرمشهر را به گلوله بست و تعدادی را به خاک و خون کشید. یک‌تن کشته و تعدادی زخمی شدند.

جنبش معلمان در این دو سال، یکی از جنبش‌های اجتماعی فعال بود. معلمان، چندین اعتصاب سرا سری و تجمع اعتراضی برپا کردند.

یک نمونه آن تجمعات اعتراضی اردیبهشت‌ماه ۹۷ در تهران و چند استان دیگر بود. این تجمعات مورد یورش نیروهای سرکوب رژیم قرار گرفتند و تعدادی از معلمان از جمله دبیر کانون صنفی معلمان تهران دستگیر شدند.

معلمان در روزهای ۲۲ و ۲۳ مهرماه، یک اعتصاب دوازده روزه سرا سری برگزار کردند. این اعتصاب به دعوت "شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران" برپا شد که دست‌کم ۳۲ تشکل صنفی معلمان در آن عضویت دارند. آن‌ها خواهان تحقق مطالبات صنفی و سیاسی خود شدند و به گرانی و تورم و کاهش قدرت خرید اعتراض کردند. یکی از خواست‌های معلمان، آزادی معلمان زندانی بود. شعار "کارگر - معلم، اتحاد" نیز یکی دیگر از شعارهای معلمان بود.

به گزارش "شورای هماهنگی" در جریان این اعتصاب، ۳۰ معلم احضار و بازجویی شدند و حداقل ۱۲ معلم بازداشت شدند.

دور سوم اعتصاب سرا سری معلمان در روزهای دوازدهم، سیزدهم و چهاردهم اسفند ۱۳۹۷ در بسیاری از شهرهای ایران برگزار شد. این

اعتصاب موفق‌تر از اعتصابات پیشین بود و تعداد بیشتری از معلمان در آن مشارکت کردند. این اعتصاب در ۱۱۰ شهر برگزار شد.

با فراخوان "شورای هماهنگی تشکلهای فرهنگیان ایران"، در ۱۲ اردیبهشت ۹۸ به مناسبت روز معلم در ایران، تجمعات اعتراضی متعددی در مراکز چندین استان و شهر برگزار شد. معلمان و بازنشستگان زن در این اعتراضات نقشی فعال داشتند. در تهران پلیس و نیروهای امنیتی با حمله به تجمع‌کنندگان حداقل نه نفر را بازداشت نمودند. مطالبات معلمان، بهینه‌سازی آموزش در مدارس، توقف خصوصی‌سازی آموزش، حق تشکل یابی مستقل، رفع موانع در برابر فعالیت‌های تشکلهای فرهنگیان، ایجاد بیمه کارآمد برای فرهنگیان، اجرای دقیق مصوبه‌ی نظام پرداخت هماهنگ حقوق، دفاع از حقوق معلمان بخش خصوصی، آزاد و خرید خدمت از جمله خواست‌هایی بود که در بیانیه "شورای هماهنگی" بر آن تاکید شده بود.

آزادی فوری و بی‌قیدوشرط معلمان زندانی و فعالان صنفی، افزایش حقوق به بالای خط فقر، اصلاح وضعیت بیمه معلمان و بازنشستگان، مشارکت و نظارت بازنشستگان بر صندوق بازنشستگی، آزادی تشکلهای مستقل، آموزش رایگان و توقف تمامی طرح‌هایی که با آموزش رایگان مغایرت دارند از جمله مهم‌ترین خواست‌هایی است که در قطعنامه پایانی "شورای هماهنگی" مطرح شد. همان‌گونه که از این مطالبات آشکار است، بخشی از مطالبات معلمان سیاسی است.

برغم این‌که معلمان اعتصابات و تجمعات متعددی برپا داشتند، اما رژیم حاکم به هیچ‌یک از مطالبات آن‌ها پاسخ نداد. یکی از علت‌های آن نیز حضور اقلیتی محدود از جمعیت یک‌میلیونی معلمان در این اعتراضات بود. هنوز اکثریت بزرگ معلمان به این اعتراضات نپیوسته‌اند.

یکی دیگر از جنبش‌های اجتماعی که در طول دو سال گذشته مبارزات متعدد و پیگیرانه‌ای داشته، جنبش بازنشستگان بود.

عموم بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی و اکثریت بسیار بزرگ بازنشستگان کشوری و لشکری در زیرخط فقر، به سر می‌برند و در وضعیت اسفباری زندگی می‌کنند. ۸۰ تا ۹۰ درصد بازنشستگان زیرخط فقر قرار دارند.

لذا مبارزه و اعتراض بازنشستگان کشوری به‌ویژه فرهنگیان در سال ۹۷ گسترش یافت. بازنشستگان، چندین تجمع اعتراضی سرا سری برپا کردند. تنها در آرمه سه تجمع اعتراضی در تهران و شهرستان‌ها برپا کردند. شعارهای بازنشستگان در این گردهم‌آیی‌ها عمدتاً سیاسی بود. در اغلب تجمعات، آن‌ها شعارنوشته‌هایی با خود حمل می‌کردند که بر آن‌ها نوشته‌شده بود "نان، کار، آزادی"، "دانشجو، کارگر، بازنشسته، اتحاد" آن‌ها شعار سر دادند، "تا حق خود نگیریم، از پا نمی‌نشینیم"، "کارگر زندانی، معلم زندانی، دانشجوی زندانی، آزاد باید گردد"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "دولت خیانت می‌کند، مجلس حمایت می‌کند". این مبارزات پیگیرانه ادامه یافته است.

بازنشستگان از جمله خواستار اجرای مطالبات زیر بودند:

ارتقاء سطح دریافتی حقوق‌بگیران و مستمری‌بگیران به میزان بالاتر از خط فقر کارشناسی شده متناسب با هزینه زندگی استاندارد امروزی، هم‌ترازی حقوق بازنشستگان با شاغلین با اجرای کامل ماده ۶۴ و ۱۲۵ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب سال ۸۶، لغو بیمه‌های تکمیلی و برقراری بیمه کارآمد و رایگان، توقف سیاست و برنامه‌های خصوصی‌سازی در عرصه‌های تولید، آموزش، بهداشت و درمان و خدمات عمومی، توقف روند پرونده‌سازی و پیگردهای قضایی و امنیتی برای فعالین صنفی و اجتماعی و آزادی فوری و بی‌قیدوشرط کلیه فعالین صنفی و اجتماعی.

با جنبش دی‌ماه سال ۹۶، جنبش دانشجویی نیز که پیش‌ازین تحرک سیاسی خود را از دست‌داده بود، تحرک نوینی یافت و رادیکالیسم چپ در آن تقویت گردید. یک جنبش رادیکال و نوین دانشجویی از درون خشم و اعتراض توده‌های فقیر و رشد و اعتلای جنبش کارگری سر برآورد، که دیگر وابسته به جناح‌های رژیم نبود. پس از سرکوب خونین جنبش دانشجویی ایران در اردیبهشت سال ۵۹، نخستین بار بود که جنبشی با این مختصات در میان دانشجویان، ظهور می‌کرد. در اعتراضات جنبش دی‌ماه، این دانشجویان شعار "کار، نان، آزادی" و "اصلاح‌طلب، اصول‌گرا، دیگه تمومه ماجرا" را سر دادند.

این جنبش که پس از گذشت چهار دهه به سنت‌ها و مواضع رادیکال پیشین جنبش دانشجویی ایران بازمی‌گشت، از همان آغاز، از هم‌سرنوشتی خود با کارگران سخن گفت و خود را با طبقه کارگر پیوند زد. در جریان مبارزات کارگران مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه و فولاد اهواز، موجودیت

گزارش سیاسی کمیته اجرایی به کنفرانس هفدهم سازمان



مستقل خود را در چند دانشگاه اعلام کرد.

روز ۲۹ آبان ۹۷ گروهی از دانشجویان دانشگاه تهران در پردیس مرکزی این دانشگاه در حمایت از کارگران نیشکر هفتتپه تجمع برپا کردند. آن‌ها شعارهای "فرزند کارگرانیم، کنارشان می‌مانیم"، "هفتتپه خوزستان الگوی زحمتکشان"، "از هفتتپه تا تهران، زحمتکشان در زندان"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد" سر دادند و با حمایت از مبارزات و مطالبات کارگران نیشکر هفتتپه، خواستار آزادی کارگرانی شدند که توسط رژیم ستمگر حاکم بازداشت شدند.

دانشجویان دانشگاه هنر تهران نیز در اتحاد و همبستگی با کارگران هفتتپه و فولاد اهواز، جمعیتی برگزار کردند و خواستار اتحاد معلمان و کارگران و دانشجویان و آزادی کارگران زندانی شدند. آن‌ها نیز شعارهای "ان-کار-آزادی، اداره شورایی"، "فرزند کارگرانیم، کنارشان می‌مانیم"، "هفتتپه خوزستان؛ الگوی زحمتکشان" را سر دادند. این همبستگی با جنبش طبقاتی کارگران و حمایت از مبارزات کارگران فولاد و هفتتپه در دانشگاه علامه طباطبائی، دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل، دانشگاه‌های کرمانشاه و اهواز نیز صورت گرفت.

صدها تن از دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور در جریان مبارزات دو سال اخیر دستگیر و به بند کشیده شدند. رئیس فراکسیون زنان مجلس ارتجاع اسلامی، اوایل سال ۹۷، تنها دستگیرشدگان جنبش دی‌ماه را بیش از ۱۵۰ تن اعلام کرد. گروهی از این دانشجویان به حبس، شلاق، جزای نقدی یا ممنوع‌الخروجی و محرومیت از تحصیل محکوم شدند.

در سال ۹۷ مردم کردستان نیز دو اعتصاب عمومی برپا کردند. اعتصاب اول در ۲۶ فروردین آغاز شد و یک هفته ادامه یافت. مردم کردستان نسبت به سیاست دولت در زمینه بستن مرزها، ممنوعیت و محدودیت کولبری و تیراندازی به کولبران و همچنین نسبت به افزایش تعرفه‌های گمرکی اعتراض کردند.

اعتصاب دوم کاملاً سیاسی بود و در اعتراض به اعدام سه زندانی سیاسی و موشکباران مقرهای دو حزب دمکرات کردستان و دمکرات کردستان ایران، روز چهارشنبه ۲۱ شهریور در برخی از شهرهای استان‌های کردستان، آذربایجان غربی و کرمانشاه برگزار شد. این اعتصاب به‌ویژه در برخی از شهرها همچون سنندج، مهاباد، بانه، مریوان، بوکان، سقز، سردشت، پیرانشهر، اشونیه و پاوه با استقبال مردم روبرو شد.

جمهوری اسلامی با تشدید سیاست تبعیض و ستمگری ملی و مذهبی به سرکوب و کشتار بی‌رحمانه مردم به‌ویژه در کردستان، بلوچستان و خوزستان ادامه داده است. ده‌ها تن را به خاطر مخالفت با تبعیض ملی و مذهبی به جوخه اعدام سپرده و صدها تن را به حبس‌های طویل‌المدت محکوم کرده است. علاوه بر این، ده‌ها تن از مردم این مناطق را که در وخیم‌ترین شرایط معیشتی به سر می‌برند، در کشوری که مقامات آن بزرگترین قاچاقچی‌ها و دزدان کشورند، به جرم حمل چند گالن بنزین یا یک کوله‌بار، بی‌رحمانه به گلوله بسته است. این سیاست ارتجاعی جمهوری اسلامی تنها نتیجه‌ای که در پی داشته، تقویت گرایش‌های و گروه‌های ارتجاعی ناسیونالیست و مذهبی بوده است.

اعتراضات و راهپیمایی‌های مکرر کشاورزان اصفهان، همراه با شعارهایی علیه رژیم، تجمعات گسترده و پی‌درپی مالباختگان در سراسر ایران که علیه تمام مقامات دولتی شعار سردانند، اعتراضات در اویش که به دستگیری ۲۰۰ تن از آن‌ها انجامید، تظاهرات در کازرون که به مرگ دو تن در جریان تیراندازی نیروهای سرکوب انجامید و ده‌ها نمونه دیگر از اعتراضات عمومی نیز در همین دوره رخ دادند.

رفقا! مبارزاتی که در طول دو سال گذشته در ایران رخ داد و به آن‌ها اشاره شد، در چهار دهه گذشته بی‌سابقه است. این حجم از مبارزات، آشکارا نشان می‌دهد که جامعه ایران نیازمند یک تحول سیاسی و اجتماعی است. تغییری کیفی در زندگی سیاسی و مبارزاتی طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش و تحت ستم رخ داده است. بحران سیاسی که از دی‌ماه سال ۹۶ شکل گرفته است، یک بحران انقلابی است. جنبش مرحله مبارزات قانونی را پشت سر نهاده و مبارزات شکلی انقلابی برای سرنگونی نظم موجود را به خود گرفته است. جامعه ایران به یک دوران انقلابی گام نهاده است. کارگران و زحمتکشان و عموم توده‌های تحت ستم با مبارزات خود نشان داده‌اند که دیگر

نمی‌خواهند نظم ستمگرانه حاکم را تحمل کنند. در همین حال تمام تحولات دو سال گذشته نشان داد که طبقه حاکم نیز دیگر قادر نیست به شیوه گذشته بر مردم حکومت کند. نظم اقتصادی-اجتماعی و سیاسی موجود بحران‌های متعدد لاینحلی به بار آورده است. تمام سیاست‌های طبقه حاکم برای حل بحران‌ها در انظار عموم توده‌های مردم به شکست انجامیده است. جمهوری اسلامی در تمام عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در بن‌بست قرار دارد. گندیدگی و فساد درونی ابعاد بی‌سابقه‌ای به خود گرفته است. تمام تلاش رژیم برای نجات از بحران سیاسی کنونی و مهار جنبش ناکام مانده است.

جمهوری اسلامی با سیاست خارجی ماجراجویانه و توسعه‌طلبانه پان‌اسلامیستی نیز خسارات سنگینی برای توده‌های مردم ایران به بار آورده است. هم‌ساله میلیارد‌ها دلار از حاصل دسترنج کارگران ایران را هزینه این توسعه‌طلبی و ماجراجویی کرده است. دخالت سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی در عراق، سوریه، لبنان، یمن و تعداد دیگری از کشورهای منطقه، به تشدید تضاد و کشمکش با تعدادی از دولت‌های رقیب منطقه‌ای و قدرت‌های جهانی انجامیده است. تضاد و اختلاف جمهوری اسلامی با اغلب رژیم‌های عربی منطقه چنان حاد شده که پیش‌ازاین سابقه نداشته است. رابطه جمهوری اسلامی با تمام دولت‌های منطقه و حتی شمال آفریقا، به‌استثنای عراق، سوریه و ترکیه به‌شدت تیره است. جمهوری اسلامی در ادامه تلاش‌های توسعه‌طلبانه خود تلاش نمود گروه اسلام‌گرای انصار الله را در یمن به قدرت برساند. این تلاش منجر به دخالت نظامی عربستان سعودی و تعداد دیگری از کشورهای عربی منطقه در یمن گردید و جنگی داخلی را برانگیخت که تاکنون ادامه یافته و به کشتار ده‌ها هزاران تن از مردم یمن، گرسنگی، آوارگی و ویرانی این کشور انجامیده است. نتیجه سیاست توسعه‌طلبانه پان‌اسلامیستی جمهوری اسلامی برای کسب هژمونی در خاورمیانه نه‌فقط برای مردم ایران، بلکه سراسر منطقه خاورمیانه، فاجعه به بار آورده و زمینه را برای دخالت روزافزون قدرت‌های امپریالیست به‌ویژه امپریالیسم آمریکا در این منطقه هموار کرده است. یکی دیگر از عواقب این سیاست ماجراجویانه، تحریم‌های اقتصادی دولت آمریکاست که بار سنگین آن نیز بر دوش مردم ایران قرار گرفته است.

اما عواقب این سیاست به تحریم‌ها و فشار بر توده‌های کارگر و زحمتکش محدود نشده است. با تشدید اختلافات و تضادها، امپریالیسم آمریکا که برای تحکیم موقعیت خود در خاورمیانه، به‌ویژه در کشورهای عربی منطقه و نیز تقویت و حمایت از اسرائیل تلاش می‌کند، نه‌فقط بر دامنه و ابعاد تحریم‌ها افزوده، معافیت صادرات ایران به ۸ کشور را لغو کرد و تعدادی از شرکت‌ها را تحریم کرد، بلکه سپاه پاسداران را در لیست گروه‌های تروریست قرارداد، خامنه‌ای و وزیر خارجه جمهوری اسلامی را در لیست تحریم قرارداد و پایگاه‌های نظامی خود را در کشورهای حاشیه خلیج‌فارس تقویت نمود. دولت آمریکا از اوایل سال جاری، تعدادی از مهم‌ترین ناوهای جنگی به همراه انواع مختلفی از بمب‌افکن‌ها، موشک‌های پیشرفته، نفربرهای آبی، حاکی ضد مین، سامانه لیزری را به منطقه گسیل کرده است. اوضاع پس از خرابکاری در ۴ کشتی نفتکش در بندر فجیره، سقوط پهپاد آمریکایی توسط سپاه پاسداران و بالاخره گروگان‌گیری کشتی‌های نفتکش وخیم‌تر شده است. دولت آمریکا نه‌فقط واحدهای نظامی بیشتری به منطقه گسیل نموده بلکه در تلاش برای ایجاد یک ائتلاف بین‌المللی برای دخالت بیشتر در خلیج‌فارس به بهانه اسکورت کردن کشتی‌های تجاری است. در همین حال جمهوری اسلامی نیز تعهدات برجامی خود را کاهش

گزارش سیاسی کمیته اجرایی به کنفرانس هفدهم سازمان

تحمل‌ناپذیر ساخته است. فقر و گرسنگی، زندگی میلیون‌ها انسان را تباہ کرده است. اکنون حداقل دستمزد کارگران جبران‌کننده تنها یک‌پنجم هزینه زندگی آن‌هاست. روزی که روحانی در ایران به قدرت رسید، حداقل دستمزد ماهانه کارگران معادل ۴۰۰ دلار بود و امروز این حداقل دستمزد به ۱۰۰ دلار کاهش یافته است. حدود ۸۰ درصد مردم ایران زیرخط فقر به سر می‌برند. در حالی که ده‌ها میلیون تن از مردم ایران با فقری کمرشکن مواجه‌اند، سرمایه‌داران و مقامات دولتی، ثروت‌های افسانه‌ای اندوخته‌اند. حقوق‌های نجومی مقامات و زدی‌های تریلیونی، ابعاد حیرت‌آوری به خود گرفته است. فقر و ثروت به نحو بی‌سابقه‌ای در دو قطب جامعه ایران انباشت شده‌اند. عمق و وسعت شکاف فقر و ثروت به حدی است که در تمام دورانی که نظام سرمایه‌داری بر ایران حاکم شده است، سابقه نداشته است.

حجم نقدینگی بر طبق گزارش بانک مرکزی در بهمن‌ماه سال ۹۷ از ۱۷۰۰ هزار میلیارد تومان نیز فراتر رفته است. این نقدینگی در دست کیست؟ رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس رژیم سال گذشته گفت: ۶۰ درصد نقدینگی کشور در دست ۱ درصد از جمعیت ایران است. برخی اقتصاددان‌های رژیم معترف‌اند که "۸۵ درصد سپرده‌های بانکی در اختیار ۵ / ۲ درصد سپرده‌گذاران است".

یکی از معضلات جدی که نظام سرمایه‌داری و جمهوری اسلامی در ایران به بار آورده‌اند و به طبیعت و مردم ایران صدمات جدی وارد آورده است، ویران‌سازی طبیعت و مشکلات زیست‌محیطی است. گرچه این‌یک معضل جهانی ناشی از شیوه تولید سرمایه‌داری است که ویران‌سازی طبیعت جزء جدائی‌ناپذیری از موجودیت آن محسوب می‌گردد، اما در ایران ابعاد بسیار وخیمی به خود گرفته است. تنها یک مورد آن، آلودگی هوا و گسترش دامنه ریزگردهای آلوده به مواد شیمیایی و دیگر مواد خطرناک به شهرهای مختلف ایران است. این معضل، گذشته از عواقب درازمدت آن بر سلامتی عموم مردم ایران و بیماری‌های خطرناک، در کوتاه‌مدت نیز به بیماری‌های تنفسی و پوستی گروه‌گنری از مردم برخی از شهرها انجامیده است. برای نمونه، سال گذشته در استان خوزستان که غلظت این آلودگی بالا رفت، هزاران تن در نتیجه مشکلات تنفسی و پوستی روانه بیمارستان‌ها شدند. غلظت آلاینده‌ها در برخی مناطق ایران، فوق‌العاده بالاست. در عسلویه شاخص برخی از آلاینده‌های هوا تا بیش از ده برابر حد مجاز است و برخی کارشناسان، آلودگی هوای عسلویه را حتی ۱۰۰ برابر تهران اعلام کرده‌اند. این معضل در برخی شهرها از نمونه تهران و بلوچستان یک‌لحظه مردم را آرام نگذاشته و در اغلب روزها با آن مواجه‌اند.

در دورانی که جمهوری اسلامی بر ایران حاکم بوده است، بزرگ‌ترین صدمات ممکن به طبیعت وارد آمده است. قلع‌وقمع جنگل‌ها و به‌جای آن‌ها ساخت و سازهایی که منبع سودهای سرشار برای طبقه حاکم بوده است، تصرف مناطق جنگلی و سرسبز توسط ارگان‌های نظامی و دیگر نهادهای حکومتی، باعث از بین رفتن نیمی از جنگل‌ها شده است. حفر بی‌حساب و کتاب چاه‌های عمیق، ذخایر آب‌های زیرزمینی را نابود کرده است. سدسازی‌های بدون محاسبه دقیق و همه‌جانبه، عاملی دیگری است که بر وخامت اوضاع افزوده است. مجموعه سیاست‌های رژیم باعث از بین رفتن رطوبت خاک، فرسایش زمین و بیابانی شدن هر چه بیشتر زمین شده است. در نتیجه، با وزش باد، گردوخاک در هوا پخش می‌گردد و با آلودگی ناشی از سوخت‌های فسیلی و وسایل نقلیه موتوری، آلودگی ناشی از وجود هزاران کارخانه و کارگاه در جوار شهرها، پالایشگاه‌ها، صنایع پتروشیمی، نیروگاه‌ها، کوره‌های آجرپزی و سوزاندن زباله‌ها به شیوه سنتی، ترکیب می‌گردد و ریزگردهای آلوده به مواد شیمیایی و خطرناک را پدید آورده که مردم ایران با آن‌ها دست به گریبان‌اند. ویران‌سازی طبیعت، فرسایش خاک، از بین رفتن رطوبت خاک و پوشش گیاهی، ساخت و سازهایی که توسط عوامل رژیم و ارگان‌های آن صورت گرفته است، تعرض به حریم رودخانه‌ها و ساخت‌وساز در مجاورت کانال‌ها، آبراهه‌ها و دریا، در همان حال که یکی از عوامل اصلی خشک‌سالی‌های سال‌های اخیر بوده است، باعث گردیده که در پی هر بارانی سیل ویرانگری به راه افتد که مخرب‌ترین آن در فروردین‌ماه امسال رخ داد. در جریان این سیل که در بیش از ۲۰ استان کشور رخ داد، به‌ویژه در خوزستان، گلستان، لرستان، فارس و بلوچستان، ده‌ها تن از مردم جان خود را از دست دادند. صدها هزار تن از مردمی که در معرض این سیل ویرانگر قرار گرفتند، آواره و بی‌خانمان گردیدند و از هستی ساقط شدند. بیش از ۱۵۰ هزار منزل مسکونی به همراه مزارع و دام‌های دهقانان نابود شد. ده‌ها هزاران تن از این مردم هنوز جا و مکانی برای زندگی ندارند و همانند زلزله کرمانشاه، در سرپل ذهاب، گیلان

داده و بر عمیق‌تر شدن بحران افزوده است. اما با تمام این اوصاف به نظر نمی‌رسد که لاقفل در شرایط کنونی این تشدید تضادها به جنگ بیانجامد، گرچه عملیات نظامی موردی و ایدائی می‌تواند وجود داشته باشد و هم‌اکنون نیز وجود دارد. بنابراین فعلاً احتمال جنگ نیست، یا لاقفل تا پایان دور اول ریاست جمهوری ترامپ این احتمال بسیار ضعیف است. اما تشدید تضادها، اختلافات شدید و بحران‌هایی که جمهوری اسلامی در سیاست خارجی با آن‌ها مواجه شده است و نیز ناراضی‌های مردم ایران از ادامه این سیاست که در شعارهای آن‌ها انعکاس یافته، نشان می‌دهد که این سیاست خارجی جمهوری اسلامی با تمام هزینه‌ای که بر دوش کارگران و زحمتکشان ایران تحمیل کرده، هم‌اکنون به بن‌بست انجامیده است.

جمهوری اسلامی نه‌فقط راه‌حلی برای بحران‌های خارجی خود ندارد و در بن‌بست قرار گرفته، بلکه مهم‌تر از آن هیچ راهی برای حل یا تخفیف تضادهای و بحران‌های داخلی موجود، ندارد. بحران اقتصادی ژرف کنونی به یک بحران علاج‌ناپذیر تبدیل شده است. رکود اقتصادی، پیوسته عمیق‌تر شده است. مرکز پژوهش‌های مجلس کاهش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی را در سال ۹۷ منفی ۸ / ۲ درصد و برای سال جاری منفی ۵ / ۵ درصد اعلام کرده است. گزارش صندوق بین‌المللی پول نیز این نرخ را برای سال گذشته منفی ۹ / ۳ درصد و در سال جاری منفی ۶ درصد اعلام کرده است.

توام با رکود اقتصادی سنگین و بحران سیاسی، فرار سرمایه‌ها از ایران آغاز شده است. بر طبق گزارش‌های رسمی در مدتی کوتاه متجاوز از سی میلیارد ارز تا اوایل سال ۹۷ از کشور خارج شد. انحصارات بین‌المللی نیز در پی اعلام خروج آمریکا از برجام، ایران را ترک کردند. از هم‌پاشیدگی اوضاع اقتصادی به کاهش پی‌درپی ارزش ریال و افزایش بهای ارزهای معتبر بین‌المللی انجامیده است. بهای دلار از ۴ هزار تومان در اوایل سال ۹۷، به حدود ۱۵ هزار تومان تا اوایل سال ۹۸ افزایش یافت. بهای کالاها روزبه‌روز به سیر صعودی خود ادامه داده و نرخ تورم، افسارگسیخته است. مرکز آمار ایران اعلام کرده است که در سال ۹۷ نرخ تورم ۵ / ۲۷ درصد و تورم نقطه‌به‌نقطه ۵ / ۴۷ درصد افزایش یافت.

این ارقام از گزارش مرکز آمار با افزایش نرخ تورم واقعی بسیار فاصله دارد. اما در گزارش مرکز آمار، تورم ۲ / ۷۳ درصدی خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها نسبت به اسفند سال ۹۶ نیز ذکر شده که با توجه به افزایش چند برابری تعداد زیادی از خوراکی‌ها، افزایش ۱۲۵ درصدی دخانیات و افزایش بیش از صد درصدی وسایل خانگی، نرخ تورم بیش از ۷۰ درصد در سال ۹۷، به حقیقت نزدیک‌تر است. هیچ چشم‌اندازی برای کاهش این نرخ در سال جاری وجود ندارد، بالعکس احتمال افزایش نرخ تورم به بیش از ۱۰۰ درصد نیز، وجود دارد. از نخستین ماه‌های سال جدید، بهای کالاها پی‌درپی در حال افزایش است.

در طول دو سال گذشته نعتها با تشدید بحران اقتصادی، رکود عمیق صنایع و توقف بسیاری از پروژه‌های عمرانی در نتیجه بحران مالی دولت، از ابعاد میلیونی بیکاران کاسته نشد، بلکه گروه‌گروه کارگران بیکار شدند. جوانانی که وارد بازار کار شدند نیز، نتوانستند کاری پیدا کنند. مرکز آمار ایران نرخ بیکاری را در پاییز سال گذشته ۲ / ۱۲ درصد (حدود ۳ / ۳ میلیون) اعلام کرد. این نرخ برای جوانان ۲۷ درصد، در مورد فارغ‌التحصیلان دانشگاه، بیش از ۴۰ درصد و برای زنان ۶۸ درصد اعلام شده است. صندوق بین‌المللی پول نیز، نرخ بیکاری ۴ / ۱۵ درصد را اعلام کرده است. هیچ‌یک از این آمار ابعاد واقعی بیکاری را در ایران منعکس نمی‌کنند. چرا؟ اگر بر طبق سرشماری سال ۹۵ مرکز آمار، ۵ / ۲۴ میلیون جمعیت زیر ۲۰ سال و ۵ / ۷ میلیون جمعیت بالای ۶۰ سال را از جمعیت ۸۰ میلیونی کشور کنار بگذاریم، ۴۸ میلیون باقی می‌ماند. اکنون اگر تعداد ۲۸ میلیون شاغل و بیکار ادعائی دولت را از این رقم کسر کنیم، ۲۰ میلیون از جمعیت ایران باقی می‌ماند که گویا نه شاغل‌اند و نه بیکار. روشن است که آمار دولتی در مورد تعداد بیکاران در ایران، دروغ است و در واقعیت، جمعیت بیکاران در ایران قطعاً از ده میلیون نیز متجاوز است.

بحران اقتصادی و سیاست اقتصادی نئولیبرال دولت، سقوط بهمن‌وار ارزش ریال به‌ویژه از سال ۹۷ تا به امروز، تحریم‌ها و افزایش حیرت‌آور نرخ تورم برای ده‌ها میلیون کارگر و زحمتکش فاجعه‌ای وحشتناک به بار آورده است. گرانی و بیکاری، زندگی را بر اکثریت بسیار بزرگ مردم جامعه ایران

گزارش سیاسی کمیته اجرایی به کنفرانس هفدهم سازمان

غرب و قصر شیرین هنوز آواره و سرگردانند، یا زیر قرض‌های کلان برای بازسازی منازل مسکونی خود فرار گرفته‌اند. در ایران علاوه بر آلودگی‌های هوا، آلودگی آب هم یکی دیگر از معضلاتی است که نظم سرمایه‌داری حاکم و رژیم سیاسی پاسدار آن، به بار آورده‌اند. به نمونه‌های متعددی از عواملی که این آلودگی را به بار آورده‌اند می‌توان اشاره کرد: از سرازیر شدن فاضلاب بسیاری از کارخانه‌ها به ویژه کارخانه‌هایی که در مجاورت مناطق کشاورزی و روستایی قرار دارند به رودخانه‌ها و جویبارها و سواحل تا فاضلاب خانگی، از دفن زباله‌های خانگی و بیمارستانی تا دفن زباله‌های هسته‌ای، از آلوده‌سازی دریا در نتیجه ورود پساب صنایع، آلودگی‌های نفتی، تخلیه فاضلاب خشکی در دریا تا مواد سمی صید صنعتی و ده‌ها مورد دیگر از عواملی هستند که در ایران بر آلودگی آب و ناسالم سازی آن تأثیر گذاشته که به‌نوبه خود موجب تلطمه به طبیعت و انواع بیماری‌ها شده‌اند. تمام تجارب موجود هم به‌قدر کافی نشان داده است که نظم حاکم بر ایران، هیچ راه‌حلی برای این معضلات نداشته و نخواهد داشت.

رفقا! فجایی که جمهوری اسلامی در ایران به بار آورده است، بی‌شمارند. در شرایطی که میلیون‌ها خانواده کارگری و توده‌های زحمتکش در گرسنگی مداوم به سر می‌برند، سرمایه‌داران و مقامات دزد و فاسد جمهوری اسلامی، در بالاترین سطح رفاه و خوش‌گذرانی به زندگی خود در ناز و نعمت ادامه می‌دهند. این وضع همان‌گونه که تاکنون نشانه‌های آن را بازگو کردیم، دیگر قابل‌دوام نیست. هیچ چشم‌اندازی برای بهبود شرایط مادی و معیشتی کارگران و زحمتکشان وجود ندارد. جمهوری اسلامی که اکنون با تشدید تحریم‌های اقتصادی دولت آمریکا نیز مواجه است، نه‌فقط حتی قادر به تعدیل بحران اقتصادی نیست، بلکه تلاش کرده است بار این تحریم‌ها را بر دوش کارگران و زحمتکشان قرار دهد. تمام شواهد موجود نشان می‌دهند که بحران اقتصادی عمیق‌تر و رکود شدیدتر خواهد شد. سطح معیشت کارگران باز هم تنزل خواهد یافت. بیکاری افزایش می‌یابد و نرخ تورم از آنچه که اکنون هست، فراتر خواهد رفت. کاهش درآمد دولت از نفت، بحران مالی دولت را عمیق‌تر خواهد کرد که بار آن نیز بر دوش کارگران و زحمتکشان قرار خواهد گرفت. جمهوری اسلامی تنها در عرصه اقتصادی با بن‌بست مواجه نیست. پوسیدگی رژیم به درجه‌ای رسیده که تمام ارکان دولت غرق در فساد و دزدی است. دیگر هیچ توهمی به رژیم و جناح‌های آن در میان توده‌های وسیع مردم وجود ندارد. جمهوری اسلامی در میان مردم به‌کلی رسوا و مفتضح است. اتوریته رژیم چنان ضربه خورده است، که این‌همه سرکوب، کشتار و زندان نیز نتوانسته آن را ترمیم کند. جمهوری اسلامی در طول دو سال گذشته صدها تن از مردم ایران را با اتهامات سیاسی به جوخه اعدام سپرده، هزاران تن را دستگیر و بخش بزرگی از آن‌ها را به بند کشیده است. با این وجود، این سرکوب و کشتار نتوانست مانع از تداوم مبارزه علنی گردد. کارگران و زحمتکشان در اعتراضات خیابانی، آشکارا فریاد می‌زنند، سرکوب، زندان و اعدام دیگر اثر ندارد. شرایط عینی برای سرنگونی رژیم به‌سرعت آماده‌تر می‌شود. گرچه هنوز موقعیت انقلابی به همراه اشکال مبارزاتی مختص آن فرانسیده است، اما با توجه به تمام شرایط عینی و رشد و اعتلای مبارزات، این مرحله نیز به‌زودی فرا خواهد رسید. چشم‌انداز برپایی یک انقلاب اجتماعی در ایران نزدیک‌تر و روشن‌تر شده است.

رفقا! جمهوری اسلامی حتی با شدیدترین سرکوب نیز دیگر نمی‌تواند به شکل و شیوه گذشته به حیات خود ادامه دهد. باید برافند و بر خواهد افتاد. اما این بدان معنا نیست که رژیم به‌سادگی عقب می‌نشیند و قدرت را واگذار خواهد کرد. تا جایی که زورش برسد، مقاومت خواهد کرد و بی‌رحمانه‌ترین شیوه‌های سرکوب و کشتار را برای بقای خود به کار خواهد گرفت. اصلاح‌طلب و اصول‌گرا چهره عوض می‌کنند و در تلاش برای فریب توده مردم و جذب افشار خرده‌بورژوازی، نقش‌های نوینی در شرایط جدید بر عهده می‌گیرند. این رژیم نه‌فقط در برابر انقلاب کارگران و زحمتکشان می‌ایستد، بلکه محال است که حتی قدرت را به دارو دسته‌های بورژوازی خارج از کشور، از جمله بدیل‌های امپریالیستی سلطنت‌طلب، مجاهدین خلق، جمهوری‌خواه و غیره واگذار کند. نیاز به توضیح است که اساساً قدرت‌های امپریالیست، همواره خواهان حفظ و بقای جمهوری اسلامی بوده و هستند.

حتی دولت آمریکا به‌رغم تضادها و اختلافاتی که با جمهوری اسلامی دارد، بدیلی مناسب‌تر از خود جمهوری اسلامی ندارد. این واقعیت را ترامپ نیز اعلام کرد. اپوزیسیون‌های بورژوازی که تحت عنوان بدیل‌های امپریالیستی از آن‌ها نام برده می‌شود، در واقعیت امر چیزی جز ابزارهای فشار سیاسی در دست امپریالیسم آمریکا نیستند. آن‌ها فقط تحت شرایط استثنائی که فرضاً جنگی میان دو دولت درگیرند و جمهوری اسلامی سرنگون شود، می‌توانند شانس برای قدرت داشته باشند و دولت آمریکا به‌عنوان یک نیروی جایگزین از آن‌ها استفاده کند، آن‌هم به‌دشواری. چراکه هیچ‌یک از این به‌اصطلاح آلترناتیوها از چنان نفوذ توده‌ای برخوردار نیستند که بتوانند از عهده این وظیفه برآیند و اوضاع از هم‌گسیخته را مهار کنند. حتی این‌که دولت آمریکا بتواند همچون عراق این اپوزیسیون‌های بورژوازی را در کنار هم قرار دهد و متحدشان سازد، به‌سادگی ممکن نیست. تصور کنید که مجاهدین خلق و سلطنت‌طلبان و نئوفاشیست‌های فرسنگردی، جمهوری‌خواهان و ناسیونالیست‌های ملی و قومی را در کنار هم قرار دهد. از درون آن فقط یک هرج‌ومرج زبیده خواهد شد. بنابراین جریان‌هایی که این اپوزیسیون‌های بورژوازی را به‌عنوان بدیل قدرت‌های امپریالیست مطرح می‌کنند، آدرس غلط به توده‌های کارگر و زحمتکش می‌دهند. چراکه در واقعیت آن‌ها آلترناتیوهای پوشالی‌اند و آلترناتیو بورژوازی در برابر آلترناتیو کارگری، از داخل ایران خواهد بود، خواه از درون رژیم یا خارج از آن. حتی روزی که جمهوری اسلامی در نتیجه اعتلای کاملاً رشد یافته جنبش کارگران و زحمتکشان ایران و برپایی انقلاب، دیگر هیچ‌گونه امکان بقاء نداشته و در آستانه سرنگونی قرار گرفته باشد، آلترناتیو طبقه سرمایه‌دار و قدرت‌های امپریالیست باز هم از داخل و حتی از درون خود رژیم خواهد بود. هرچه جنبش ضد نظم موجود اعتلا یابد و پیشرفت کند، جمهوری اسلامی تاکتیک‌های متنوع‌تر و پیچیده‌تری را برای حفظ موجودیت خود در دستور کار قرار خواهد داد. هنگامی هم که دیگر نتواند به مقاومت ادامه دهد و خطر انقلاب، تمام موجودیت نظم موجود را تهدید کند، آنگاه، طبقه سرمایه‌دار حاکم بر ایران با یاری بورژوازی بین‌المللی به تاکتیک‌های پیچیده‌تری برای سرکوب انقلاب متوسل خواهد شد. نمی‌توان از پیش گفت که چه خواهد کرد، اما می‌توان تصور کرد که اگر تمام تاکتیک‌ها برای کنترل و مهار جنبش به شکست بیانجامد و دیگر راهی برای حفظ جمهوری اسلامی وجود نداشته باشد، حتی آماده است دولت مذهبی را نیز کنار بگذارد تا از این طریق در جنبش انقلابی توده‌های مردم ایران، شکاف ایجاد کند، آن را تضعیف نماید و با بسیج کردن حتی برخی جناح‌های بورژوازی اپوزیسیون حول محور خود، انقلاب را سرکوب و نظم موجود را نجات دهد. تجربه مصر در جریان بهار عربی و تحولات اخیر در سودان نیز به‌وضوح این حقیقت را نشان داده است. این بدان معناست که موجودیت طبقه سرمایه‌دار حاکم بر ایران، الزاماً با موجودیت جمهوری اسلامی گره نخورده است. زمانی که جمهوری اسلامی دیگر نتواند منافع طبقه سرمایه‌دار و موجودیت نظم حاکم را حفظ کند، جمهوری اسلامی می‌تواند توسط خود طبقه سرمایه‌دار حاکم برانداخته شود. چگونه؟ به اشکال مختلف. فقط به یک احتمال اشاره کنیم. امروزه می‌بینیم که تنها ارگانی که صحبتی از آن نیست و ظاهراً خیلی بی‌آزار به مردم معرفی می‌شود، ارتش است. درحالی‌که دیگر نیروهای مسلح و نظامی رژیم از نمونه سپاه پاسداران، بسیج، پلیس، به‌شدت مورد نفرت مردم قرار دارند. می‌توان تصور کرد که تحت شرایطی که جمهوری اسلامی دیگر امکان هیچ‌گونه بقائی ندارد، این ارتش با ادعای دفاع از مردم و با ادعای مخالفت با همین جمهوری اسلامی، قدرت را به دست بگیرد، اعلام کند که رژیم استبدادی جمهوری اسلامی سرنگون شده است، روحانیون دیگر نباید دخالتی در امور سیاسی داشته باشند، سپاه و بسیج منحل و پرسنل آن در ارتش ادغام می‌شوند. اعلام می‌کند که حجاب اجباری و محدودیت‌هایی از این دست ملغی است، اعلام می‌کند که ما سیاست خارجی گذشته رژیم را نفی می‌کنیم و می‌خواهیم با همه دولت‌های جهان دوست باشیم و وعده پشت و وعده که به‌زودی جمهوری دمکراتیک برپا می‌شود و آزادی‌های مردم برقرار می‌گردد. احتمالاً چندنفری را هم دستگیر خواهند کرد. در آن صورت چه اتفاقی رخ خواهد داد؟ اگر طبقه کارگر و عموم توده‌های زحمتکش هوشیار نباشند و سریعاً توطئه طبقه حاکم را خنثی نکنند، دستگاه دولتی موجود و اصلی‌ترین ارگان‌ها و نهادهای آن حفظ می‌شوند. تمام بورژوازی داخلی و خارجی از آن حمایت خواهند کرد. طبقه حاکم به همراه نظم سرمایه‌داری برجای خود باقی می‌ماند. گروه‌هایی از مردم که خواست آن‌ها صرفاً کنار رفتن دستگاه روحانیت از قدرت سیاسی است، به جانب‌داری از آن برمی‌خیزند، بخشی از مردم دچار سردرگمی

گزارش سیاسی کمیته اجرایی به کنفرانس هفدهم سازمان



با سازمان‌های انقلابی و کمونیست به‌رغم اختلافات نظری و موانع دیگر، در این دوره برای تقویت جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان و آلترناتیو کارگری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد بود. این اتحاد می‌تواند در سه سطح انجام بگیرد. اتحاد عمل‌های موردی بر سر مسائل مختلف مبارزاتی روزمره، اتحاد عمل پایدار برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تقویت آلترناتیو شورایی و سوسیالیستی طبقه کارگر و وحدت تشکیلاتی و حزبی با سازمان‌هایی که مواضع مشترک کمونیستی با آن‌ها داریم. سازمان ما در شرایط کنونی باید تلاش کند نزدیکی و اتحاد خود را با سازمان‌هایی که برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، برپایی انقلاب اجتماعی و استقرار حکومت شورایی مبارزه می‌کنند، تقویت نماید و مواضع سازمان‌هایی را که مانعی بر سر راه انقلاب کارگری‌اند، بی‌رحمانه افشا کند.

ضروری است که اعضا، فعالان و هواداران سازمان در داخل ایران فعالیت خود را در چند سطح بسط دهند. باید در کارخانه، محلات و تمام مراکز حضور توده‌ای، مداخله فعال‌تری در مبارزات علنی برای تقویت رادیکالیسم و طرح شعارهای انقلابی داشته باشیم. باید برای ایجاد و گسترش هسته‌های سرخ کمونیستی در میان کارگران در کارخانه‌ها و محلات، در میان دانشجویان، معلمان، پرستاران، سربازان، بیکاران، تلاش بیشتری انجام گیرد. اساس فعالیت هسته‌های سرخ همچنان مخفی است، اما این مخفی‌کاری هرگز نباید مانع از حضور فعال در مبارزات علنی باشد. هسته‌های سرخ و هواداران سازمان باید مواضع سازمان را که از طریق نشریه کار، فرستنده تلویزیونی، سایت‌های اینترنتی و صفحات سازمان در شبکه‌های اجتماعی تبلیغ و ترویج می‌شوند، در اشکال متنوع کتبی و شفاهی، تراکت و شعارنویسی به میان توده‌های وسیع کارگر و زحمتکش ببرند.

در خارج از کشور وظیفه کمیته‌های سازمانی ما، سازمان‌دهی آکسیون در حمایت از جنبش طبقاتی کارگران و جنبش انقلابی توده‌ای، جلب حمایت و پشتیبانی تشکل‌های کارگری از جنبش کارگری ایران، افشای هرچه وسیع‌تر ماهیت ارتجاعی جمهوری اسلامی و سیاست‌های آن در میان مردم کشورهای مختلف، تبلیغ و ترویج گسترده نظرات و مواضع سازمان، از طریق فرستنده تلویزیونی، صفحات اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی خواهد بود.

رفقا! تلاش کنیم و با تمام نیرو به برپایی انقلاب اجتماعی کارگری ایران و برقراری حکومت شورایی یاری‌رسانیم.

می‌شوند و جنبش به شکست می‌انجامد. آیا یک چنین احتمالی وجود دارد؟ می‌تواند وجود داشته باشد و نمونه‌های آن را مکرر در کشورهای دیگر جهان دیده‌ایم. مگر آنکه از هم‌اکنون پیشاپیش خطراتی که اصلی‌اند و از داخل و از درون طبقه سرمایه‌دار حاکم، جنبش طبقه کارگر و انقلاب را تهدید می‌کنند، برای کارگران و زحمتکشان روشن کرده باشیم و تاکتیک‌های بورژوازی را در هر شکل آن پیشاپیش خنثی کنیم. سازمان ما باید همواره در میان کارگران و زحمتکشان ایران تبلیغ کند که جز سرنگونی تام و تمام جمهوری اسلامی، درهم شکستن تمام دستگاه دولتی موجود و برقراری حکومت شورایی کارگری و دولت شورایی نباید به هیچ تحول سیاسی رضایت داد. بنابراین طبقه کارگر و کمونیست‌های ایران در جریان تحولات انقلابی که در پیش است، باید هوشیاری خود را حفظ کنند. توده‌های کارگر و زحمتکش را از خطرات آگاه سازند، تاکتیک‌های بورژوازی را در هر شکل آن خنثی نمایند، تا بتوانند انقلاب را به فرجام پیروزمندش برسانند.

رفقا! وظیفه سازمان ما به‌عنوان یک سازمان کمونیست، در دوره پس از کنفرانس هفدهم با توجه به عمیق‌تر شدن بحران سیاسی و تشدید مبارزه طبقاتی، سنگین‌تر از گذشته است. سازمان ما باید تمام امکانات و نیروی خود را در خدمت برپایی انقلاب اجتماعی کارگری و استقرار حکومت شورایی در ایران به کار گیرد. با توجه به مجموع شرایط عینی کنونی این احتمال تقویت شده است که جنبش به مرحله عالی‌تری ارتقاء یابد و یک موقعیت انقلابی فرابرسد و قیام مسلحانه در دستور کار قرار گیرد. در چنین شرایطی باید تاکتیک‌هایی که به پیروزی این قیام یاری رساند در دستور کار قرار گیرند. اما اصلی‌ترین وظیفه ما تا زمانی که موقعیت انقلابی فرابرسد و قیام مسلحانه در دستور کار قرار گیرد، همچنان تلاش برای بسیج سیاسی توده‌ای و ارتقای سطح آگاهی و تشکل طبقه کارگر است. فعالیت عملی - سیاسی و تبلیغ مواضع انقلابی سازمان در دو سال گذشته، افزایش یافت. باید باز هم بر دامنه فعالیت‌های عملی افزود و تبلیغ و ترویج مواضع سازمان را وسعت داد. شعار "کار- نان- آزادی- حکومت شورایی" هم‌اکنون جای خود را در میان بخشی از توده‌های کارگر و زحمتکش باز کرده است. اکنون در اغلب اعتراضات توده‌ای شعار "کار- نان- آزادی" مطرح می‌شود و بی‌تردید با اعتدالی بیشتر جنبش، شعار حکومت شورایی نیز به شعار اصلی کارگران و زحمتکشان تبدیل خواهد شد، چراکه حکومت شورایی، تنها بدیل کارگری در برابر بدیل‌های بورژوازی است. باید هرچه وسیع‌تر این شعار را به میان توده‌ها برد. در این دوره تبلیغ شعار اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برای برافکندن جمهوری اسلامی اهمیت بیشتری کسب می‌کند. به‌ویژه عاجل‌ترین نیاز جنبش در مرحله کنونی گذر از اعتصابات رشته‌ای و تک کارخانه‌ای، جمعاعت و تظاهرات کنونی، به یک اعتصاب سرتاسری سیاسی است. بنابراین در بطن رشد و اعتدالی کنونی جنبش، باید تبلیغات را روی اعتصاب سرتاسری سیاسی متمرکز ساخت. اما درحالی‌که بر روی این وظایف متمرکز هستیم، باید احتمالات دیگر را نیز مدنظر قرار داد.

این احتمال به‌کلی منتفی نیست که ممکن است چنانچه ترامپ در دور دوم هم انتخاب شود، احتمال ضعیف کنونی در مورد جنگ، در شرایط دیگر به یک احتمال واقعی تبدیل شود و جنگی رخ دهد. اگر چنین جنگی رخ دهد، این‌یک جنگ ارتجاعی میان دو دولت ارتجاعی است که برخلاف منافع و خواست توده‌های کارگر و زحمتکش مردم ایران و آمریکا است. سازمان ما در همان حال که شدیداً مخالف این جنگ است و علت وقوع یک چنین جنگ ارتجاعی را سیاست‌های هژمونی‌طلبانه و توسعه‌طلبانه دولت‌های آمریکا و جمهوری اسلامی می‌داند و محکوم می‌کند، چنانچه چنین جنگی رخ دهد، از کارگران و زحمتکشان خواهد خواست که در این جنگ ارتجاعی شرکت نکنند و برای پایان دادن به جنگ، به انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی روی آورند.

رفقا! همان‌گونه که همگان می‌دانند، یکی از نقاط ضعف جدی جنبش انقلابی و کمونیستی ایران، پراکندگی است. گروه بزرگی از فعالانی که زمانی در درون سازمان‌های سیاسی فعالیت می‌کردند، عمدتاً در نتیجه رکود سیاسی طولانی جنبش و انشعابات در درون سازمان‌های چپ و کمونیست یا از فعالیت سیاسی کنار کشیدند، یا به‌صورت منفرد فعالیت می‌کنند. تغییری که در اوضاع سیاسی رخ داده، گرایش به فعالیت متشکل را در میان این نیروها در داخل و خارج از ایران افزایش خواهد داد. سازمان ما باید برای جلب این نیروها به صفوف خود تلاش کند. علاوه بر این، تلاش برای اتحاد مبارزاتی

زنده باد سوسیالیسم

پیام هفدهمین کنفرانس سازمان فداییان (اقلیت) به زندانیان سیاسی، خانواده‌های زندانیان سیاسی و خانواده‌های جان‌باختگان سازمان

رفقای زندانی، مبارزان راه آزادی و سوسیالیسم

گرم‌ترین و صمیمانه‌ترین درودهای کمونیستی کنفرانس هفدهم سازمان نثار شما باد. بر شمایی که به "جرم" تلاش برای برپایی آینده‌ای بهتر و در خور برای توده‌های کارگر و زحمتکش در شکنجه‌گاه‌های رژیم در اسارت به سر می‌برید. درود بر شما بلندقامتانی که با وجود آگاهی بر سببیت رژیم جمهوری اسلامی و طبقه حاکم، جان بر کف به پا خاستید، تا باشد که مردمان سرزمین‌تان، باشد که نسل‌های آینده در جهانی شایسته و عاری از فقر و نابرابری، ستم و استثمار، تبعیض و نابرابری، شکنجه و زندان، داغ و درفش زندگی کنند.

شما با توشه آگاهی، همبستگی، عزم و از خودگذشتگی گام در راه مبارزه گذاشتید و بر تن دشمن غدار و تا بن دندان مسلح ریشه مرگ افکندید؛ دشمنی که از هیچ جنایتی ایابی ندارد و با تمام توان نظامی - امنیتی به مقابله با شما برخاسته تا شما را به خاموشی و تسلیم وادارد؛ زهی خیال باطل. چرا که نشان داده‌اید، حتا مخوفترین شکنجه‌های رژیم نیز شما را به تسلیم و انداخته است. همچنان از درون زندان‌ها می‌نویسید، افشاکاری می‌کنید، آگاهی می‌بخشید و با تنها سلاح‌تان، یعنی جان‌تان، به اعتراض و اعتصاب، ادامه می‌دهید.

رفقای زندانی،

کنفرانس هفدهم سازمان، یک سال و اندی پس از اعتراضات دی ماه برگزار شد. اعتراضاتی که نقطه عطف گذار از دوران رکود سیاسی به دوران بحران انقلابی بود. از آن زمان تاکنون، اعتراضات کارگران و زنان، جوانان و دانشجویان، معلمان و بازنشستگان با وجود فراز و فرودها، بی‌وقفه ادامه یافته است. در این مدت اندک، جنبش مبارزاتی در نتیجه جان‌فشانی‌های شما و یاران‌مان به دستاوردهای بس عظیمی دست یافته است. اگر وخیم‌تر شدن بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، تشدید سرکوب، استمرار تبعیض و نابرابری، افشای هرچه گسترده‌تر دامنه فساد و چپاول، سیاست خارجی ارتجاعی و توسعه‌طلبانه رژیم در فروریختن توهم توده‌های مردم نسبت به "اصلاح‌طلبان"، "دولت تدبیر و امید" و کلیت رژیم نقش داشته‌اند، شما کارگران، دانشجویان، معلمان، بازنشستگان، جوانان سوسیالیست و آگاه بودید که با طرح شعارهای "اصلاح‌طلب، اصول‌گرا، دیگه تمومه ماجرا" پایان این دوران و آغاز دوران نوین مبارزاتی را فریاد زدید؛ این شما و یاران‌تان بودید که با شعار "نان، کار، آزادی" خواسته‌های برحق توده کارگر و زحمتکش را فرموله کردید. رفقای کارگر، این شما و یاران‌تان بودید که با شعار "اداره شورایی" که در مرحله معینی از پیشرفت مبارزه طبقاتی، به یقین به "حکومت شورایی" فرا خواهد روید، آلترناتیو طبقه کارگر در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی را پیش‌سازوی توده‌های مردم قرار دادید. آلترناتیوی

که بسیار زود بر ذهن و جان توده‌های کارگر و زحمتکش نقش بست و نه تنها سران رژیم، بلکه طبقه حاکم را به هراس افکنده و آنان را به تکاپو واداشته تا بدیل‌های خود را در برابر این آلترناتیو قرار دهند.

در تلاطم این مبارزه طبقاتی است که رژیم هر روز تعداد بیش‌تری از کارگران و سوسیالیست‌ها را به بند می‌کشد؛ شلاق می‌زند؛ بر دامنه تحقیر و سرکوب زنان می‌افزاید، دانشجویان سوسیالیست و آزادی‌خواه را به بهانه "پیشگیری از جرم" روانه زندان‌ها می‌سازد، اما به اتهام اقدام علیه امنیت کشور به محاکمه می‌کشد. آزادی‌خواهان را به بهانه‌های واهی دادگاهی و محکوم می‌کند؛ معلمان را به "جرم" دفاع از منافع خود و نسل‌های آینده این سرزمین زندانی و اخراج می‌کند، بازنشستگان را ضرب و شتم و بازداشت می‌کند، روشنفکران و آزادی‌خواهان چپ و مترقی را به پای میز محاکمه می‌کشاند، شوه‌های تلویزیونی تحت عنوان "اعترافات" به راه می‌اندازد، عریه‌مکشان توده‌های معترض را "فتنه‌گر"، "عامل بیگانه" و "مخل امنیت ملی" می‌نامد؛ هرچند استمرار اعتصابات و تجمعات و اعتراضات نشان داده است، از این همه بهره‌ای نمی‌برد جز رسوایی، جز افزودن بر ناراضحتی، جز دامن زدن بر آتش مبارزه آتشی که در نهایت خود در آن خاکستر خواهد شد.

خانواده‌های رفقای دربند و زندانیان سیاسی

درود بیکران ما بر عزم راسخ شما. بر شمایی که به رغم فشارها و تهدیدات رژیم از پای نمی‌نشینید، رنج بی‌خبری و نگرانی را تاب می‌آورید، در برابر زندان‌ها و دادگاه‌ها تجمع می‌کنید، درباره پرونده‌سازی‌های ارگان‌های امنیتی و نظامی و قضایی رژیم افشاکاری می‌کنید، مصاحبه می‌کنید، در رسانه‌های اجتماعی می‌نویسید و سرکوبگران را لحظه‌ای به خود و انمی‌گذارید تا در سکوت و بی‌خبری با زندانیان سیاسی آن کنند که می‌خواهند.

خانواده‌های رفقای دربند،

در دوره‌ای که برخی از حربه‌های فریبکارانه‌ی تکنونی در به بیراه کشاندن مبارزه طبقاتی جاری در جامعه، دیگر کارایی پیشین را ندارند، مسلماً رژیم بیش از پیش به حربه سرکوب روی می‌آورد و در نتیجه بر تعداد زندانیان سیاسی و به تبع آن بر تعداد خانواده‌های زندانیان سیاسی افزودن خواهد شد. اما از هم اکنون نیز عدم کارایی این شیوه بر رژیم آشکار گشته است. زیرا با اسارت هر مبارزی، پیکارگران دیگری پرچم مبارزه را بلند می‌کنند، خانواده‌های بیش‌تری به میدان اعتراض گشاده می‌شوند، اتحاد و همبستگی پیشروان جنبش‌های اجتماعی، زندانیان سیاسی و خانواده‌های آنان ابعاد وسیع‌تری به خود می‌گیرند.

شما خود شاهدید که با تمام مرارت‌های‌تان،

خواب از چشم سرکوبگران ربوده‌اید؛ خود شاهدید که تنها نیستید؛ خود شاهدید که پای‌فشاری شما، کانونی فراهم آورده تا نیروهای چپ و آزادی‌خواه و مدافعان زندانیان سیاسی به دور آن گرد آیند و همراه و همپای شما به احکام بی‌دادگاه‌های رژیم اعتراض کنند، خواستار آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی گردند. کانونی که بزرگتر و بزرگتر می‌شود.

پس، می‌دانید که عمر رژیم به درازا نخواهد کشید. می‌دانید که در پی خیزش‌های بعدی و فراگیرتر اعتراضات کارگران و زحمتکشان، زندانیان سیاسی آزاد خواهند بود. آزاد خواهند بود تا به آغوش شما بازگردند، آزاد خواهند بود تا در کنار یاران مبارزتان جای گیرند، آزاد خواهند بود تا پرچم پیکار برای " کار، نان، آزادی - حکومت شورایی" را به دست گیرند و جامعه‌ای عاری از ستم و استثمار و خفقان، و بدون زندانی سیاسی برپا کنند.

تا آن روز، ما در کنار شما هستیم؛ در لحظات اندوه‌تان شریکیم و در آینده شادانتان، شاد خواهیم شد.

درودهای بی‌پایان ما نثار شما باد

خانواده‌های جان‌فشنان سازمان!

۳۱ سال پیش در چنین روزهایی رژیم سفاک جمهوری اسلامی در حال قتل عام زندانیان سیاسی در سلاخ‌خانه‌های خود بود. کشتاری که یکی از جنایت‌بارترین و ننگین‌ترین برگ‌های تاریخ طبقه حاکم در دوران متأخر ایران است. این جنایتی که هزاران زندانی سیاسی آزادی‌خواه و سوسیالیست را به کام مرگ فرو برد، به دست سران جمهوری اسلامی در سایه حمایت و سکوت طبقه حاکم بر ایران و امپریالیسم جهانی به وقوع پیوست. دو دهه به طول انجامید تا سرانجام، برخی نهادهای "حقوق بشری" بین‌المللی، در پی ارائه مدارک انکارناپذیر و تلاش شاهدان زنده و شما خانواده‌ها، آن جنایت عظیم را به عنوان "جنایت علیه بشریت" به رسمیت بشناسند.

سران جمهوری اسلامی نه تنها در آن زمان هزاران زندانی سیاسی را برای استمرار حاکمیت خود به قتل رساندند، بلکه پس از آن تا به امروز، تلاش کرده‌اند تا آن را به ورطه فراموشی بسپارند. امروز، هنوز بسیاری از این قاتلان در ایران بر سریر قدرت‌اند. چندی از آنان نیز که در پی اختلافات درونی از حاکمیت رانده شده و امروزه داعیه "اپوزیسیون" دارند، نه تنها حاضر نیستند برگی از این پرونده ننگین را افشا کنند و مسئولیتی در آن بپذیرند، بلکه به بهانه‌های گوناگون سعی در توجیه آن دارند.

خانواده‌های جان‌فشنان راه آزادی و سوسیالیسم! اما این پایان نبود. این شما بودید که پیکار عزیزان‌تان را پی گرفتید. این شما بودید که به رغم تمامی سرکوب‌ها و آزارها از پای ننشستید،

پیام هفدهمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت) به رفقای هوادار و فعالان سازمان در داخل کشور

رفقای هوادار و فعالان سازمان!

هفدهمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت) در شرایطی برگزار شد که طبقه حاکم بر ایران و رژیم سیاسی پاسدار منافع آن، با حادثترین بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی روبروست. همراه با تشدید مداوم بحران اقتصادی، رکود اقتصادی نیز پیوسته ژرفتر و عمیق شده است. ارتجاع حاکم تمام بار بحران رکود - توری را بر نوش کارگران و زحمتکشان افکنده است. از جنبش توده‌ای دیماه ۹۶ که با شعار "مرگ بر گرانی" آغاز شد تا به امروز بی‌استثنا تمام کالاهای و خدمات مورد نیاز کارگران و زحمتکشان گران‌تر شده است. قیمت‌ها تا بدان حد افزایش یافته است که عموم توده‌های زحمتکش مردم از کارگران و معلمان و پرستاران گرفته تا مستمری‌بگیران و تهیدستان و بیکاران، قادر به تامین مایحتاج زندگی و حتی خورد و خوراک و پوشاک خود نیستند و اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها زیر خط فقر زندگی می‌کنند. فقر و بیکاری، امان جوانان و توده‌های زحمتکش را بریده است. صف میلیونی بیکارها، بی‌مسکن‌ها و حاشیه‌نشین‌ها پیوسته متراکم‌تر شده است. به موازات انباشت بیش از پیش فقر و نداری در یک قطب جامعه، ثروت و رفاه در قطب دیگر جامعه نیز متراکم‌تر شده است. استثمار و غارت و چپاول ثروت‌های جامعه، به حد نهایی خود رسیده است. دزدی‌های کلان و چند هزار میلیارد تومانی، اختلاس و فساد تا بالاترین مقامات و نهادهای حکومتی، از مجلس و قوه قضاییه گرفته تا مقامات دولتی و سپاه و بیست‌خامنه‌ای، همه را در بر گرفته است. شکاف میان فقر و ثروت عمیق‌تر و تضاد میان کارگران و زحمتکشان و طبقه حاکم، حادث و قطبی‌تر شده است. جمهوری اسلامی در تمام عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در بن‌بست قرار گرفته است. گندیدگی و فساد درونی آن ابعاد بی‌سابقه‌ای به خود گرفته است. نارضایتی توده مردم از وضع موجود، پیوسته بیشتر و شدیدتر شده است. با روی‌آوری کارگران، زحمتکشان، زنان، دانشجویان، جوانان و بیکاران و عموم تهیدستان شهر و روستا به مبارزه علنی و آشکار خیابانی برای برچیدن نظم موجود که از دی ماه ۹۶ آغاز و در مبارزات آبان ۹۷ کارگران فولاد و هفت‌تپه، وارد مرحله کیفی جدیدی شد، شیور مرگ جمهوری اسلامی به صدا درآمده است.

رفقای هوادار و فعالان سازمان!

جنبش طبقاتی کارگران طی دو سال گذشته، بویژه در سال ۹۷ وارد فرازهای جدیدی شد که در تمام طول سال‌های گذشته و چهار دهه حاکمیت جمهوری اسلامی سابقه نداشت. طبقه کارگر ایران با اعتصابات و اعتراضات پرشور خیابانی و طرح خواست‌ها و شعارهای رادیکال سیاسی بویژه شعار "نان، کار، آزادی، اداره شورایی" و با حضور مداوم خود در صحنه سیاسی جامعه، نه فقط پرچم اخص اعتراض کارگری علیه تمام نظم موجود را به اهتزاز درآورد و نه فقط در مقام یک طبقه مدعی قدرت سیاسی ظاهر شد و یک اتحاد و همبستگی گسترده طبقاتی را در مقیاس سراسری رقم زد، بلکه توانست حمایت و اعتماد توده‌های وسیع

دانشجویان، معلمان، زنان، بازنشستگان و سایر زحمتکشان را نیز بدست آورد و صلاحیت و شایستگی خود برای رهبری انقلاب توده‌های زحمتکش مردم ایران را نیز نشان دهد.

رفقا!

همه شما می‌دانید که طبقه سرمایه‌دار حاکم و رژیم سیاسی پاسدار منافع این طبقه، در وحشت از اعتلاء بیشتر جنبش طبقه کارگر، به خشن‌ترین شیوه‌های سرکوب علیه کارگران و زحمتکشان متوسل شده است. صدها کارگر در هپکو، فولاد، شرکت واحد، هفت‌تپه و سایر واحدها به دادگاه و مراکز امنیتی احضار شدند که ده‌ها تن از آنان در دادگاه‌های فرمایشی محاکمه و به زندان و اخراج و شلاق محکوم شدند. بازداشت و سرکوب معلمان، زنان، نویسندگان، روزنامه‌نگاران و دانشجویان چپ و آزادی‌خواه و زندانیان سیاسی تشدید شد. بازجویی‌های مکرر و فرسایشی، شکنجه‌های وحشیانه و اعتراف‌گیری‌های اجباری به حد اعلا رسید. ارتجاع حاکم هپوای تشدید اعمال قهر و سرکوب، علیه کارگران آگاه و پیشرو و تشکل‌های کارگری، به دسیسه و توطئه‌چینی و سندیکاسازی پرداخت. اما کارگران آگاه و بخش پیشرو طبقه کارگر که پرچم تشکل مستقل کارگری و پرچم شوراهای برافراشته و تبدیل کارگری حاکمیت کنونی را ارائه داده اند، مرعوب این وحشی‌گری‌ها و توطئه‌ها نشده اند. هیچ نیرویی ولو از نوع مرتجع‌ترین و سرکوب‌گرترین آن که جمهوری اسلامی باشد، قادر نیست در مسیر رشد و اعتلاء جنبش طبقه کارگر و سایر جنبش‌های اجتماعی مانع غیرقابل عبوری ایجاد کند. در شرایطی که میلیون‌ها تن از کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و سایر اقشار زحمتکش و محروم جامعه در فقر و گرسنگی و بی‌غذایی به سر می‌برند و با هزار و یک تنگنا و مشکل معیشتی و اقتصادی دست به گریبانند، سرمایه‌داران و مرتجعین و مقامات دزد و فاسد جمهوری اسلامی و مشت‌های آخوند بیکاره و انگل در بالاترین سطح رفاه، در کاخ‌ها و ویلاهای مجلل و افسانه‌ای و در ناز و نعمت زندگی می‌کنند. چنین وضعیتی نمی‌تواند ادامه داشته باشد. کرد به استخوان مردم رسیده است. کارگران، معلمان، دانشجویان و عموم زحمتکشان و تهیدستان طی مبارزات خود در دو سال گذشته، شمه‌ای از اراده خویش برای به زیر کشیدن نظم موجود و دگرگونی بنیادی آن را به نمایش گذاشتند.

رفقای هوادار و فعالان سازمان!

تمامی شواهد حاکی از تعمیق بحران سیاسی و تشدید مبارزه طبقاتی است. تحت چنین شرایطی وظایف سازمان و تک تک اعضا و فعالان و هواداران سازمان سنگین‌تر از گذشته است. مهم‌ترین وظیفه ما در شرایط کنونی تلاش برای بسیج توده‌ای و ارتقاء سطح آگاهی و تشکل طبقه کارگر است. در این راستا، فعالیت‌های تشکیلاتی، سیاسی و عملی خود را افزایش دهید و تبلیغ و ترویج شعارها و مواضع سازمان را بیش از پیش وسعت بخشید. اگرچه شعار کار نان آزادی جای خود را در میان بخش‌هایی از کارگران و زحمتکشان باز کرده

است، اما این شعار که تبلور و فشرده خواست‌های کارگران و زحمتکشان است، باید بیش از پیش تبلیغ و به میان توده‌های مردم برده شود. تردیدی نیست که با اعتلاء بیشتر جنبش، شعار حکومت شورایی که در عبارت "اداره شورایی" بر زبان کارگران هفت‌تپه جاری شد نیز به شعار اصلی کارگران و زحمتکشان تبدیل خواهد شد. با این همه حکومت شورایی را که تنها تبدیل کارگری در برابر بدیل‌های بورژوازیست، باید هر چه وسیع‌تر به میان کارگران و زحمتکشان برد.

در چند سال گذشته، اعتصابات رشته‌ای پیوسته در حال افزایش بوده است، اما بخش اعظم اعتصابات کارگری کماکان، اعتصابات تک واحدی و پراکنده است. فوری‌ترین نیاز جنبش طبقه کارگر در مرحله کنونی، گذار از اعتصابات تک واحدی و رشته‌ای به اعتصاب سرتاسری سیاسی است. از این رو بیشتر از گذشته بایستی برای ایجاد تشکل‌های رشته‌ای و سراسری تلاش کرد. در بطن مبارزات جاری و رشد و اعتلاء جنبش بایستی تبلیغات خودمان را روی اعتصاب سرتاسری سیاسی متمرکز سازیم. نیازی به توضیح نیست که تحت هر شرایطی باید هسته‌های سرخ سازمانی را در کارخانه‌ها و محلات و در میان دانشجویان و معلمان و دیگر زحمتکشان گسترش دهیم. ایجاد کمیته‌های کارخانه که با اعتلاء بیشتر جنبش به کمیته‌های اعتصاب و شوراهای کارگری فرا می‌رویند، از وظایف مهم دیگر ما در شرایط کنونی است. ما همچنین باید با حضور فعال خود در تشکل‌های مستقل و توده‌ای کارگری، ضمن تقویت گرایش رادیکال درون این تشکل‌ها، یاری رسان سازمان یابی طبقه کارگر باشیم. افزون بر این، برای پیشبرد سیاست‌ها و تبلیغ و ترویج مواضع و خط مشی سازمان، هر جا که مقبور باشد، باید تشکل‌های علنی پوششی از نوع تعاونی‌ها، گروه‌های ورزشی و کونفدردی و امثال آن را سازمان داد.

رفقا!

کنفرانس هفدهم سازمان فدائیان (اقلیت) در روزهای ۲۵ تا ۲۷ مرداد ۹۸ برگزار شد. اگرچه به دلایل روشنی شما رفقای که مستقیماً با سازمان در ارتباط هستید، نمی‌توانستید و نتوانستید در کنفرانس سازمان حضور یابید، اما بدانید که از نخستین لحظات آغاز کنفرانس تا دقائق پایانی آن در کنار ما بودید. پیام‌های سرشار از رفاهت کمونیستی شما که در فواصل مباحثات در کنفرانس قرائت شد، مورد استقبال گرم و پرشور و تشویق همه‌ی ما شرکت‌کنندگان در کنفرانس قرار گرفت. کنفرانس هفدهم سازمان فدائیان (اقلیت)، تلاش‌های خستگی‌ناپذیر شمارفا برای پیشبرد سیاست‌ها و اهداف کارگری - کمونیستی سازمان بویژه در شرایط سخت پلیسی - امنیتی حاکم بر جامعه را از صمیم قلب ارج می‌نهد و ضمن تقدیم بهترین درودهای کمونیستی و رفیقانه، دست یکایک شما رفقای عزیز را با مهر و عشق و صمیمیت کمونیستی می‌فشارد.

کنفرانس هفدهم سازمان فدائیان (اقلیت)

سرتنگون پادر رژیم جمهوری اسلامی -

برقرار یابد حکومت شورایی

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

مرداد ۱۳۹۸

پیام حزب کمونیست ایران به کنفرانس هفدهم سازمان فدائیان (اقلیت)

پیام کمیته مرکزی سازمان راه کارگر به کنفرانس هفدهم سازمان فدائیان - اقلیت

رفقای سازمان فدائیان اقلیت من هلمت احمدیان از طرف هیات شرکت کننده مان در این کنفرانس و به نیابت از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران، ضمن تشکر از دعوتمان به این اجلاس، آرزوی برگزاری کنفرانسی موفق و پردستاورد را برای شما عزیزان دارم.

فرصت را غنیمت می شمارم و از این تریبون درود می فرستم به همه جانباختگان و جانفشانان جنبش چپ و کمونیستی که در سنگرهای مختلف در راه آرمان های سوسیالیستی از جان شیرین شان دریغ نکردند. درود می فرستم به همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی که علیرغم همه فشارهای رژیم از درون زندان های رژیم نوید آزادی و جامعه ای برابر و اداره شورایی جامعه را ندا می دهند.

طبعاً این اولین بار است که ما افتخار حضور در اجلاس رسمی تشکیلات شما را داریم، و این امر را به نوبه خودمان محصول همگرایی و همکاری های مشترک بویژه در دوره ای که گذشت می دانم.

رفقای عزیز! کنفرانس شما در شرایطی برگزار می شود که جامعه ایران دوران حساسی را از سر می گذراند. در ایران بر متن تشدید بحران سرمایه داری و تنگ تر شدن حلقه تحریم های اقتصادی که فقر و فلاکت بیسابقه ای را به طبقه کارگر و اقشار فرودست جامعه تحمیل کرده است و به رغم تهدیدات جنگی و تشدید فضای امنیتی یک جنبش عظیم اعتراضی و مطالباتی در جریان است که طبقه کارگر در محور آن قرار دارد. در این شرایط و در حالی که رژیم جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران به عنوان نیرویی که دست بالا را در ساختار حکومتی دارد همه ظرفیت های خود را برای به کنترل در آوردن جنبش مطالباتی کارگری و اقشار فرودست جامعه بکار می گیرند، در شرایطی که نیروهای مختلف اپوزیسیون بورژوازی در تلاش هستند که آن را در راستای اهداف خود به بیراهه ببرند و انقلاب را عظیم بگذارند، در این شرایط همکاری نیروهای موجود در جنبش چپ و کمونیستی ایران با هدف تقویت و پاسخشویی به نیازهای عملی و استراتژیک این جنبش مطالباتی و اعتراضی بیش از هر زمان دیگر به یک ضرورت سیاسی و عملی تبدیل شده است.

در همین راستا توافق بر سر بیانیه سیاسی که بر استراتژی سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی از طریق انقلاب کارگری تأکید می کند، اتخاذ موضع مشترک در مورد رویدادهای مختلف،

توافق بر سر اینکه شبکه های تلویزیونی نیروی های همکاری مشترک از یک کانال ماهواره ای واحد برنامه های خود را پخش کنند، همه اینها گامهایی در جهت تأمین ملزومات پاسخگویی به این ضرورت سیاسی به شمار می آیند. اما سرانجام معیار اجتماعی برای ارزیابی از پیشرفت این همکاری ها همانا **پاسخشویی به نیازهای عملی و استراتژیک جنبش های اعتراضی و اجتماعی در جامعه است.** تنها در اینصورت است که می توان توجه فعالین و رهبران جنبش کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی را به این حرکت جلب کرد و نگاه جامعه را به طرف خود برگرداند. در پرتو این جهت گیری اصلی است که همکاری های عملی ما اهمیت پیدا می کنند. در خارج از کشور سازمان دادن کمپین های سیاسی و تبلیغی گسترده برای جلب حمایت افکار عمومی و سازمان ها و نهادهای ترقی خواه از جنبش انقلابی مردم ایران از اهمیت زیادی برخوردار است. تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست ایران با توجه به وسعت تشکیلاتی ای که از آن بهره مند است و با توجه به موقعیت ویژه ای که برای ایجاد هماهنگی و جلب همکاری این نیروها از آن برخوردار است می تواند نقش تعیین کننده ای در انجام این امر داشته باشد.

رفقا! فعالین و پیشروان جنبش های اجتماعی در داخل کشور صرفنظر از تعلقات خطی و تشکیلاتی و فکری شان با سهولت بیشتری در سنگر مبارزه با کارفرما و رژیم مشترکاً فعالیت می کنند و ما امیدواریم این درک و ضرورت و همگرایی و همسوایی در میان همه نیروهای چپ و کمونیست در اقصا نقاط جهان نیز بیشتر شود و ما هم هم در داخل کشور و هم با کار مشترک در آکسیون های اعتراضی در دفاع از جنبش های اجتماعی، در جلب حمایت اتحادیه ها و نهادهای مترقی در خارج کشور این همکاریها را گسترش دهیم. این حرکت های مشترک ضمن اینکه دلگرمی و پشتوانه مهمی برای مبارزات فعالین در داخل می باشد، هزینه سرکوبگری را برای رژیم بیشتر می سازد و این امر می تواند بر توازن قوا در داخل کشور تأثیر بگذارد.

رفقا من وقت شما را بیشتر نمی گیرم. ما با اشتیاق مباحث شما را در این کنفرانس استماع می کنیم و اگر فرصتی باشد با کمال میل نظرات خود را به اطلاع می رسانیم. شاد و پیروز باشید و مجدداً برگزاری کنفرانس هفدهم سازمان فدائیان اقلیت را تبریک می گویم.

رفقای عزیز

با درودهای گرم و رفیقانه و سپاس از دعوت سازمان ما به کنفرانس شما، آرزوی صمیمانه ماست که کنفرانس عمومی سازمان فدائیان اقلیت باموفقیت تمام بتواند. تصمیم ها و قرارهای خود را تصویب کرده و متحقق کند. همانگونه که شما هم بدرستی در ارزیابی هایتان اشاره کرده اید ایران، یکی از کانونهای بحران نظام سرمایه است و روندهای جهانی نابرابری و تشدید استثمار در ابعاد وحشتناکتر و خشن تر در ایران باز تولید شده است. تصویر تکاندهنده نابرابریهای بزرگ طبقاتی، استثمار و استبداد، بی حقوقی همگانی، بیکاری، گرسنگی، کودکان کار، تبعیض، آپارتاید جنسی، سرکوب، زندان، اعدام، ویرانگریهای سازمانیافته زیست محیطی و ... نمودار حکومت سرمایه داری و مذهبی ایران دریند است.

در مقابل این روند و سیاست تبهکارانه سرمایه داری اسلامی، جنبش اعتراضی کارگران، زحمتکشان و اکثریت مردمان ایران در همه جا در حال گسترش است. نارضایتی ها و اعتراضها دیگر نه تنها مواردی استثنایی نیست، که به امری عادی تبدیل شده است. بی هیچ تردیدی اکثریت عظیم مردمان ایران، حکومت سرمایه داری و اسلامی را نمیخواهند و خواهان واژگونی این رژیم جنایت و تباهی اند. گرچه جنبشهای بزرگ در این چهار دهه مدام برخاسته و تغییرات سیاسی و اجتماعی را فریاد کرده اند. اما جنبش بزرگ اعتراضی دیماه ۱۳۹۶ در بیش از صد شهر، از جنس دیگری بود و طلیعه تغییرات بزرگ و رادیکال در کشور و خط پایانی بر اندیشه و سیاست رفرم در چهار چوبه نظام اسلامی بود. این جنبش بزرگ اعتراضی در ابعاد رادیکال و سازمانیافته ترش در هفت تپه و فولاد و هپکو، در جنبش اعتصابی معلمان، در اعتراضات بازنشستگان و همبستگی های عمیق کارگری و دانشجویی، در دفاع از « فعالین و رهبران تشکلهای کارگران و معلمان زندانی و در گسترش شعار « نان، کار، آزادی، اداره شورایی و «کارگر، معلم، دانشجو، اتحاد، اتحاد»، روزانه تداوم یافته است.

در شرایطی که جدال بر سر آلترناتیو سازی در کشور ما اوج گرفته و میگیرد، ما بعنوان بخشی از جنبش کمونیستی و کارگری ایران نمیتوانیم به این روند بی اعتنا باشیم. بی شک کشور ما راهی جز انقلاب از پایین و خود حکومتی کارگران و زحمتکشان، تقویت اردوی آزادی و برابری و پیروزی جنبش کارگران و فرودستان و گذار از سرمایه داری ندارد.

برای تحقق این امر، همکاری و همبستگی همه بخشهای طبقه کارگر و مزدبگیر، همکاری و همبستگی و اتحاد همه جریانات چپ و کارگری



پیام جمعی از "فعالان کارگری جنوب" به کنفرانس هفدهم سازمان فدائیان (اقلیت)

رفقای سازمان فدائیان اقلیت! با دروهای کارگری و رفیقانه و با تبریک به مناسبت برگزاری کنفرانس ۱۷ سازمان.

رفقا!

کارگران و زحمتکشان، توده‌های کدرآمد و تهیدستان این روزها فشار سختی را متحمل می‌شوند. بحران سیاسی اقتصادی هرروز ژرفتر می‌شود. مبارزات اجتماعی- سیاسی با محوریت جنبش طبقه کارگر، همچنان در جریان است. این طبقه روزانه در چند محل کار درگیر مبارزه برای خواسته‌های خود است. می‌توان گفت که مبارزه طبقه کارگر از دی‌ماه ۹۶ و در فاصله دوساله، به‌طور تاریخی وارد مرحله کیفی شده است. نطفه‌های این مبارزه با مشخصات عبور از رژیم سرمایه‌داری اسلامی در کلیه مراکز تولیدی و اقتصادی بسته شده است. کارگران می‌توانند در اولین مبارزات عمومی و رویارویی با رژیم، شکل هسته‌های مبارزاتی فعال به خود بگیرند. در جاهایی که تعداد کارگران زیادتیر بوده کارگران هم‌اینک در قالب جمع‌های کمی در تلاش‌اند.

برنامه و تلاش‌های سازمان فدائیان اقلیت عمدتاً باید تبلیغ و ترویج سوسیالیستی و حمایت از جنبش کارگری باشد. از هم‌اینک مسئولانه و با اراده‌ای جدی در کنار طبقه کارگر برای ایجاد تشکیلات‌های کارگری در محل کار و محل زندگی آنان کوشش کنیم. آن تعداد از نیروهای جنبش کمونیستی که در مرحله کنونی معتقد به آموزش و برنامه سوسیالیسم علمی و مبارزه طبقاتی هستند، عمدتاً دوستان ما در "اتحاد نیروهای چپ و کمونیست" هستند. این اتحاد اگرچه دیر انجام گرفت و هنوز از یک یگانگی و اتحاد عمل نیرومند و مطلوب که بتواند پاسخگوی مسائل جنبش کارگری باشد کماکان در ضعف است، اما مداوم فعالیت همبسته میان خود نیروهای اتحاد از یک‌طرف، و همبستگی با طبقه کارگر با برنامه و عمل پیگیر می‌تواند در آینده، بیشتر مؤثر باشد. هرچه میل و رغبت رفیقانه برای مبارزه مشترک در میان نیروهای اتحاد چپ زیادتیر شود، نیروهای منفرد و جریانات کوچکتری که در خارج اتحاد هستند بیشتر تشویق به مبارزه مشترک می‌شوند. با اتحاد فشرده و مبارزه پیگیر انقلابی است که نقش اتحاد نیروهای چپ و کمونیست در اذهان کارگران و زحمتکشان و عموم اقشار جامعه به‌مثابه تنها آلترناتیو آینده برجسته می‌شود.

رفقا!

سازمان فدائیان اقلیت در شرایط کنونی در کارزار مشترک با نیروهای اتحاد چپ کارگری و کمونیست می‌تواند پرچم انقلابی و مبارزاتی طبقه کارگر را در میان طیف رقیب رنگارنگ برافراشته و بالا نگه دارد، تا این جنبش از افتادن به دامن انحرافات و تعبیرات غلط اپورتونیستی و

اینان قره نوکران حکومت و بورژوازی هستند. قصد ما بر شمردن اضعاد انقلاب و جنبش کارگری کمونیستی نبود، اما نمی‌توانیم از بردن نام جریانات مارکدار بورژوازی و سلطنت‌طلب خودداری نماییم. این جریانات نیز در تلاش هستند تا با همکاری و کمک جهان سرمایه‌داری، جنبش انقلابی اجتماعی را دور بزنند و از بالای سر توده‌های انقلابی و کارگران و زحمتکشان به قدرت دسترسی پیدا کنند، سلطنت‌طلبان سوار برگزشته و تاریخ قرون و اعصار و مجاهدین تجهیز به امکانات روز و جهان سرمایه‌داری لیرال.

رفقا!

کلیه نیروهای فوق دانسته و یا ندانسته از بورژوازی دشمن اصلی کارگران و زحمتکشان پشتیبانی می‌کنند. حمایتشان از رژیم، گاهی پوشیده و پنهان و گاه علنی و آشکار است. دشمن اصلی جنبش کارگری کمونیستی ایران اما! رژیم به‌غایت ارتجاعی سرمایه‌داری اسلامی است که دریگیر و ببند، زندان و سرکوب و خشونت، گشاده‌دست و در یک‌کلام دشمن آزادی و انسان زحمتکش است. نوکتیز پیکان مبارزات کارگری - کمونیستی و اجتماعی باید متوجه قلب رژیم سرمایه‌داری اسلامی این دشمن طبقاتی کارگران و زحمتکشان و توده‌های تهیدست باشد. رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی یکی از ضدانقلابی‌ترین رژیم‌های سرمایه‌داری جهان موجود است. به هر گوشه‌ای از برنامه، عملکرد و سیاست‌های رژیم سرمایه‌داری اسلامی دست بگذاریم، کفایت می‌کند تا مصمم و به‌طور جدی و انقلابی کوشش کنیم که یک روز زودتر به عمر این رژیم خاتمه داده شود. شکاف طبقاتی میان کار و سرمایه، میان فقر و ثروت، میان عدالت و نابرابری به منتهای درجه رسیده است. این رژیم فاسد سرمایه‌داری مذهبی، رو به اضمحلال روی دست ما مانده است باید امرا به خاک سپرد.

رفقا!

جریانات کارگری - کمونیستی در تلاش برای ارتباطگیری با طبقه کارگر در این مرحله که شرایط رو به اعتلا است، باید به دنبال راهکارهایی بگردند تا ارتباطشان با طبقه کارگر نه از راه دور و مجازی بلکه از طریق ابزار و لوازم تشکیلاتی و عناصری از پیشگامان خود طبقه کارگر مستقیم و بدون واسطه انجام بگیرد. این کار نیازمند همکاری بیشتر و انسجام بهتر با پشتیبانی عملی از کارگران در محیط‌های کارگری می‌باشد. یادمان باشد ظرف کمابیش یک ماه اعتصاب و اعتراض خیابانی کارگران نیشکر هفت‌تپه و گروه ملی فولاد اهواز چه تأثیری بر جنبش سراسری و کارگری داشته است. حرکت انقلابی این کارگران بر بستر چند سال فعالیت و تلاش بوده که توانست خود را به شکل کیفی نشان بدهد. امروز کل طبقه کارگر در جامعه به‌شدت سیاسی ما در وضعیتی قرار دارد که بخش‌هایی از آنان می‌توانند به پیش‌تاز جنبش کارگری و کمونیستی تبدیل شوند. طبقه کارگر به لحاظ ذهنی آمادگی برای کار تشکیلاتی را دارد

رویزونیستی چپ و راست مصون بماند و علاوه بر آن موجب تشویق دیگران به پیوستن به مبارزه انقلابی و باعث یکپارچگی نیروهای کمونیست به‌مثابه آلترناتیو آینده گردد.

جنبش عمومی - اجتماعی و به‌منفع آن جنبش مستقل کارگری از جانب نیروهای بورژوا لیرال، از جانب جریانات سوسیالیسم خلقی، رفرمیست انقلابی‌نما و رویزونیست‌ها از جهت‌های متفاوت تهدید می‌شود. این جریانات طیف وسیعی را تشکیل می‌دهند. بخشی از این نیروها، جنبش منطقه‌ای کردستان را که بی‌شک از قوی‌ترین حامیان جنبش سراسری است تهدید می‌کنند. اینان برنامه‌های بورژوا لیرالی و خورده بورژوازی خود را با وام‌گیری از سوسیالیسم به شکل فریبنده‌ای در قالب نوعی سوسیالیسم خلقی و عوام‌پسند درمی‌آورند و به فریب توده‌ها می‌پردازند. بخش‌های دیگری از آنان سعی دارند جنبش سراسری را به بیراهه ببرند و آن را به جنبشی بی‌هدف، و به زانده‌ای از سرمایه‌داری تبدیل کنند. شعار و رفتار اینان نمونه واقعی منشویستی و شبه مارکسیستی است که لنین در مورد آنان گفته "جنبش هم‌چیز و هدف هیچ‌چیز" میزان خطر این جریان برای جنبش برطرف شده است. پیش‌تر که عرصه عمل مبارزه بیشتر در حوزه تئوری خلاصه می‌شد، با پندار بافی و خودبزرگینی وانمود می‌کرد که تنها آلترناتیو موجود است، درحالی‌که فاقد مشخصات یک جریان رهبری کننده در جنبش کارگری بوده است. این جریان با فرصت‌طلبی و موج‌سواری، و دنباله‌روی از حوادث و اتفاقات چنین وانمود می‌کرد که یگانه جریان بدیل رژیم است. امروز خطرش برای جنبش کم شده و به لحاظ برنامه‌ای و سیاسی ... با ابهامات فراوانی رو برواست.

شق دیگر از این نوع جریانات کائوتسکیسم و رویزونیست دیرپا است که هنوز از زیر بار همکاری شرم‌آور با رژیم سرمایه‌داری اسلامی بیرون نیامده‌اند، بار دیگر سعی دارند با تلاشی خائنه و نوکر صفتانه و در زیر فشار و نگاه تند جنبش کارگری و اجتماعی خود را زین و یراق کرده به خدمت بورژوازی درآورند و در عرصه مبارزه سراسری از پشت خنجر به تهیگاه جنبش بزنند. اینان بروتس جنبش کارگری هستند! این نیروها علیرغم اینکه فاقد درک مادی و شعور عینی از واقعیت‌های جامعه هستند، فاقد شهامت مبارزاتی نیز می‌باشند؛ اما در شرایط روبه رشد و کمابیش اعتلایی موجود و در آینده تلاش خواهند کرد تا شکل یکپارچه‌ای به خود بگیرند و به ابزاری هرچند نامطمئن و ناستوار در دستان جریانات مارکسیست انقلابی و رادیکال استفاده کنند. این جریانات به‌طور تاریخی از پادوان بی‌مزد و منت سرمایه‌داری و رسالتشان همکاری و همدستی با بورژوازی و رنگ و جلا دادن به چهره زشت و خشن سرمایه‌داری است. نباید از تلاش مذبحانه این جریانات غافل بود. بر سر هر کوی برزن در شیپور انقلاب باید دمید که

از صفحه ۱۶

پیام جمعی از "فعالان کارگری جنوب" به کنفرانس هفدهم سازمان فدائیان (اقلیت)

و مبارزات پراکنده آنان در آینده با کمک متمرکز، مسئولانه و پیگیر نیروهای سیاسی می‌تواند شکل جمعی و به هم پیوسته‌ای به خود بگیرد و وارد مرحله کیفی فاز تشکیلاتی و ارتباط سراسری شود.

رفقا!

سازمان فدائیان اقلیت، میراث گران‌بهایی از تجربه و پراتیک اجتماعی و مبارزه انقلابی پشت سر دارد که هر فعال سیاسی و کارگری واقع‌بینی ناچار به تائید آن است. این را ما نمی‌گوییم بلکه صفحات تاریخ جنبش کمونیستی به‌طور عیان و آشکاری جلو چشمان بینندگان گشوده است. ما انتظار داریم که کنفرانس هفدهم شما به‌متابه مشعلی فروزان و روشنایی‌بخش، راه عملی مبارزه طبقه کارگر و رسیدن به اهداف جنبش کارگری و سرنگونی بورژوازی را روشن و تسهیل نماید.

رفقای اقلیت! ما، جمعی از "فعالان کارگری جنوب" نشست دوسالانه (کنفرانس ۱۷) سازمان را به شما و میهمانان حاضر در نشست و کلیه کارگران و زحمتکشان و علاقه‌مندان به جنبش کارگری و کمونیستی تبریک می‌گوییم و آرزوی موفقیت شما را در کنفرانس ۱۷ سازمان و پیش برد اهداف جنبش کارگری و کمونیستی راداریم. پیروز باشید.

رژیم جمهوری اسلامی را باید با اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه همگانی برانداخت

نابود باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد حاکمیت شورایی کارگران و زحمتکشان زنده‌باد انقلاب زنده‌باد سوسیالیسم

جمعی از "فعالان کارگری جنوب" ۲۴ مردادماه نودوهشت کار نان آزادی حکومت شورایی

از صفحه ۱۵

پیام کمیته مرکزی سازمان راه کارگر به کنفرانس هفدهم سازمان فدائیان - اقلیت

و کمونیستی و سازمان دادن اقدامات و همکاریهای مشترک و پایدار ضرورت روز است. خوشبختانه، پس از سالها تلاش و پیگیری، ما شاهد شکل‌گیری همکاری و اتحاد عمل مشترک شش سازمان و حزب چپ و کمونیستی، همکاری در شکل دادن یک تلویزیون ۲۴ ساعته چپ برای بازتاب صدای بی صدایان، صدای محرومترین مردمان از این رسانه هستیم و سازمانهای ما بطور مستقل اما در راستاهای مشترک به انجام آن همت گمارده‌اند.

گرچه این، اقدامی اولیه برای یک کار مشترک است اما قطعاً این اقدام تأثیرات بسیار مثبتی در میان فعالان سیاسی و اجتماعی گذارده و می‌گذارد. آنچه برای ما حیاتی است این است که این صدا را تقویت کنیم و بکوشیم صداهای پراکنده، منقطع و سرکوب شده را انعکاس دهیم و به یک صدا و تصویر واحد تبدیل کنیم و گفتمان آلترناتیو چپ و کارگری، آلترناتیو سوسیالیستی را در مقابل آلترناتیوهای بورژوازی، به نقطه‌ی امیدی برای تغییرات بزرگ در کشور تبدیل کنیم. ما می‌توانیم و باید در کنار اعتراضات روزمره کارگران، معلمان بازنشستگان، بیکاران، زنان، جوانان، طرفداران محیط زیست، مدافعان حقوق مدنی و انسانی و همه‌ی جنبشهای اجتماعی ایران قرار بگیریم و صدا و تصویر آنان را برای تغییرات رادیکال و انقلابی منعکس کنیم و بیش از پیش با آن گره بخوریم.

رفقای عزیز سازمان فدائیان (اقلیت)

سازمان راه کارگر با صمیمانه‌ترین دروها به شما رفقا، دست‌هایتان را برای ادامه و تحکیم روابط دو سازمان می‌فشارد و آرزو دارد که این کنفرانس بر تحکیم این روابط و تقویت و انسجام اتحاد عمل مشترک سازمانهای چپ و کمونیست و تقویت همبستگی‌های بزرگ طبقاتی پافشاری کند و امیدواریم کنفرانس هفدهم سازمان فدائیان - اقلیت با موفقیت و پیروزی کارش را به اتمام رساند.

با درودهای رفیقانه

کمیته مرکزی سازمان راه کارگر
مرداد ۱۳۹۸ / آگوست ۲۰۱۹

از صفحه ۱۳

پیام هفدهمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت) به زندانیان سیاسی، خانواده‌های زندانیان سیاسی و خانواده‌های جان‌باختگان سازمان

روزی را به عنوان "سالگرد کشتار تابستان ۶۷" انتخاب کردید، هر سال گورهای دسته‌جمعی عزیزان‌تان را گل‌باران کردید، تا نگذارید راز این جنایت هولناک در پرده سکوت پیچیده و از خاطر‌ها زدوده شود.

درود بر شما که پس از سه دهه همچنان دادخواه عزیزان‌تان هستید. عزیزانی که جز دغدغه بهروزی و رفاه توده‌های مردم در سر نداشتند و تنها به این "جرم" نابخشودنی از دید سران رژیم به قتل‌گاه برده شده و در گورهای دسته‌جمعی در کنار یکدیگر دفن شدند. از آن زمان نه تنها سران جمهوری اسلامی، بلکه طبقه حاکم و نظریه‌پردازان رنگارنگ آن، با تمامی ادعاهای "بشردوستانه" خود، نشان داده‌اند که تمایلی به گشودن این پرونده جنایت‌بار ندارند.

اما تنها در تابستان ۶۷ نبود که هزاران انسان مدافع آزادی و سوسیالیسم قتل عام شدند. رژیم جمهوری اسلامی از همان روزی که قدرت را قبضه کرد، پایه‌های قدرت خود را بر دریایی از خون بنا گذاشت. تابستان ۶۷، نقطه عطفی در کشتار قتل، اعدام کشتار کارگران، کمونیست‌ها و نیروهای آزادی‌خواه بود. پس از این تابستان، همچنان تاکنون، هر چند در ابعادی کم‌دامن‌تر اعدام و قتل کارگران و کمونیست‌ها ادامه یافته است.

با وجود این، به یقین روزی فرا خواهد رسید که این جنایتکاران به پای میز محاکمه کشیده خواهند شد و سزای جنایت خود را خواهند دید. روزی در فردای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برپایی حکومتی برآمده از اراده و مبارزه کارگران و زحمتکشان، زیرا در چنین حکومتی تاباندن نور بر زوایای تاریک این پرونده برای پیشگیری از تکرار چنین جنایتی در آینده، به نفع تمامی توده‌های کارگر و زحمتکش خواهد بود.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران
زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم
کار، نان، آزادی - حکومت شورایی
هفدهمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت)
مرداد ماه ۱۳۹۸



پیام هسته اقلیت به هفدهمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت)

رفقای سازمان فدائیان اقلیت

هفدهمین کنفرانس شما را شادباش می‌گوئیم و آرزو مندیم در اهداف انقلابی همواره موفق و پیروز باشید. گسترش همکاریها هر چه نزدیک تر شدن به ملزومات انقلابی را نوید می‌دهد. در راه همکاری و همگرایی نیروهای چپ و کمونیست دستتان را به گرمی می‌فشاریم. شرکت کنندگان از طرف هسته اقلیت

پیام فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) - داخل کشور به کنفرانس هفدهم سازمان فدائیان (اقلیت)

با درود!

و با یاد و خاطره جاودان زندانیان سیاسی جان‌باخته در گذشتار سراسری و قتل و عام عمومی زندانیان در تابستان و پائیز ۶۷ که هم‌زمان با چنین روزهایی اتفاق افتاد. گرامی و خجسته باد یاد همه جان‌باختگان راه سوسیالیسم و انقلاب.

با درودهای رفیقانه، و تبریک و شادباش به مناسبت برپائی کنفرانس ۱۷ سازمان

رفقا!

در فاصله دوساله بین نشست قبلی سازمان و کنفرانس پیش رو بحران اقتصادی - اجتماعی و سیاسی در ایران بسیار عمیق شده است. به جد می‌توان گفت که جامعه و رژیم در یکی بحرانی‌ترین مراحل حیات سیاسی خود هستند. همه قول و وعده‌هایی که در مورد پسابرجام و رونق اقتصادی به مردم داده شده بود، بعد از خروج آمریکا به پاس و ناامیدی مبدل شد. بیکاری که از رهگذر ورشکستگی اقتصادی صنایع تولیدی و کارخانجات از چند سال پیش دامن‌گیر جامعه شده همچنان ادامه دارد. در وضعیت فرسایشی و پر ابهام نه مذاکره و نه جنگ و بن‌بست سیاسی موجود، زندگی کارگران و زحمتکشان و عموم توده‌های محروم اجتماعی شکل بسیار نابسامانی به خود گرفته است. گرانی مایحتاج زندگی روزانه توده‌ها به شکل افسارگسیخته و غیرقابل‌باوری با شتاب پیش می‌رود. مردم حتی از تهیه حداقل خورودخوراک معمولی روزانه که بتوانند شکم خود را سیر کنند ناتوان هستند. گوشت در ردیف غذاهای ممنوعه است، حبوبات غذای اشرافی! همه از خود می‌پرسند که مردم چگونه گذران می‌کنند؟ قیمت و اجاره مسکن در یکی دو سال اخیر نزدیک به سه برابر افزایش پیدا کرده است. پدیده چادرنشینی و کپرنشینی در میادین و پارک‌ها و محوطه‌های خالی شهرهای بزرگ رایج شده است. دریغ از یک لحظه فراغت و شادی هرچند موقت و آنی در فضای سراسر تیره‌ای که زندگی کارگران و زحمتکشان و عموم توده‌های مردم را فراگرفته است.

مشکل بتوان به همه مصائب و سختی‌های دامن‌گیر جامعه اشاره کرد. جوانان و نوجوانانی که می‌بایست پشت میز مدرسه و آموزشگاه در حال تحصیل باشند، در جمع‌های دو-سه نفره به شکل بسیار نامناسب و زانده‌ای می‌بینی که به دنبال گاری چهارچرخ در حال جمع‌آوری ضایعات و خورد و ریز در زباله‌دان‌ها هستند. رنج‌آور است که جلو انواع غذاخوری‌ها و

کافه‌قنادی‌ها و نیش کوچه‌ها و خیابان‌ها می‌بینی که دست هموعی جوان، پیر، زن و مرد به طرفت دراز می‌شود که نیاز به پول و کمک دارد. "ملت گدائی می‌کند آخوند خدائی می‌کند". فقر عمومی، ده‌ها پدیده زشت و ناهنجاری اجتماعی را در پی دارد. جامعه یکپارچه در بحران و تب می‌سوزد.

رفقا!

جامعه‌ای که دچار بحران طولانی و مزمن باشد نمی‌تواند عقیم بماند، از هم‌اینک وجود یک مولود تازه و موجود زنده‌ای را می‌توان در درون جامعه مشاهده کرد که در حال بالیدن و رشد سریع است. هر حادثه‌ای می‌تواند پی آمدهای انقلابی در پی داشته باشد. زیاد طول نخواهد کشید که همه‌چیز دیگرگونه شده و جامعه رنگ دیگری به خود خواهد گرفت. وقتی که با دقت جامعه را مشاهده کنی می‌توانی بی‌قراری و ناآرامی در درون و در بطن جامعه در اشکال متفاوت، میان اقشار اجتماعی را ببینی. کلیت جامعه در خودش در حال تحرک و نفی شرایط موجود می‌باشد. علاقه‌مندان به مسائل سیاسی حالا دیگر وجودشان منحصر به خودشان نیست، توجهشان به جامعه و مشکلات گریبان‌گیر جامعه جلب شده است. شکست رژیم در عرصه‌های متفاوت موجب کشش نیرومند و جذب افراد و توده‌ها به مبارزه اجتماعی شده است. علیرغم پیگرد، تعقیب و زندان فعالان کارگری و اجتماعی و روشنفکران سیاسی معترض، مبارزه همچنان ادامه دارد. جوانان باتجربه تلخی که از زندگی سراسر همراه با تبعیض، بی‌عدالتی، دروغ و زدنی در رژیم سرمایه‌داری اسلامی دارند، بانگیزه و با نفرت از رژیم در جستجوی راه‌های مبارزه با وضع موجود هستند. مخالفین رژیم تنها عناصر فعال کارگری و اجتماعی نیستند، بلکه اغلب اقشار اجتماعی و آحاد جامعه مخالف وضعیت حاکم هستند. شعارهای ضد رژیم و ضد دستگاه حاکمه زودبزه‌زد توسط دستان نوآموز و تازه‌کار نقش دیوار شهرها می‌شود. فضای سیاسی جامعه برای عضوگیری و کار تشکیلاتی بسیار مناسب است. علیرغم سرکوب شدید مبارزات اجتماعی در حال پیش روی است. فضای سیاسی جامعه منحصر به حضور احزاب بورژوازی و انتقاد علنی و نامه سرگشاده افراد سیاسی لیبرال به دستگاه حاکمه نیست، بلکه زمینه حضور مستقیم احزاب و جریانات رادیکال در بدنه جامعه، مراکز تولیدی، صنعتی، مراکز کارگری، دانشجویی و آموزشگاه‌ها نیز فراهم می‌شود.

رفقا!

ما امروز با رغبت به پشت سر خود نگاه می‌کنیم. تجربه‌ای بالارزش از مجموعه تاکتیک‌های درست و انقلابی سازمان را پشت سر داریم که پشتوانه و مشوقی قوی برای ما در مسیر مبارزه پیش رو می‌باشد. خرسند و خوشحال هستیم که با کارهای جمعی مستمر هرچند کوچک، اما پیگیرانه خود، توانستیم بار سخت مبارزه و پیشبرد اهداف کمونیستی سازمان را تا مرحله اعتلای کنونی در شرایط سخت پلیسی و امنیتی بدوش بکشیم. ما با احساسی سرشار از رفاقت کمونیستی به کمیته اجرائی و رهبری سازمان در تلاش بی‌دریغ در تدوین تئوری انقلاب (تهیه مجموعه مقالات آموزشی و ترویجی سازمان پیرامون مقولات سیاسی - تشکیلاتی و راهبردی جنبش کارگری در تشریح کار) و گزارش مدون دوسالانه سازمان ارج بسیار می‌گذاریم و با همدلی در مبارزه‌ای پیگیر اعلام می‌داریم که سعی و کوششمان در آینده بر این است تا در ترویج و تبلیغ اهداف سازمان، نمونه‌ای استوار از فدائی اقلیت باشیم و لحظه‌ای از پیشبرد اهداف کمونیستی سازمان درنگ و تأمل ننماییم.

رفقا!

ما فعالان سازمان داخل کشور، برگزاری موفق کنفرانس ۱۷ سازمان را آرزو داریم، علیرغم فاصله‌ای که در میانمان هست، احساس می‌کنیم در کنار شما هستیم. به گرمی دست یکایک شماها و رفقای میهمان رامی فشاریم، امیدواریم نتایج کنفرانس ۱۷ سازمان گامی بزرگ در جهت تحقق اهداف جنبش کارگری و کمونیستی ایران باشد. همچنین کنفرانس ۱۷ سازمان را به کلیه کارگران و زحمتکشان، روشنفکران آزادیخواه و مترقی و به کلیه کادرها، اعضاء، هواداران سازمان و دوستداران جنبش کارگری - کمونیستی تبریک و شادباش می‌گوییم.

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری

جمهوری اسلامی

برقرار باد حاکمیت شورایی کارگران و

زحمتکشان

زنده‌باد انقلاب زنده‌باد سوسیالیسم

فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) -

داخل کشور

۲۲/۵/۱۳۹۸

کار نان آزادی حکومت شورایی

**رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی
و قیام مسلحانه برانداخت**

پیام فعالین و هواداران سازمان فدائیان (اقلیت) - داخل کشور به رفقای شرکت‌کننده در کنفرانس هفدهم سازمان فدائیان (اقلیت)

با دروهای انقلابی به رفقای کمیته اجرایی و همه رفقای شرکت‌کننده در کنفرانس رفقا! گرم‌ترین دروها و شادباش‌های ما را به مناسبت برگزاری هفدهمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت) بپذیرا باشید

رفقا!

تحلیل سیاسی گزارش سیاسی رفقای کمیته اجرایی، خواست‌ها و روند مبارزات کارگران و زحمتکشان و چشم‌اندازی که در آن به تصویر کشیده شده است منطبق با شرایط عینی جامعه و منافع کارگران و عموم زحمتکشان است. کارگران و زحمتکشان و عموم توده‌های مردم زحمتکش ایران، برای تحقق مطالباتی مبارزه نموده و مبارزه می‌کنند که برخاسته از شرایط اقتصادی و سیاسی عینی جامعه است. بخش زیادی از کارگران، زحمتکشان و پابرهنگان برای تحقق این خواست‌ها، متحمل خشن‌ترین اقدامات سرکوبگرانه رژیم مستبد و سرکوبگر جمهوری اسلامی شده‌اند. کمونیست‌ها و بسیاری از کارگران، دانشجویان، زنان و معلمان آگاه و سایر آزادیخواهان، در مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی، برای رهایی از وضع موجود و دستیابی به آزادی و ایجاد یک جامعه نوین فارغ از تبعیض و ستم و استعمار، هزینه‌های زیادی پرداخته‌اند، اسیر بند و زندان و شکنجه شده‌اند، به حبس‌های طولانی مدت محکوم شده‌اند و یا به دست جلاخان جمهوری اسلامی کشته شده و در خاوران‌ها دفن شده‌اند. چهل سال حاکمیت سرمایه‌داران مرتجع اسلامی جز فقر و بدبختی و بیکاری و گرسنگی، جز سرکوب و زندان و شکنجه و اعدام، جز کشتار و ترور و خفقان، دستاورد دیگری نداشته است. جمهوری اسلامی در تمام دوران حاکمیت خود حتی یک‌لحظه از سرکوب و حشایشانه جنبش طبقه کارگر و جنبش‌های اعتراضی زنان، معلمان، دانشجویان و ملیت‌های تحت ستم و محروم ساختن آن‌ها از حقوق دموکراتیک و آزادی‌های سیاسی مانند آزادی بیان و ایجاد تشکل مستقل، دست برنداشته و هر تلاشی را در این زمینه با سرکوب شدید و قهرآمیز پاسخ داده است.

رفقا!

سازمان ما با ارائه تحلیل مشخص از شرایط مشخص و ترسیم چشم‌انداز تشدید تضادها و نبرد طبقاتی، طبقه کارگر و عموم زحمتکشان را به تشدید مبارزه علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی ترغیب و تشویق نموده است. در تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، هیچ چشم‌اندازی برای بهبود شرایط مادی و معیشتی کارگران و زحمتکشان وجود ندارد. جمهوری اسلامی که اکنون با تشدید تحریم‌های اقتصادی

دولت آمریکا نیز مواجه است، نه‌فقط حتی قادر به تعدیل بحران اقتصادی نیست، بلکه تلاش کرده است بار این تحریم‌ها را نیز بر دوش کارگران و زحمتکشان قرار دهد.

رفقا!

ما باید تمام امکانات و نیروی خود را برای رهایی از چنگ رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، برپایی انقلاب اجتماعی کارگری و استقرار حکومت شورایی به‌کارگیریم. نبرد طبقاتی سهمگین و شدیدی در پیش است و در این نبرد، کارگران جز زنجیرهای پایشان چیز دیگری از دست نخواهند داد. جمهوری اسلامی را باید با اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت. از این‌رو، تبلیغ شعار اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برای برافکندن جمهوری اسلامی و استقرار حکومت شورایی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. شعار "کار-نان-آزادی-حکومت شورایی" هم‌اکنون جای خود را در میان بخش‌هایی از توده‌های کارگر و زحمتکش باز کرده است. باین‌وجود باید این شعار محوری سازمان را هرچه وسیع‌تر به میان کارگران و زحمتکشان برد.

رفقا!

اوضاع و شرایط سیاسی جامعه ما، هم‌اکنون به مرحله‌ای رسیده است که باید تبلیغات متمرکز را روی شعار حکومت شورایی به‌عنوان یک شعار عمل و به‌عنوان ال‌ترناتیو کارگری سازمان داد و آن را هرچه وسیع‌تر به میان کارگران و زحمتکشان و توده‌های زحمتکش مردم برد و این شعار را به شعار عموم کارگران و زحمتکشان تبدیل کرد. همان‌گونه که شعار کار نان آزادی از چنین موقعیتی برخوردار شده و در سر هر کوی و برزنی به چشم می‌خورد.

رفقای گرامی شرکت‌کننده در کنفرانس هفدهم سازمان!

ما فعالین و هواداران سازمان فدائیان (اقلیت) - داخل کشور ضمن سپاس و قدردانی از کلیه شرکت‌کنندگان در کنفرانس هفدهم بخصوص از رفقای کمیته اجرایی، امیدواریم کنفرانس هفدهم سازمان با بحث‌ها و اتخاذ تصمیمات راه‌گشا، کنفرانسی موفق و پربر بار باشد. در پایان دست تکتک رفقا را به گرمی می‌فشاریم و متعهد می‌شویم که ما نیز به سهم خود برای انجام این وظایف و تحقق اهداف و آرمان‌های سرخ سازمان مبارزه و تلاش کنیم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

برقرار باد حکومت شورایی

زنده‌باد آزادی زنده‌باد سوسیالیسم

فعالین و هواداران سازمان فدائیان (اقلیت) -

داخل کشور

مرداد ۱۳۹۸

پیام هسته امیر پرویز پویان به کنفرانس هفدهم سازمان فدائیان (اقلیت)

با گرم‌ترین دروها به شما رفقای شرکت‌کننده در کنفرانس

رفقا!

کنفرانس هفدهم سازمان در حالی برگزار می‌شود که همه می‌دانیم، جمهوری اسلامی در انواع بحران‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، ایدئولوژیک، منطقه‌ای و جهانی گرفتار است. این در حالی است که رژیم نه‌فقط هیچ برنامه‌ای برای حل این بحران‌ها ندارد بلکه حتی اگر بخواهد نیز نمی‌تواند راهی برای حل آن‌ها بیابد و مشکلات ناشی از این بحران‌ها را چاره کند.

فشارهای اقتصادی و معیشتی و تحمیل فقر و بیکاری و زندگی نامناسب و چند برابر زیرخط فقر بر کارگران و زحمت‌کشان، خواست کار و بهبود شرایط زندگی و یک آینده روشن و آباد را به خواست مبرم کارگران و زحمتکشان تبدیل کرده است. از سوی دیگر رژیم ارتجاعی و سرکوب‌گر جمهوری اسلامی که ماهیتاً با آزادی‌های سیاسی مخالف است، چهل سال است که کارگران و عموم زحمتکشان را از حقوق اولیه و دموکراتیکشان محروم ساخته است. تحت چنین شرایطی مبارزات کارگران و زحمتکشان برای بهبود شرایط زندگی، دستیابی به آزادی‌های سیاسی و تغییر وضع موجود پیوسته رشد و ارتقاء یافته است. جنبش‌های اجتماعی نیز در مسیر رشد خود گام نهاده‌اند. جنبش دانشجویی، جنبش زنان و جنبش اعتراضی معلمان و بازنشستگان و روشنفکران انقلابی در راه حمایت از جنبش طبقه کارگر و پیوند و همراهی با آن گام‌های اولیه را برداشته‌اند.

رفقا!

تجمعات اعتراضی و اعتصابات کارگری در کارگاه‌ها و کارخانجات صنعتی و تولیدی حول خواست‌ها و شعارهای گوناگون و رادیکال و انقلابی و اتحاد محور با همراهی موج دادخواهی کارگران بیکار شده از کار گسترش یافته است. صفوف کارگران، معلمان، جوانان، دانشجویان، زنان و انسان‌های آزادی‌خواه و برابری طلب که به مبارزه حول شعار کار نان آزادی و حکومت شورایی روی می‌آورند پیوسته فشرده‌تر

نیازهای ضروری بازنشستگان در شرایط کنونی تشکل است، موضوعی آنچنان ملموس که در حرکت‌های اخیر بازنشستگان، ضرورت ایجاد یک تشکل واقعی سراسری بازتاب داشته است.

معلمان مبارز و آگاه!

همگام با پیشرفت جنبش انقلابی توده‌های مردم ایران و به دور ریخته شدن توهام اصلاح‌طلبی، جنبش اعتراضی معلمان ایران نیز گام‌های مهمی به پیش نهاد. اعتصابات سراسری سال گذشته تحصیلی یک نقطه عطف در مبارزات معلمان ایران بود که توانست تعداد قابل توجهی از معلمان را به میدان عمل وارد کند. تهدید، دستگیری، اخراج و حتا زندان و صدور احکام ظالمانه علیه معلمان مبارزی همچون حبیبی نیز بیش از پیش ماهیت فریبکارانه و سرکوبگر رژیم را برای معلمان ایران آشکار ساخت. معلمان و بویژه بخش پیشروتر آن‌ها به‌خوبی دریافته‌اند که رژیم جمهوری اسلامی نه تنها "اصلاح‌پذیر" نبوده و نخواهد بود، بلکه مانع عمده‌ای بر سر راه تحقق خواست‌های برحق معلمان، از خواست‌های ویژه و معیشتی آن‌ها گرفته تا آموزش رایگان و با کیفیت برای همه کودکان می‌باشد.

دانشجویان و جوانان مبارز!

در سالی که گذشت دانشجویان با حمایت از مبارزات کارگران و دیگر جنبش‌های اجتماعی و با سر دادن شعارهایی همچون "اصلاح‌طلب، اصولگرا دیگه نوم ماجرا"، "نان کار آزادی"، "فرزند کارگرانیم کنارشان می‌مانیم" و "نان کار آزادی اداره شورایی" نقش مهمی در فراگیر شدن شعارها و مطالبات برحق توده‌های کارگر و زحمتکش جامعه داشتند. توسعه جهت‌گیری رادیکال در اعتراضات دانشجویی و حمایت از مطالبات زنان از دیگر جنبه‌های مهم مبارزات دانشجویان در سال گذشته بود، آن‌هم در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی با گسیل نیروهای خودی به دانشگاه‌ها در چهره دانشجو و استاد و با استفاده از ابزارهای همچون حراست سعی داشته و دارد تا جو دانشگاه‌ها را به کنترل خود درآورد. اما در دانشگاه‌ها نیز همچون دیگر عرصه‌ها، رژیم توانست مانع مبارزات دانشجویان و بویژه گسترش رادیکالیسم شود به‌گونه‌ای که بارها مجبور شد تا به حضور "کمونیست‌ها" در دانشگاه‌ها اعتراف کند.

واقعیت این است که دانشجویان و جوانان جامعه یک نیروی بسیار با اهمیت در جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان هستند. مبارزات دو سال گذشته از دی‌ماه ۹۶ تا امروز نیز گواه این مساله است. تنها نظری به تعداد دانشجویان و جوانانی که امروز در بند رژیم هستند، نقش و اهمیت آن‌ها را آشکار می‌سازد.

زنان مبارز!

سال‌ها ستم قرون وسطایی بر زنان جامعه، خشم و طغیان آنها را برانگیخته و از آنان نیرویی سرشار از مبارزه ساخته است. نیرویی که رژیم

پیام هفدهمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت) به کارگران و زحمتکشان، زنان و جوانان

تلاش برای ایجاد تشکل‌های وابسته و یا زرد و سرکوب تشکل‌های واقعی کارگری و به زنجیر کشیدن نمایندگان کارگران از حیل‌های دیگر رژیم هستند تا بتوانند از اتحاد کارگران که به شدت از آن هراسان است، جلوگیری کند.

رفقای کارگر!

ترس رژیم از مبارزات شما و گسترش آن را می‌توان به‌خوبی در محاکمه کارگران هفت‌تپه و حامیان آن‌ها و محاکمه شرکت‌کنندگان در مراسم روز جهانی کارگر و صدور احکام سنگین علیه آن‌ها دید.

محاکمه جمعی از کارگران هفت‌تپه، دستگیری و محاکمه اسماعیل بخشی و علی نجاتی دو تن از کارگران مبارز هفت‌تپه، دستگیری تعدادی از حامیان کارگران هفت‌تپه همچون سپیده قلیان، عسل محمدی، امیر امیرقلی، ساناز اللهیاری، امیرحسین محمدی فرد، هیراد پیربدایی، رهام یگانه، فرید لطف‌آبادی، و نیز دستگیری و محاکمه تعدادی از شرکت‌کنندگان در مراسم روز جهانی کارگر که هنوز سه تن از آن‌ها مرضیه امیری، عاطفه رنگریز و ندا ناجی در زندان هستند و صدور احکام سنگین و ظالمانه علیه آن‌ها همچون صدور حکم ۵ سال زندان برای حسن سعیدی عضو سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و صدور حکم ده سال و نیم زندان و ۱۴۸ ضربه شلاق برای مرضیه امیری هرگز نشانه اقتدار رژیم نیست. این نشانه وحشت رژیم است که گمان می‌پرد با تشدید سرکوب می‌تواند فریاد بلند کارگران را خاموش سازد. اما تداوم مبارزات، مبارزاتی که نه تنها خاموشی نمی‌گیرد بلکه در مسیر خود تنها شعله‌ورتر شده است، نشان داد که این جنبش قصد ایستادن ندارد.

شرایط عینی جامعه و تجربه کارگران و دیگر زحمتکشان از مبارزات و اعتراضات خود، همدلی و اتحاد را در بین کلیه زحمتکشان و ستم‌دیدگان جامعه گسترش داد که اعتراضات متعدد بازنشستگان و حمایت‌های آن‌ها از کارگران و معلمان یک نمونه آن است.

بازنشستگان مبارز و حق‌طلب!

اعتراضات متعدد شما در دوره اخیر و اعلام همبستگی‌تان با کارگران، معلمان، پرستاران و جوانان با شعارهایی چون "کارگر، معلم، پرستار، دانشجو، اتحاد اتحاد" و سردادن شعارهایی چون "نان، کار، آزادی"، بیانگر یک نیاز و یک واقعیت در زندگی امروز بازنشستگان است. بازنشستگانی که امروز اکثریت بسیار بزرگ آن‌ها در زیر خط فقر زندگی می‌کنند. بازنشستگانی که از امکانات درمانی مناسب محروم هستند. بازنشستگانی که به ماهیت مناسبات حاکم و رژیم سیاسی حامی آن پی برده و راه‌هایی را در اتحاد کلیه کارگران و زحمتکشان می‌بینند. بدون تردید یکی از

توهم به اصلاح‌طلبان حکومتی را اعلام و خواست‌های خود یعنی نان، کار و آزادی را با صدای رسا فریاد زدند، اما هنوز این‌که چه چیزی باید جایگزین جمهوری اسلامی شود، در شعارهای‌شان روشن نبود.

ده ماه بعد کارگران مبارز هفت‌تپه، در جریان اعتصاب پرشکوه خود به این سوال پاسخ دادند. پاسخی که برخاسته از تجربه‌ی مستقیم و عینی کارگران بود. کارگران هفت‌تپه که پیش از این خواستار نظارت شورای مستقل کارگران بر تمامی امور کارخانه برای حل معضلات هفت‌تپه شده بودند، در تداوم مبارزه خود با شعار "نان کار آزادی، اداره شورایی" پرچمی را برافراشتند که دیگر بر زمین افتادنی نبود. این شعار کارگران هفت‌تپه به دلیل آن‌که جامعه به دنبال راه حلی برای برون رفت از شرایط کنونی بود، به سرعت از سوی سایر کارگران، و همچنین دیگر اقلیت‌های زحمتکش جامعه همچون بازنشستگان و معلمان پذیرفته شد و دانشجویان با شعار "فرزند کارگرانیم، کنارشان می‌مانیم"، پرچم سرخ "نان کار آزادی، اداره شورایی" را بر دوش گرفتند. خیابان‌ها با شعار "نان کار آزادی" و "نان کار آزادی، اداره شورایی" آذین یافتند، شعارهایی که فراگیر شدن‌شان، جنبش انقلابی توده‌ها را فرسنگ‌ها به پیش راند.

کارگران مبارز ایران!

مبارزات شما از سویی رژیم ارتجاعی سرمایه‌داری جمهوری اسلامی را به وحشت انداخته و از سوی دیگر روشنایی بخش جنبش انقلابی توده‌های ستم‌دیده جامعه شده و امید را در دل‌ها بارور ساخته است. پرچمی که در هفت‌تپه برافراشته شد، به‌رغم تمام فشارهای سرکوب‌گرانه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی، سراسر ایران را در نوردید و به گامی مهم و ارزشمند برای تحقق آرزوها و آمال کارگران و زحمتکشان جامعه تبدیل گردید.

اما این تنها کارگران هفت‌تپه نبودند. مبارزات قهرمانانه کارگران فولاد اهواز نیز یک پرده افتخارآمیز دیگر از مبارزات کارگران ایران در سال گذشته بود. کارگران مبارز هپکو، پتروشیمی، نفت، راه‌آهن، مخابرات، برق، معادن و دیگر کارگران ایران در صنایع مختلف بارها با تجمعات و اعتصابات خود، به نظم موجود اعتراض کردند. در یک نگاه کلی اعتراضات کارگران در سال‌های اخیر از نظر کمی و کیفی به رشد خود ادامه داده است.

گسترش کمی و ارتقاء کیفی مبارزات کارگران در حالی‌ست که سرمایه‌داران و رژیم حامی آن‌ها از هر ابزاری برای جلوگیری از گسترش اعتراضات کارگری استفاده کرده‌اند. اخراج و بویژه اخراج نمایندگان کارگران تنها یک حیل آن‌هاست، آن‌هم در شرایطی که وجود میلیون‌ها بیکار، قراردادهای موقت و فقر همواره تهدیدی برای کارگرانی‌ست که برای احقاق حقوق خود دست به اعتراض می‌زنند.

پیام هفدهمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت) به کارگران و زحمتکشان، زنان و جوانان

پیام هسته امیر پرویز پویان به کنفرانس هفدهم سازمان فدائیان (اقلیت)

می‌شود. این شعاری که از درون مبارزات کارگران هفت‌تپه جوانه زد، بر پرچم طبقه کارگر نقش‌بست و در حال توده‌ای شدن است، قاعدتاً بایستی قطب نمای برنامه‌ریزی‌ها و اتخاذ تاکتیک‌های کنفرانس هفده سازمان باشد.

خوشبختانه رژیم جمهوری اسلامی سال‌هاست به پایان عمر خود نزدیک شده است. جمهوری اسلامی بار تمام بحران‌ها و معضلات و فشارهای ناشی از آن را بر دوش کارگران و توده‌های رنج‌دیده انداخته است. رژیم سرمایه‌داری حاکم که قادر به حل بحران‌ها و پاسخ‌گویی به خواست‌های کارگران و زحمتکشان نیست، همراه با تشدید فشارهای اقتصادی و معیشتی، سرکوب و بگرویند و زندان و شکنجه را نیز بیش‌ازپیش تشدید خواهد نمود. اما سرکوب بیشتر نیز رژیم را نجات نخواهد داد. برعکس با توجه به روند روبه‌گسترش اعتصابات کارگری و جنبش‌های اعتراضی و رادیکالیزم‌تر شدن مبارزات، پایان قطعی کار رژیم جمهوری اسلامی هرلحظه و هرروز میسرتر می‌شود. دیر نیست روزی که کارگران و زحمتکشان و عموم مردم زحمتکش و آزادی‌خواه، یکپارچه بپا خیزند و تمام نظم موجود را به زیر کشند و حکومت شورایی خود را مستقر سازند. ما هواداران و فعالان و نیروهای سازمان فدائیان (اقلیت) در تمام مراحل نبرد، در اعتصاب عمومی سیاسی سراسری، در قیام مسلحانه و براندازی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار دولت شورایی، همدوش کارگران و زحمتکشان خواهیم بود.

رفقای گرامی!

در خاتمه ما امیدواریم که بحث‌ها و تصمیمات کنفرانس بتواند در راستای پیوند بیش‌ازپیش با طبقه کارگر و تعمیق و تحکیم هرچه بیشتر آن مؤثر باشد. ما همچنین امیدوار هستیم که بحث‌ها و تصمیمات کنفرانس، در هموارتر ساختن راهی که طبقه کارگر بتواند پویاتر و آگاه‌مند تر از گذشته، خواست‌ها و اهداف مستقل خود را پیگیری کند به سهم خود مؤثر باشد. پیروز و مانا باشید.

هسته امیر پرویز پویان
مرداد ۱۳۹۸

دهد، این شرایط روز به روز بدتر خواهد شد. رژیم جمهوری اسلامی به انتهای خط رسیده است. این یک امر روشن است. شکاف عمیق طبقاتی که در کمتر کشوری می‌توان دید، فساد است، همه بیان‌گر اوج بحران‌های لاینحل نظام سرمایه‌داری حاکم و رژیم سیاسی آن است. در کجای دنیا امروز می‌توان دید که گندم را با فضولات حیوانی در هم آمیزند و برای پخت نان از آن استفاده کنند؟! این‌ها نشانه‌ی فروپاشی این نظام هستند که کثافت همه جای آن را فرا گرفته است، نظامی که یک روز قائم مقام شهردار تهران، روز دیگر معاون اطلاعات سپاه، روز دیگر معاون بانک مرکزی، روز دیگر معاون قوه قضاییه و روز دیگر دو نماینده مجلس و مدیران عامل بزرگ‌ترین خودروسازی‌ها به جرم فساد دستگیر می‌شوند، در حالی که نه فقط دستگیرشدگان بلکه دستگیرکنندگان نیز همه غرق در فساد هستند. کشتی جمهوری اسلامی به گل نشسته و سرنوشتی جز نابودی ندارد. اما تنها زمانی مرگ جمهوری اسلامی با یک زندگی بهتر برای کلیه کارگران و زحمتکشان همراه خواهد شد که کارگران و زحمتکشان با اتحاد و مبارزه، با برپایی اعتصابات سرتاسری و در نهایت قیام مسلحانه این رژیم را برانداخته و خود قدرت را در دست بگیرند.

کارگران، زحمتکشان، زنان و جوانان!

راهی از این شرایط و بحران کنونی تنها یک راه حل دارد: راه حل انقلابی. هرگونه تلاش برای ایجاد توهم به امپریالیست‌ها و هرگونه تلاش برای ایجاد توهم به اشکال دیگری از جمهوری اسلامی تنها برای نجات این نظام و سیستمی است که زندگی شما را تا امروز فنا کرده است. با ایجاد تشکلهای مخفی، نیمه مخفی و علنی، با گسترش مبارزات و بالاخره با اعتصاب سراسری سیاسی و قیام مسلحانه رژیم جمهوری اسلامی را برانداخته و با برقراری حکومت شورایی قدرت را در دست بگیرید.

کنفرانس هفدهم سازمان فدائیان (اقلیت)

سرنگون بادرژیم جمهوری اسلامی-

برقراریادحکومت شورایی

زنده بادآزادی- زنده بادسوسیالیسم

مرداد ۱۳۹۸



را در عرصه‌های مختلف به شکست کشانده که یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های آن حجاب است. رژیم مذهبی جمهوری اسلامی که با زور و سرکوب سعی داشت حجاب را بر سر زنان ایران ابدی سازد از زنان ایران شکستی مفتضحانه خورد. مبارزه با حجاب اجباری تنها مبارزه برای حق انتخاب پوشش نیست، مبارزه با مذهبیست که زنان را جنس دوم می‌خواند و حجاب یک نماد مهم و اساسی برای این مذهب است.

اگر تا چند سال پیش زنان "اصلاح‌طلب" با طرح خواست‌هایی آن‌چنان جزئی سعی داشتند مطالبات زنان را به بیراهه برند اما امروز و با پیشرفت جنبش انقلابی، نه تنها این گروه از زنان بورژوا کاملاً منزوی شده‌اند، بلکه زنان مبارزی پا به میدان مبارزه رادیکال گذاشته‌اند که در بسیاری از مبارزات و جنبش‌های اجتماعی به نیرویی پیشتاز تبدیل شده‌اند. از مبارزات بازنشستگان، تا دانشجویان و معلمان همه‌جا حضور زنان بارز است. تجمع اعتراضی معلمان در اصفهان یک نمونه است که بیش از ۹۰ درصدشان معلمان زن بودند.

از همین روست که رژیم ضد زن جمهوری اسلامی در سال گذشته بیشترین فشار را بر روی زنان مبارز آورده است. دستگیری زنان مبارزی که به دفاع از کارگران هفت‌تپه برخاسته بودند، دستگیری دانشجویان زن مبارز و صدور احکام سنگین زندان علیه آن‌ها، و بالاخره بازداشت و صدور احکام سنگین علیه زنانی که در تجمع اول ماه مه حضور داشتند، همگی بیان‌گر نفرت و در عین حال ترس رژیم از زنانیست که برای آزادی و ایجاد جامعه‌ای نوین که هیچ تبعیضی بین زنان و مردان وجود نداشته باشد، مبارزه می‌کنند.

کارگران، زحمتکشان، زنان و جوانان!

دو سالی که گذشت تجارب گران‌بهایی در برداشت، تجاربی که در شعارها، پلاکاردها و در اشکال اعتراضی شما نیز انعکاس یافتند. اعتصابات سراسری رانندگان کامیون یک نمونه است و اعتصابات سراسری معلمان نمونه‌ای دیگر. از این تجارب بویژه در سالی که گذشت فراوان هستند. به بار نشستن اتحاد در عمل در عرصه‌هایی نتیجه‌ی یکی از این تجارب گران‌بهاست. نه تنها اتحاد در یک گروه و صنف بلکه ضرورت اتحاد کلیه کارگران، زحمتکشان و ستمدیدگان جامعه در برابر جمهوری اسلامی و نظام سرمایه‌داری حاکم امروز در برابر چشمان همگان قرار دارد.

رژیم جمهوری اسلامی سعی دارد تا با سرکوب و بهره‌گیری از اختلافات منطقه‌ای خود و این‌که مثلاً "در جنگ اقتصادی هستیم"، مانع گسترش مبارزات توده‌ها شود. مبارزاتی که بر بستر عینی شرایط جامعه شکل گرفته‌اند. اما واقعیت مهم و از لحاظی مهم‌ترین واقعیت این است که تا زمانی که جمهوری اسلامی به بقای خود ادامه

پیام هفدهمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت) به کارگران و زحمتکشان، زنان و جوانان

کارگران، زحمتکشان، زنان و جوانان!

هفدهمین کنفرانس سازمان در شرایطی برگزار شد که جامعه در یک دوران انقلابی بسر می‌برد و طبقه کارگر ایران با برافراشتن پرچم "نان کار آزادی اداره شورایی" آلترناتیو انقلابی خود را پیشرو جامعه و اقشار گوناگون زحمتکش جامعه برای برون رفت از شرایط وخامت‌بار کنونی قرار داده است.

در کنفرانس شانزدهم (که در شهریور ۹۶ برگزار شد) ما با تحلیل شرایط مشخص جامعه به این نتیجه رسیده بودیم که جامعه در ماه‌های آینده با یک بحران انقلابی روبرو خواهد شد. چهار ماه بعد، اعتراضات توده‌ای حداقل ۱۶۰ شهر بزرگ و کوچک را فرا گرفت، بیش از ۵۰۰۰ نفر دستگیر شدند و ده‌ها نفر در خیابان‌ها

و یا زندان‌های رژیم جمهوری اسلامی جان خود را از دست دادند. در این اعتراضات که بسیاری از مکان‌های سرکوب و تحمیق مذهبی - که به شدت مورد تنفر توده‌ها هستند - مورد حمله تظاهرکنندگان قرار گرفت و نیروی عمده خود را از جوانان بیکار می‌گرفت، شعارهای متعددی همچون "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر خامنه‌ای"، "مرگ بر روحانی" و "اصلاح‌طلب، اصولگرا، دیگه نموم ماجرا" سر داده شد. اما در این میان یکی از شعارهای تظاهرکنندگان دی‌ماه ۹۶ بعدتر و در مسیر رشد جنبش انقلابی اهمیت فراوانی یافت و آن شعار "نان کار آزادی" بود.

در این مرحله اگرچه توده‌ها در اعتراضات خود خواستار سرنگونی جمهوری اسلامی شده، پایان

در صفحه ۲۰

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat>

آدرس سازمان در تویتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 835 August 2019



تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم بیکار می‌کنند

shora.tv@gmail.com

برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی از اول فوریه ۲۰۱۹ برابر با ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۹۷ بر روی شبکه تلویزیونی Komala TV / Shora TV پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره‌های شبکه تلویزیونی "کومله تی‌وی / شورا تی‌وی" بدین قرار است:

ماهواره یاه ست (yahsat) فرکانس: ۱۱۹۵۷ سیمبل ریت ۲۷۴۸۰
پولاریزاسیون عمودی

ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی:

دوشنبه: ۲۲ تا ۲۴

سه‌شنبه: بازپخش ۴ بامداد - ۱۰ صبح - ۴ بعدازظهر

چهارشنبه: ۲۲ تا ۲۴

پنجشنبه: بازپخش ۴ بامداد - ۱۰ صبح - ۴ بعدازظهر

جمعه: ۲۲ تا ۲۴

شنبه: ۲۲ تا ۲۳

شنبه: بازپخش ۴ بامداد - ۱۰ صبح - ۴ بعدازظهر
یکشنبه: بازپخش ۴ بامداد - ۱۰ صبح - ۴ بعدازظهر

آدرس ایمیل: Shora.tv@gmail.com، شماره تلفن:

۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-aghaliyat.org>، <https://tvshora.com>

فیس‌بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی